صبح صادق

دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۷
۱۹ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۵۰
۱۲ صفحه

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

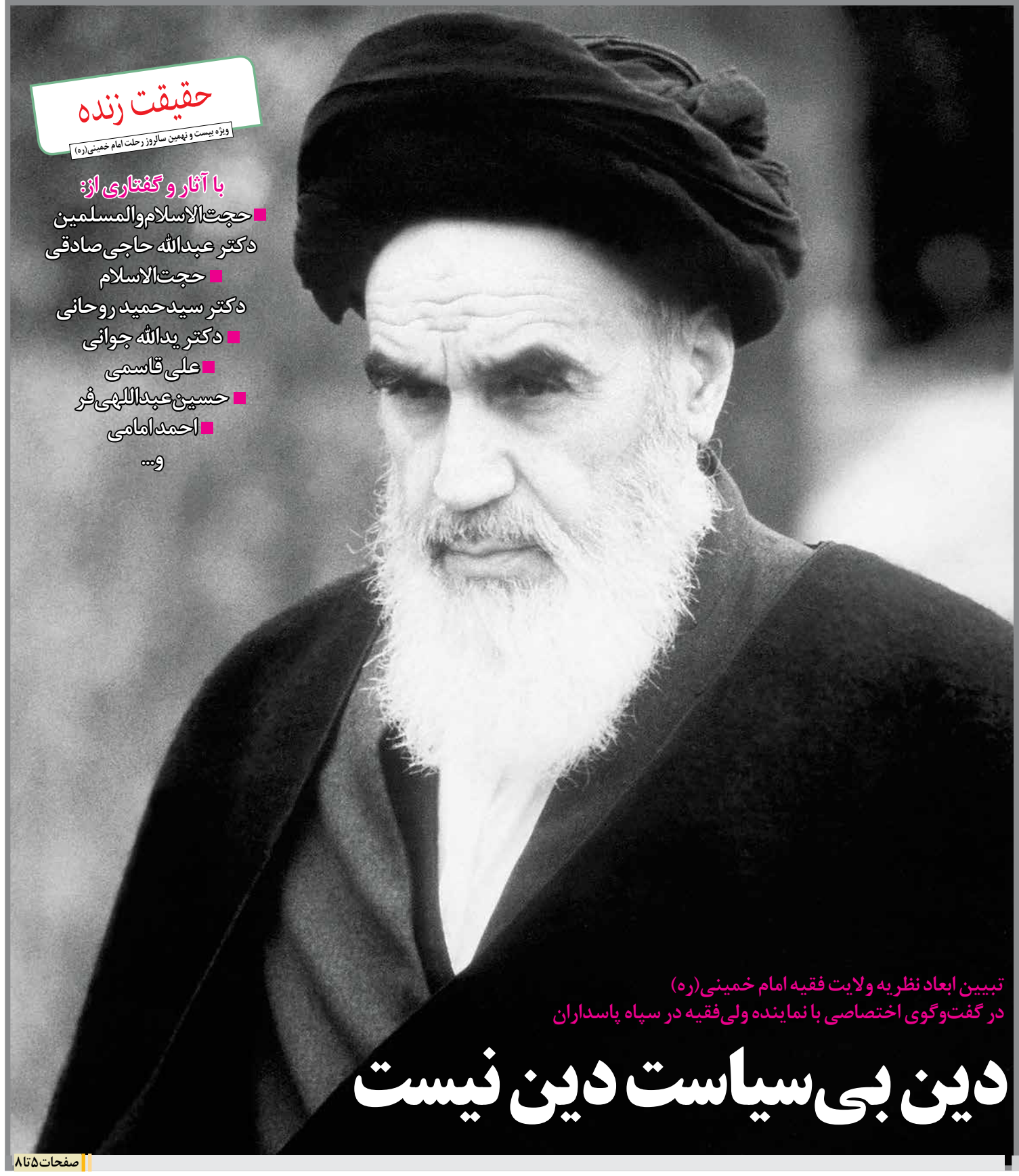

حقیقت زنده

ویژه بیست و نهمین سالروز رحلت امام خمینی(ره)

با آثار و گفتاری از:

- حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی
- حجت‌الاسلام دکتر سیدحمید روحانی
- دکتر یدالله جوانی
- علی قاسمی
- حسین عبداللهی‌فر
- احمد امامی

و...

تبیین ابعاد نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره)
در گفت‌وگوی اختصاصی با نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران

دین بی‌سیاست دین نیست

صفحات ۵ تا ۸

گزارش صبح صادق از «شنبه‌های انقلاب» در ایستگاه نمایشگاه قرآن

انقلاب اسلامی قرآن را وارد عرصه زندگی مردم کرد

بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در حالی به استقبال مخاطبان رفته که برنامه‌های متفاوت فرهنگی هم در حاشیه آن برگزار می‌شود. یکی از این برنامه‌ها، «شنبه‌های انقلاب» است که امسال کار خود را آغاز کرده و در هر ایستگاه (هر شنبه) دستاوردی از انقلاب اسلامی را معرفی می‌کند و این بار به دستاورد تأثیرگذاری قرآن کریم در انقلاب و نمایشگاه قرآن رسیده است

صفحه ۱۰

گفت‌وگو با کوروش زارعی
بازیگر سریال «آنام»

هنر در معرفی شخصیت امام (ره) مسئولیت دارد

صفحه ۱۲

سردار سلامی در مراسم افتتاح مسجد امام حسن(ع) دانشگاه امام حسین(ع)

هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت موشکی ما را نابود کند

صفحه ۱۱

حجت‌الاسلام دکتر سیدحمید روحانی در گفت‌وگو با صبح‌صادق

سازش‌ناپذیری مشی مشترک امام (ره) و رهبری است

امروز خطر آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی ایران اسلامی را تهدید نمی‌کند؛ خطرناک آنهایی هستند که در درون نظام به اسم امام(ره) و به نام انقلاب و اصالت اسلام سعی می‌کنند سیاست سازشکارانه را در جامعه استواری ببخشند

صفحه ۷

سرمقاله

امام علی (ع) الگوی امام روح‌الله

علی حیدری / چهاردهم خرداد هر سال یادآور یکی از تلخ‌ترین رویدادهای تاریخ انقلاب اسلامی است. ۲۹ سال پیش در چنین روزی وقتی خبر عروج ملکوتی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی منتشر شد، ایران اسلامی غرق در ماتم و عزا شد و انقلاب کبیر اسلامی معمار و بنیانگذارش را از دست داد؛ معماری که بیش از نیم قرن پیش در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با ایمان و اراده‌ای پولادین که از اتکال به ذات اقدس الهی نشئت می‌گرفت، رهبری حرکت عظیم مردم مسلمان ایران را در اوج خفقان طاغوت بر عهده گرفت و با سینه سپر کردن در برابر رژیم ستمشاهی که با پشتوانه آمریکا و غرب حقوق ملت را چپاول می‌کرد، سبب شد جوانه‌های امید و باور در دل‌های مردان و زنان این سرزمین شکوفا شده و روح مبارزه در کالبد فرزندان ایران زمین دمیده شود. شکوفه‌هایی که در گذر زمان به سروهای استوار تبدیل شدند و توانستند با مدد گرفتن از خداوند، با وحدت و همدلی نهضت اسلامی مردم ایران را علی‌رغم محاسبات و پیش‌بینی‌ها، در مدت زمان کوتاهی به پیروزی برسانند.

در گذر زمان، چهاردهم و پانزدهم خرداد امسال مصادف و مقارن شده است با ایام ضربت خوردن و شهادت امیر مؤمنان علی(ع)، بزرگمرد تاریخ بشریت، شخصیت بی‌بدیلی که به اعتراف دوست و دشمن در طول حیات با برکت خود شاخصه‌های تعالی‌بخشی را در وجود خویش تجسم عینی بخشید. همو که به گفته پیامبر اعظم(ص) بهترین فرد تاریخ انسانیت و با تقواترین آنهاست که کتاب‌ها و مقالات فراوانی در وصف شجاعت، عدالت، کرامت، عبادت، فصاحت و بلاغتش نگاشته شده که شاید همه آنها قطره‌ای از اقیانوس بیکران عظمت و شوکت آن امام همام باشد. کسی که اسلام و مسلمانان از ۱۴۰۰ سال پیش تا همیشه تاریخ وامدار جهاد و شهادت و اهل بیت او که همانا اهل بیت پیامبر خوبی‌هاست، هستند.

امام خمینی(ره) در روزگاری که همه تلاش دشمنان بشریت در مسیر مبارزه برای نابودی اسلام قرار گرفته بود، با خروش بیداری‌بخش خود، منادی حکومت اسلامی شد و ضمن تبیین دقیق و عمیق اسلام ناب، پایه‌های یک حکومت اسلامی مردم‌سالار را پایه‌ریزی کرد. رهبر کبیر انقلاب در این مسیر با آگاهی و باور الهی دسیسه‌های دشمنان و تبلیغات مسموم آنان برای جدایی دین از سیاست را خنثی کرد و این باور غلط را از افکار عمومی جامعه زدود.

نگاه حضرت امام(ره) به حکومت امیرالمؤمنین علی(ع) در صدر اسلام، به مثابه یک الگوی تمام‌عیار بود. اگرچه حکومت امام علی(ع) در آن دوران با دشمنی‌ها و مخالفت‌های سنگین مواجه شد و دوام نیافت، اما امام(ره) شاکله اصلی حکومت دینی را از مشی حکومتداری امیرالمؤمنین(ع) کسب کردند و در حد امکان، به بهترین وجه آن را عملی ساختند که مهم‌ترین حاصل آن تأسیس نظام جمهوری اسلامی در کشورمان و الهام‌بخشی به دیگر ملت‌های مسلمان است.

دقت در سیره عملی امام راحل(ره) نشان‌دهنده این واقعیت است که بسیاری از ویژگی‌های ایشان ملهم از سیره امام علی(ع) است که پس از فقدان ایشان و در حدود سه دهه زعامت امام خامنه‌ای در مقاطع مختلف در وجود خلف صالح امام هم به وضوح نمایان شده است؛ ویژگی‌هایی که اگر مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در سطوح مختلف از آن الگو بگیرند، بی‌شک گامی بزرگ در تحقق دولت اسلامی که از آرمان‌های امام(ره) و سومین مرحله از مراحل پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی در دیدگاه رهبر معظم انقلاب است، برداشته خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در محفل شاعرانه نیمه رمضان

بکوشید شعر فارسی عفیف، حکمت‌آمیز و امیدآفرین باقی بماند

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «یکی از ویژگی‌های بارز شعر فارسی عفت و محجوب بودن آن است؛ بکوشید این عفت و پاکی همچنان در شعر فارسی محفوظ و پایدار بماند.»

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دیدار جمعی از استادان زبان و ادب پارسی و شاعران جوان و پیشکسوت و همچنین شاعران غیر ایرانی با تحسین پیشرفت شاعران جوان در آراستن لفظی و معنایی اشعار، شعر فارسی را در طول تاریخ، شعری «عفیف و محجوب» دانستند و تأکید کردند: «بکوشید این عفت و پاکی همچنان در شعر فارسی محفوظ و پایدار بماند.»

ایشان با بیان اینکه شعر باید جریان‌سازی کند، خطاب به حاضران در این جمع افزودند: «مجموعه شاعر کشور باید جوری شعر را در فضای هنری و فضای شعری کشور تنظیم، تولید و تکثیر کنند که بتواند مسائل مهم و مورد ابتلای کشور را گفتمان‌سازی و جریان‌سازی کند.»

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در زمینه مسائلی همچون «عدالت، مقاومت و ترویج فضایل اخلاقی» را از دیگر رسالت‌های شاعران برشمردند و افزودند: «شعر فارسی همواره مملو از حکمت و اخلاق و در تولید و تعمیق اندیشه و امید، نقش‌آفرین بوده است که باید این روحیه و حالت در شعر امروز نیز برجسته و درخشان باشد.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به تلاش‌ها برای انحراف هنر و شعر، افزودند: «برای منحرف ساختن هنر کشور دارد تلاش می‌شود؛ یعنی دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند، هیئت‌های اندیشه‌ورز می‌نشینند برای اینکه شعر موجود ما را منحرف کنند طرّاحی می‌کنند؛ همچنان‌که در مورد سینما، تئاتر، نقّاشی، همه فنون و شعبه‌های گوناگون هنر، همین کارها را در دست اقدام دارند. در مورد شعر هم همین‌جور است.»

ایشان با اشاره به تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مخالفان انقلاب برای منحرف کردن شعر و سوق دادن آن به مسائلی، همچون «سطحی‌نگری در اندیشه، لاابالی‌گری در عمل، وادادگی در سیاست و بی‌تفاوتی در مواجهه با دشمن» تأکید کردند: «در مقابل این تلاش‌ها، باید «حکمت، جدیت و کوشش و انضباط در عمل، ژرف‌نگری در اندیشه، استحکام هویت و مجاهدت در مقابل دشمن» در اشعار برجسته شود.»

ایشان همچنین سرود و ترانه خوب را در ایجاد نشاط و حرکت‌های اجتماعی مفید، بسیار اثرگذار دانستند و خاطرنشان کردند: «باید از فرصت علاقه‌مندی مردم به شعر در جهت انتقال مفاهیم مورد نیاز جامعه به بهترین شکل استفاده کرد.»

رهبر معظم انقلاب با بیان اینکه جامعه ایرانی با شعر آمیخته است و این نقطه قوّت بزرگی است، افزودند: «شما ملاحظه کنید در همین قضایای انقلاب، در این سال‌های گوناگون انقلاب، شعارهایی که غالباً هم موزون است و صورت شعری دارد، خودش از دل جمعیّت جوشیده؛ یعنی اصلاً هیچ‌کس هم نمی‌داند چه کسی این شعر را تولید کرده و مردم آن را دنبال کرده‌اند. در محیط‌های زندگی ما، شعر خیلی رایج است و این خیلی فرصت بزرگی است. از این تمنّای موجود و تقاضای موجود در جامعه برای شعر باید استفاده کرد و مفاهیمی را که مردم احتیاج دارند آنها را بدانند یا روش‌های عملی‌ای را که مردم احتیاج دارند با آنها آشنا بشوند، در زبان شعر به مردم منتقل کرد.»

در این دیدار، ۳۱ نفر از شاعران، اشعار خود را در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی قرائت کردند. همچنین پیش از مراسم، شاعران از نزدیک با حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای گفت‌وگو و آثار خود را به ایشان تقدیم کردند. در این دیدار، نماز مغرب و عشاء نیز به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه شد و حاضران روزه خود را به همراه ایشان افطار کردند.

رژیم صهیونیستی در حال فروش اطلاعات اتمی به عربستان سعودی است

یک پایگاه تحلیلی انگلیسی نوشت: «رژیم صهیونیستی اطلاعات اتمی در اختیار عربستان می‌گذارد و اگر این اقدام فشار بیشتری بر ایرانیان وارد کند، دولت کنونی آمریکا با آن مخالف نیست.»

پایگاه تحلیلی «میدل‌ایست مانیتور» نوشت: «آژانس‌های اطلاعاتی غربی معتقدند رژیم صهیونیستی در حال فروش و ارسال اطلاعات اتمی به عربستان سعودی است.»

بر اساس یک گزارش به قلم «آمی دورآن»، انتقال این اطلاعات از سوی رژیم صهیونیستی، قابلیت تسلیحات اتمی به حکومت عربستان می‌دهد.

نویسنده در این گزارش مدعی شده است، دلیل رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی این است که ایران تنها کشور در منطقه نباشد که چنین تسلیحاتی در اختیار دارد. به ادعای نویسنده، عربستان و رژیم صهیونیستی این قابلیت ایران را تهدیدی علیه امنیت پادشاهی سعودی می‌دانند.

یک ژنرال صهیونیست به نام «آموس یادلین» که ریاست سابق اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی را برعهده داشت، می‌گوید عربستان سعودی منتظر به دست آوردن قابلیت اتمی نمی‌ماند و هر وقت لازم داشته باشد به سراغ پاکستان رفته و هر آنچه می‌خواهد، از پاکستان می‌گیرد. پاکستان نیز این تمایل را ابراز کرده که تخصص اتمی و قابلیت‌های اتمی به عربستان سعودی منتقل کند.

اما به نوشته نویسنده این گزارش، به نظر می‌رسد، رژیم صهیونیستی مایل است به عربستان برای دستیابی به تسلیحات اتمی کمک کند و این امتیاز را تنها به پاکستان واگذار نکند. حکومت سعودی مطمئن است که آمریکای تحت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ با کمک رژیم صهیونیستی به عربستان در زمینه اتمی، اگر برای فشار بیشتر به ایران باشد، مخالف نیست.

یادداشت

گذشت اصولگرایانه در انتخاب هیئت‌رئیسه مجلس

عبدالله حسینی / انتخاب هیئت‌رئیسه مجلس امسال تأثیر چندانی بر ترکیب آن نداشت. چنانچه نه در کرسی ریاست و نه در سطح نواب رئیس تغییری ایجاد نشد. این در حالی بود که در نوع رقابت‌های درون مجلس و رویکرد فراکسیون‌ها تحولی متفاوت از گذشته رخ داده بود.

گرانیگاه این تحول به عزم صد درصدی اصلاح‌طلبان مربوط می‌شد که می‌خواستند لاریجانی را از کرسی ریاست مجلس به زیر کشیده و عارف را به جای وی بنشانند تا منشأ تحولات بسیار بزرگ‌تری در صحنه سیاسی کشور شود. اگرچه امیدی‌ها با همه حمایتی که از جانب اصلاح‌طلبان بیرون مجلس شدند، در دستیابی به هدف نهایی خود ناکام ماندند؛ اما تلاش کردند تا خود را پیروز این میدان معرفی کنند.

دلایلی که در رسانه‌های وابسته به این جریان برای موفق نشان دادن خود مورد اشاره قرار دادند، یکی تعداد آرای بیشتر عارف نسبت به لاریجانی در دور اول بود که تفاضل آن ۱۱۴ به ۱۰۱ بود. دیگری افزایش تعداد اعضای فراکسیون امید در هیئت‌رئیسه، از سه نفر به پنج نفر است. اگر چه این مدعای رسانه‌های اصلاح‌طلبان صحت دارد؛ اما این همه واقعیت نیست. واقعیت به مسائل عدیده‌ای در درون مجلس و بیرون آن مربوط می‌شد که به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

اول اینکه اصولگرایان درون مجلس بنا به مسائل درون‌گروهی در دو فراکسیون ولایی و مستقلین فعالیت می‌کنند و نه تنها نمی‌توان اعضای فراکسیون مستقلین را کاملاً غیر اصولگرا خواند که نمی‌توان ادعا کرد ۱۲۳ رأی به عارف نیز مختص اصلاح‌طلبان است؛ چرا که آنها وزن خود را در آزمون‌های گوناگون سنجیده‌اند و از وزن دقیق آن خبر دارند. ضمن آنکه در فراکسیون ولایی همه اعضا آرای یکدستی نداشته و تقریباً رأی آنها بین آقایان حاجی‌بابایی و لاریجانی تقسیم می‌شد. نکته مهم همین جاست که امیدی‌ها امید خود را به اختلاف اصولگرایان بسته بودند و فکر نمی‌کردند آنها در مقابل رقیب بیرونی اختلافات درونی را کنار می‌گذارند.

موفقیتی که اصلاح‌طلبان در افزایش تعداد سهم خود در هیئت‌رئیسه به دست آوردند، دقیقاً بیان‌کننده همین نکته است که برای اصولگرایان کرسی ریاست مجلس اهمیت داشته و برای جایگاه‌های بعدی چنان ارزشی قائل نبوده‌اند که به اتحاد استراتژیک دست بزنند؛ ولی اگر چنین اراده‌ای داشتند، حتماً قادر به اجرای آن بودند.

دوم اینکه، آنچه اصولگرایان مجلس را به دو فراکسیون ولایی و مستقلین تقسیم کرده، گرایش رئیس مجلس به سمت دولتی بوده که تماماً مورد حمایت اصلاحات قرار داشته است. دلخوری ولایی‌ها از لاریجانی به دلیل چرخش‌های متعدد وی به سمت دولت مورد حمایت اصلاحات است که نمونه بارز آن در انتخابات ۹۶ نمایان شد و از همانجا معلوم بود که لاریجانی موقعیت خود در بین اصولگرایان و حتی پایگاه اجتماعی‌اش را به خطر انداخته که روحانی را بر جبهه مردمی نیروهای انقلاب ترجیح می‌دهد؛ اما عقل استراتژیک و گذشت اصولگرایانه ایجاب می‌کرد تا برای حفظ جایگاه راهبردی ریاست قوه مقننه بر برخی اختلافات و خطاها چشم بست.

نکته سوم و مهم‌تر این است که چرا اصلاح‌طلبانی که در سنوات گذشته به حفظ لاریجانی تمایل داشتند؛ اکنون از وی عبور کرده و قصد تقابل با وی را کرده‌اند. آیا شخص رئیس مجلس و حامیان وی پیام این تحول رویکردی اصلاح‌طلبان را درک کرده‌اند و متوجه اتفاقاتی که در صحنه سیاسی کشور رخ داد، شده‌اند؟

روشن است که چرخش ناگهانی فراکسیون امید تابعی از تغییرات راهبردی است که در سطوح بالاتر میان اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان به وجود آمده است. از این رو اولین پیام این حرکت فراکسیون امید به دولت روحانی بود که به جای هماهنگی با اصلاح‌طلبان خود را با ریاست مجلس هماهنگ می‌کرد. اصلاح‌طلبان با این کار خود به دولت پیام دادند که بی‌توجهی به آنها می‌تواند مشکلاتی را برایش فراهم کند و از دست لاریجانی به دلیل دینی که به اصولگرایان دارد نیز کاری ساخته نیست.

دومین پیام این اقدام، ناخرسندی اصلاح‌طلبان از موقعیت فعلی‌شان است که ادامه آن می‌تواند در انتخابات بعدی مجلس و متعاقب آن انتخابات ۱۴۰۰ مشکل‌ساز باشد؛ از این رو اصلاح‌طلبان به طور رسمی از فعالیت‌های جدید انتخاباتی خود برای تغییر فضای رقابت‌ها پرده برداشتند و با یک تیر دو هدف را نشانه گرفتند. **ادامه در صفحه ۲**

با صبح صادق «زندگی» کنید
بخش ویژه خانواده
مشاوره و سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی
صفحه ۱۰

سؤال تریبون ۵
چگونه به استحکام ساخت درونی نظام کمک کنیم؟
همراه با ۳ جایزه نقدی
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
صفحه ۱۱
آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۵
۲۳ خرداد ۹۷

لزوم تفهیم سران اروپایی

سعید جلیلی گفت: سران سه کشور اروپایی باید جواب دهند بر چه مبنایی به جای محکومیت آمریکا و به جای اینکه رفتار آمریکا در شورای امنیت محکوم کنند، گستاخانه به خود اجازه می‌دهند بیانیه بدهند و بگویند ایران باید انجام تعهدات خود را ادامه دهد؟ آنها باید تفهیم شوند که طبق بند ۳۶ برجام حق ایران است که اجرای کلی یا جزئی تعهدات خود را متوقف کند و اگر دولت اجرای این تعهدات را به هر دلیلی ادامه می‌دهد، وظیفه ایران نیست.

یادداشت

رمز پیشرفت و تحقق آرمان‌های انقلاب

□ **محمد گنجی /** انقلاب اسلامی در طول چهار دهه گذشته پویایی و بالندگی خود را حفظ کرده و توانسته بر مشکلات متعددی فارغ آید و در مسیر تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ گام بردارد. انقلاب حرکت و صیرورتی است که دائم در حال تحول و شدن است که اگر این حرکت استعلائی خود را از دست دهد، هویت خود را از دست داده و در سراشیبی سقوط قرار گرفته است.

فرارسیدن چهل سالگی انقلاب هرچند موجب تحقق آمال و آرزوی بخشی از مجاهدان راه حق و موجب یأس و ناامیدی و هراس دشمنان است، اما تا تحقق کامل اهداف و آرمان‌های انقلاب هنوز مراحل دشوار دیگری باقی مانده است که باید برای عبور از آن تلاش کرد.

تلاش برای پیشبرد انقلاب و تحقق آرمان‌ها مهم‌ترین مسئولیتی است که بر دوش انقلابیون گذاشته شده است. نباید فراموش کرد که انقلاب به واسطه این تلاش است که هویت خود را حفظ خواهد کرد، وگرنه انقلاب نشده تا افرادی بروند و افراد دیگری جایگزین شوند و قدرت را در اختیار بگیرند! به واقع مشروعیت مسئولان نظام اسلامی نیز در گرو تلاش برای تحقق این اهداف اعتبار می‌یابد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در دیدارشان با دانشجویان با تأکید بر این حقیقت که «ما به سمت جلو داریم حرکت می‌کنیم»، به شروط لازم برای تحقق کامل آرمان‌های انقلاب اسلامی پرداختند و از جوانان خواستند که به این الزامات توجه کنند. در بحث پیرامون الزامات لازم برای تحقق آرمان‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ اولین شرط، درک عمومی این حقیقت است که تحقق آرمان‌ها جز به حفظ و تقویت روحیه انقلابی در جامعه ممکن نخواهد بود؛ لذا باید تلاش کرد روحیه انقلابی‌گری در کشور به مثابه یک ارزش قلمداد شود، سبک زندگی انقلابی در جامعه تبلیغ شود، به جوانان انقلابی اعتماد شود و امور اداره کشور در اختیار انقلابیون قرار گیرد! نباید فراموش کرد که جوانان به مثابه پیشران و موتور محرک جامعه باید در صحنه‌های مختلف به کار گرفته شوند تا توان جوانی یک ملت در خدمت تحقق آرمان‌هایش قرار گیرد.

۲ـ تحقق آرمان‌ها نیازمند برنامه‌ریزی طولانی‌مدتی است که باید با صبر و حوصله انقلابی و تدبیر و برنامه‌ریزی همراه باشد. تعجیل و شتابزدگی در تحقق آرمان‌ها نه تنها کمکی به این امر نمی‌کند، بلکه معمولاً نتیجه عکس داده و زمینه‌های سرخوردگی و واگرایی انقلابیون را فراهم خواهد کرد. برنامه‌ریزی در این عرصه نیز نیازمند تدبیر بزرگان و مسئولان ذی‌صلاح است. باید در این مسیر معضلات و مشکلات با نگاه دقیق و کارشناسی شناخته شود و با توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های موجود، گام به گامِ دستیابی به اهداف طرح‌ریزی شود!

۳ـ یکی از عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف و آرمان‌ها خود حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی اگر جهت‌گیری تمام‌عیار خود را در تحقق آرمان‌ها بداند و اراده کارگزاران آن نیز چنین باشد، گام بزرگی در مسیر دستیابی به اهداف برداشته شده است، اما اگر در این میان اختلالی پیش آید و چنین هم و اراده‌ای در میان نباشد، بی‌شک تحقق آرمان‌ها به تأخیر خواهد افتاد! نباید فراموش کرد که حکومت برای تحقق همین اهداف شکل گرفته است، و اگر در این میان غفلتی دارد، باید با مطالبه عمومی مواجه شود. فرقی هم ندارد این سهل‌انگاری یا تخلف در دستگاه اجرایی باشد، یا دستگاه قانونگذار یا حتی دستگاه قضایی که خود باید حافظ عدالت باشد!

۴ـ حرکت به سوی اهداف و آرمان‌ها نیازمند نقش‌آفرینی همه اقشار اثرگذار در جامعه است. آنهایی که از قامت یک فرد بیرون آمده و جمعی را متأثر از خود می‌بینند و می‌توانند دیگران را با خود همراه و هم‌نظر کنند. در این میان می‌توان به اقشاری چون دانشگاهیان، حوزویان، ورزشکاران، هنرمندان و... اشاره کرد. این جمع باید شرایط امروز انقلاب را شناخته و در فرهنگ‌سازی و بسیج جامعه و افکار عمومی برای دستیابی به آرمان‌ها نقش‌آفرین باشند.

۵ـ شناخت موانع درونی نیز ملاحظه دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. موانعی چون درست نفهمیدن مسائل و مشکلات کشور، درست نشناختن محیط، بی‌ارادگی، سرگرم شدن به امور بی‌ارزش و اغواگر و گمراه‌کننده، اختلاف‌افکنی، دوقطبی‌سازی‌های دروغین و مواردی از این قبیل نیز توان و انرژی جامعه را به هدر داده و از قرار گرفتن در مسیر واقعی باز می‌دارد.

۶ـ موانع بیرونی ایجاد شده با تلاش بیگانگان و دشمنان ملت نیز که خود سرفصلی طولانی دارد و این روزها در قالب تحریم اقتصادی، ایجاد اغتشاش و درگیری، القای ناامیدی و اختلاف‌افکنی و... جلوه‌گری می‌کند! و تلاش دارد تا دستیابی به آرمان‌ها را ناممکن جلوه دهد!

سخن پایانی آنکه، باید توجه داشت حرکت در مسیر آرمان‌های الهی و تلاش برای گسترش امنیت و عدالت و معنویت، حرکتی الهی است که بی‌شک با نصرت الهی برای مؤمنان و انقلابیون همراه خواهد بود، به این شرط که این عمل صالح با اخلاص همراه بوده و با هدف قرب الهی دنبال شود.

یادداشت

گذشت اصولگرایانه در انتخاب هیئت‌رئیسه مجلس

ادامه از صفحه اول

هدف اول متوجه دولت و جریان اعتدال بود که اگر بخواهند در پیوندی نانوشته وارد انتخابات بعدی شوند و تلاش کنند تا از نامزد اصلاحات عبور کنند، در ادامه راه خود با ناملایماتی مواجه خواهند شد که بخشی از آن به همکاری نکردن فراکسیون امید مربوط می‌شود و بخش‌های دیگر آن را باید در فضای رسانه‌ای و بیرون از مجلس دنبال کنند.

هدف دوم این وزن‌کشی اصلاح‌طلبانه شخص لاریجانی بود که به دلیل برخی حمایت‌ها از دولت موقعیت خوبی در میان اصولگرایان نداشته و از طرفی طمع او برای پاستور می‌توانست خشم اصلاحات را در پی داشته باشد. پیام روشن اصلاح‌طلبان به لاریجانی این بود که از پایگاه اجتماعی و برنامه‌های آینده‌اش به خوبی اطلاع داشته و اجازه نمی‌دهند با زد و بندهای سیاسی با دولت و اعتدال به فکر موقعیت بهتر باشد و برای ادامه ریاست و برنامه‌هایش لازم است خود را با این جریان نیز هماهنگ کند.

نکته‌ونظر

دزد لباس

نکته: روایت است در زمان‌های قدیم دروغ و حقیقت با هم دو دوست بودند و لباس زیبایی به تن حقیقت بود که به آن مشهور شده بود. روزی در هوای گرم به برکه‌ای رسیدند. دروغ به حقیقت گفت: داخل آب شو و آب‌تنی کن، تا من هم کمی بعد به تو ملحق شوم و آن وقت با هم شنا می‌کنیم. حقیقت این کار را کرد؛ اما دروغ به محض آنکه حقیقت لباس‌هایش را درآورد و وارد آب شد، از فرصت استفاده کرد و لباس‌های او را دزدید و فرار کرد. از آن روز است که حقیقت، لباس به تن ندارد و از خجالت سرزنش، خود را مخفی می‌کند؛ ولی دروغ با لباس حقیقت همه جا حضور می‌یابد و همه جا خود را حقیقت معرفی می‌کند. متأسفانه این یک حقیقت تلخ است.

نظر: تبلیغات مسموم‌ترین و خطرناک‌ترین ابزارهایی بوده که در طول تاریخ جریان باطل از آن استفاده کرده است؛ اما جریان حق هیچ وقت مانند جریان باطل نمی‌تواند از تبلیغ استفاده کند، به دلیل اینکه اگر تبلیغات بخواهد به طور کامل ذهن‌ها را بپوشاند، به بازیگری، دروغ و فریب احتیاج دارد و جریان حق، اهل دروغ و فریب نیست و آن جریان باطل است که برایش هیچ چیز اهمیت ندارد...

در زمان امام حسن(ع)، جریان باطل یعنی معاویه، یک جا شدت عمل را به حدی می‌رساند که یاران حضرت را می‌کُشد و در جایی به پیرزنی که او را مورد انتقاد و بدگویی قرار می‌دهد، محبت می‌کند؛ تبلیغات همین است... و همواره دروغ لباس حقیقت را بر تن می‌کند.

بازنگاهی متفاوت به دیدار رمضانی دانشجویان با رهبر فرزانه انقلاب

حل مشکلات، کار و تلاش لازم دارد

□ **امین پناهی /** یکی از دیدارهای به یادماندنی و جذاب رهبر معظم انقلاب در طول سال، همنشینی صمیمانه ایشان با قشرهای گوناگون دانشجویی است که همه ساله در ایام ماه مبارک رمضان شاهد آن هستیم. در این ضیافت، امام جامعه اسلامی و ولی امر مسلمین در جایگاه بالاترین مقام نظام اسلامی پای صحبت کسانی می‌نشینند که به طور قطع فردای انقلاب اسلامی و میهن اسلامی در دستان آنهاست.

گفت و شنودی بی‌تکلف که سبب می‌شود دغدغه‌مندترین افراد جامعه بتوانند حرف‌شان را به گوش رهبرشان برسانند. حرف‌هایی که البته بسیاری از آنها حرف دل خود رهبری نیز هست و هر جا که به فراخور سن و موقعیت، حرف‌های‌شان مرزهای منطق و استدلال را رد می‌کند، با تذکری پدرانه از سوی معظم‌له مواجه می‌شود.

البته این جلسه یک جلسه پرسش و پاسخ نیست. در این جلسه چند ساعته رهبر معظم انقلاب به دقت و با نکته‌سنجی پای صحبت‌های فرزندان خود می‌نشینند، یادداشت بر می‌دارند و در برخی موارد با توجه به ضرورت، دستورات مقتضی را در همان جلسه صادر می‌کنند. برای نمونه فرمان آتش به اختیاری که امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مطرح کردند، در یکی از همین جلسات و در رمضان سال ۹۶ بود. البته ایشان در سخنرانی‌های بعدی‌شان این موضوع را شرح و بسط دادند و آن را برای جامعه هدف تبیین کردند.

پیشینه و اهمیت حضور

سابقه حضور حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در میان دانشجویان به زمانی باز می‌گردد که پس از شهادت استاد شهید مطهری در جلسه‌ای امام خمینی(ره) از ایشان درخواست می‌کنند تا در بین دانشجویان حضور یابند. حضوری که هر چند پس از دوره زعامت امام خامنه‌ای با وجود مشغله‌های فراوان‌شان در شکل‌های گوناگون، از جمله حضور در دانشگاه‌ها در برخی مقاطع ادامه داشته؛ اما شاخص‌ترین آن دیدار رمضانی دانشجویان با ایشان است.

اما چرا این دیدارها تا این حد می‌تواند حائز اهمیت باشد در حالی که رهبری در دیدارهای گوناگون مسئولان و کارگزاران نظام نکات اساسی را درباره مسائل گوناگون بیان می‌کنند؟ این اتفاق می‌تواند دو دلیل عمده داشته باشد؛ اول اینکه رهبری در این جلسات صحبت‌ها را از کسانی می‌شنوند که خارج از نظام مدیریتی کشور هستند و نکاتی و ظرایفی را می‌توانند ببینند که افراد درون این نظام نمی‌توانند ببینند. دوم اینکه این قشر جوان متفکر و دغدغه‌مند آن مصلحت‌اندیشی‌هایی را که برخی از مدیران کشور به دلیل جایگاه خود و منافع حزبی و جناحی خود دارند، نادیده می‌گیرند.

با نگاهی به صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان در سال‌های اخیر درمی‌یابیم که نوع نگاه ایشان به کاری که این قشر باید انجام بدهند، با کاری که برای نمونه از یک نهاد یا یک مدیر انتظار دارند متفاوت است. به این معنا که درخواست ایشان از قشر دانشجو و دانشگاهی کشور کار بر سر مسائل زیربنایی کشور است، زیربنای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...

از سوی دیگر، ایشان از دانشجویان می‌خواهند که نگاه سیاسی داشته باشند؛ یعنی تحلیل و فهم سیاسی که بتوانند مسائل را بفهمند و بیان کنند. در یکی از همین جلسات دیدار با دانشجویان در دوره دولت سازندگی بود که ایشان فرمودند: «خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند.» در واقع این نشان‌دهنده آن است که افراد مسئول و دست‌هایی هم وجود دارند که نمی‌خواهند دانشجو سیاسی باشد.

تریبون آزاد دانشجویان

هفته گذشته نیز یکی از همین دیدارها با دانشجویان در حسینیه امام خمینی(ره) با حضور جمعی از دانشجویان و فعالان تشکل‌های دانشجویی با شور و شکوه فراوان برگزار می‌شود. در ابتدای جلسه دانشجویان بدون هیچ ترسی نقطه نظرات خود را درباره مسائل مختلف بیان می‌کنند. صحبت‌های دانشجویان بسیاری از مسائل روز کشور را در بر می‌گیرد؛ برخی نگرانی‌شان نبود آزادی بیان و عدم تعمیق دموکراسی است، مسئله رفع حصر تا گشت ارشاد را مطرح می‌کنند و رهبر معظم انقلاب را با لفظ «آقای خامنه‌ای» مورد خطاب قرار می‌دهند. برخی دیگر نگرانند فردای انقلاب با «نسخه پوسیده ژنرال‌های خسته جنگ کلاسیک» چگونه رقم خواهد خورد و در ذهن‌شان «تغییر معماری مرکز فرماندهی» دور می‌زند. یکی از همین دانشجویان دغدغه‌اش این است که دانشگاه دارد برای رژیم سکولار دانشجو تربیت می‌کند و نگاه مسئولان به دانشگاه را سیاست‌زده می‌داند. یکی دیگر نگران برجام اروپایی برخی مسئولان است که از شکست در برجام آمریکایی درس عبرت نگرفته و با دستگاه محاسباتی معیوب‌شان به دنبال توسل به اروپای آزمون پس داده‌اند.

انتقاد از نهادهای مختلف کشور که به زعم منتقدان برخی از آنها هم زیر نظر شخص رهبر معظم انقلاب اداره می‌شود فصل مشترک صحبت‌های دانشجویان است. البته صداوسیما و قوه قضائیه در این میان بیش از همه مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

نماینده گروهی دیگر «نوگرایی در حکومت ضمن پایبندی به حاکمیت» را نسخه مناسب برای عبور از ارتجاع می‌داند. رویه «هزینه کردن از استقلال کشور» در مواجهه با دشمنان را رویه یک جریان سیاسی و مردود می‌داند و البته مسائلی همچون حمله به کارگردان فیلمی برای مدافعان امنیت کشور از سوی مدعیان آزادی را مطرح می‌کند. وی در نقد نگاه این‌چنینی می‌گوید: «صدها نشریه دارند و ده‌ها تریبون، مواضع نظام را نقد می‌کنند و سیاست‌های کشور را به تمسخر می‌گیرند. به حسینیه امام خمینی می‌آیند و چشم در چشم؛ رهبریِ نظام را نقد می‌کنند، اما از در که بیرون می‌روند می‌گویند آزادی نیست!»

یکی دیگر از این دانشجویان نیز به شکاف میان دارندگان و محرومان اشاره کرده و ابراز نگرانی می‌کند که این شکاف روز به روز بیشتر می‌شود. او نیز مانند دانشجویان پیش از خود به صداوسیما نقدهای جدی وارد می‌کند و البته قوه قضائیه را در عمل به دستورهای رهبری پیگیر نمی‌داند.

امام‌خامنه‌ای در جایگاه عالی‌ترین مقام نظام اسلامی رو در روی دانشجویان می‌نشینند، مورد انتقادهای مختلف قرار می‌گیرند، اما بدون آنکه از این انتقادها عصبانی شوند به بسیاری از آنها پاسخ می‌گویند. چقدر خوب است که مسئولان دیگر از جمله رؤسای قوا پای حرف‌های این قشر دغدغه‌مند بنشینند، از انتقادهای‌شان عصبانی نشوند و به آنها خوب گوش فرا دهند و آنها را برای رفع نواقص و بهتر شدن به کار بندند

همه کسانی که در ابتدای این جلسه صحبت می‌کنند، چه آنهایی که خود را منتقد جدی عملکردهای حاکمیت و حتی شخص رهبری می‌دانند و چه دیگرانی که انتقادشان به بی‌عدالتی‌های برخیِ از نهادهای اجرایی کشور است، خود را صرفاً درون نظام اسلامی تعریف می‌کنند و تلاش می‌کنند این معنا را به خوبی بیان کنند.

پای صحبت‌های امام

پس از پایان این بخش نوبت گوش سپردن به سخنان رهبر فرزانه انقلاب است. معظم‌له مانند هر زمان دیگری صحبت‌های‌شان را با امید به آینده و فردایی بهتر برای ملت ایران آغاز می‌کنند و سپس می‌فرمایند: «خب، به خیلی از مسائل کشور شماها اعتراض دارید و بسیاری از این اعتراض‌ها هم وارد است ـ نه اینکه نیست ـ منتها یک تفاوتی که بین شمای جوان و پرشور با منِ روزگارِ فراوان گذرانده هست این است: دیر بماندم در این سرای کهن من/ تا کهنه‌ام کرد صحبت دی و بهمن».

البته معظم‌له بسیاری از اشکالات وارده را درست می‌دانند؛ اما تأکید می‌کنند که «رفع این اشکالات به این آسانی نیست، کار لازم دارد، تلاش لازم دارد، مقدمات لازم دارد.»

ایشان ابتدا مباحث مطرح شده مربوط به نهاد تحت مدیریت‌شان را بیان می‌کنند، ایشان نیروهای مسلح را تحت مدیریت خود می‌دانند، در حالی که چنین گزاره‌ای را درباره نهادهایی همچون صداوسیما و قوه قضاییه صحیح نمی‌دانند: «بله، رئیس قوه قضائیه را رهبری می‌گذارد، اما رهبری قوه قضائیه را مدیریت نمی‌کند، باید بین اینها تفاوت قائل شد. صداوسیما را رهبری مدیریت نمی‌کند، البته شما بدانید که من در مواجهه با صداوسیما همیشه موضع انتقادی دارم.»

رهبر معظم انقلاب در بخش دیگری از صحبت‌های‌شان به انقلابی ماندن و انقلابی حرکت کردن اشاره می‌کنند و آن را لازمه تشکیل تمدن اسلامی می‌دانند و با اشاره به این تفکر که برخی انقلاب را تا زمان تشکیل نظام می‌دانند آن را نفی می‌کنند.

معظم‌له همه آرمان‌ها و آرزوهای که بیان می‌شود را نیز در سایه انقلابی ماندن و انقلابی حرکت کردن می‌دانند، رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند عزت ملی که «اگر چنانچه در کشوری از بین برود و نابود شود هویت آن ملت نابود می‌شود»، اعتمادبه‌نفس ملی که «اگر وجود داشت ملت احساس نمی‌کنند که به وابستگی نیاز دارند»، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که «اگر چنانچه وجود داشته باشد ملت مجبور نمی‌شود زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمل کند» و البته رسیدن به آزادی و آزادی اندیشه که اینها همه جزو آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند.

قابل توجه مسئولان!

این تنها بخشی از جلسه چند ساعته رهبر معظم انقلاب با دانشجویان و فعالان تشکل‌های دانشجویی است. اتفاقی متفاوت همراه با شوخی و جدی و نقد از تفکرات یکدیگر و البته در نهایت نشاطی که رهبر حکیم انقلاب با صحبت‌های‌شان در این دانشجویان ایجاد می‌کنند. امام‌خامنه‌ای در جایگاه عالی‌ترین مقام نظام اسلامی رو در روی دانشجویان می‌نشینند، مورد انتقادهای مختلف قرار می‌گیرند، اما بدون آنکه از این انتقادها عصبانی شوند به بسیاری از آنها پاسخ می‌گویند. چقدر خوب است که مسئولان دیگر از جمله رؤسای قوا پای حرف‌های این قشر دغدغه‌مند بنشینند، از انتقادهای‌شان عصبانی نشوند و به آنها خوب گوش فرا دهند و آنها را برای رفع نواقص و بهتر شدن به کار بندند.

تحلیل

اقدامات ضروری پسابرجامی

□ **فرامرز رضوی /** پس از پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، همان‌طور که وی در جریان تبلیغات انتخاباتی هم مکرر از پاره کردن برجام سخن می‌گفت، شروع به تهدید توافقنامه برجام و خروج از آن کرد، به نحوی که بیشتر صاحبان تحلیل و اندیشه معتقد بودند که در نهایت خروج از برجام اتفاق می‌افتد؛ چرا که اساس مذاکره همان‌طور که منتقدان در طول مذاکرات به صورت دلسوزانه می‌گفتند برمبنای صداقت نبود. در مجموع مذاکره را برای مهار ایران در عرصه‌های گوناگون، از جمله دفاعی، سیاسی، علمی، منطقه‌ای و... می‌دانستند.

حال با توجه به خروج آمریکا از برجام و اعلام مواضع رسمی از نظام از سوی دولتمردان به نظر می‌رسد یک سری اقدامات برای خنثی کردن توطئه‌های غرب علیه ملت بزرگ ایران از سوی دولتمردان اجرایی شود.

۱ـ اگرچه رئیس‌جمهور از ادامه برجام با پنج کشور سخن گفته است، اما سابقه سه کشور اروپایی در مواجهه با برجام و سایر موارد بین‌المللی همواره مؤید این نکته است که آنها آمریکا را شریک راهبردی خود تلقی می‌کنند و هیچ‌گاه خلاف سیاست‌های آن عمل نخواهند کرد؛ بلکه با تقسیم کار، نقش پلیس بد و خوب را بازی می‌کنند و لذا باید کاملاً حساب شده و با برنامه برای همکاری با جمهوری اسلامی ترغیب شوند.

۲ـ مجلس شورای اسلامی در اوضاع کنونی، وظیفه‌ای بس خطیر دارد و در آزمونی بسیار مهم قرار گرفته است. از این رو، لازم است با ترجیح منافع ملی و عزت کشور بر منافع سیاسی گروهی، با ارائه طرحی دولت را مکلف کند که اقدامات مشخصی را به فوریت انجام دهد، به نحوی که برای جلوگیری از هرگونه بهانه جدید مطابق قوانین و مقررات بین‌المللی باشد، تا حداقل دولت‌های پنج‌گانه طرف برجام باور کنند که ایران در برابر اقدامات احتمالی آنها منفعل نخواهد بود. اگرچه شایسته بود از همان ابتدای شکل‌گیری برجام با طرح‌های محکم و بازدارنده مانع از اقدامات بعدی شوند، ولی حالا هم می‌توان با اقدامی مناسب از همراهی کشورهای پنج‌گانه با آمریکا جلوگیری کرد.

۳ـ انسجام و وحدت ملی می‌تواند در این شرایط در ثبات داخلی و یأس دشمنان نقش مؤثری را ایفا کند.

۴ـ در نهایت بصیرت دینی و انقلابی همه آحاد در شناخت دشمن و توطئه‌های آنها به ایستادگی و مقاومت در برابر کاستی‌ها و تلاش برای تحقق اقتصاد مقاومتی و ایجاد روحیه امید در جامعه به نوبه خود در ناکامی دشمنان نقش برجسته‌ای خواهد داشت.

اخبارویژه

بازارگرمی برای طرف بیگانه

آمار اشتغالزایی تلگرام هر روز آب می‌رود و در آخرین اظهارات، اشتغالزایی که میلیونی القا می‌شد، به ۳۵ هزار شغل رسیده است. وزیر ارتباطات که هفته‌هاست در حال اصلاح آمارهای عجیب و غریب اشتغال تلگرام است، به تازگی اعلام کرده کم‌وبیش همه کسب‌وکارهایی که در این پیام‌رسان وجود داشته، قابلیت انتقال به پیام‌رسان‌های داخلی را دارند؛ البته کسب‌وکارهای غیرقانونی در تلگرام نمی‌توانند به پیام‌رسان‌های داخلی منتقل شوند و اعتراضات بعضی‌ها بی‌ارتباط با این موضوع نیست. وزیر ارتباطات باید بداند که این کسب‌وکارها به یک شبکه اجتماعی وابسته نیستند؛ بلکه به شبکه‌های اجتماعی، یعنی محل اجتماع مردم در یک نقطه وابسته‌اند.

تکذیب یک دیدار

مدیرعامل بنیاد باران خبر دیدار سیدمحمد خاتمی با رهبری را تکذیب کرد؛ اما در همین حال گفت اگر چنین اتفاقی بیفتد، حتماً او (رئیس دولت اصلاحات) از آن استقبال می‌کند.

جواد امام گفت: «دیداری بین آقای خاتمی و رهبری صورت نگرفته است، چندی پیش هم بعضی شایعه کردند که آقای خاتمی درخواست دیدار با رهبری کرده است که چنین خبری صحت ندارد و درخواستی صورت نگرفته است.»

دارایی دولت هم پیش‌خور شده بود

چنانچه طلب نفتی ایران از هند دریافت شده باشد، حدود شش میلیارد دلار دارایی کشور پس از مذاکرات در اختیار بودجه کشور قرار گرفته و بقیه ارقامی بوده که دارایی یک شرکت نفتی مانند نیکو بوده است.

اگرچه، طبق قواعد حدود شش میلیارد دلار دارایی آزادشده دولت، باید به حساب بانک مرکزی می‌رفت و پس از برجام به بودجه کشور کمک می‌کرد؛ اما برخی شواهد، حکایت از آن داشت که دولت این مقدار دارایی را هم پیش‌خور کرده است؛ یعنی بانک مرکزی، پیش از دریافت دلارهای نفتی در حساب‌های خود، مابه‌ازای ریالی آن را تحویل دولت داده بود. بنابراین عملاً پول جدیدی قابل تزریق به اقتصاد نبود.

روی خط خبر

پایان اختلاف

فراکسیون اصولگرایان مجلس دهم که ـ از ابتدای آغاز به کار این مجلس و برخلاف دو مجلس هشتم و نهم ـ نتوانسته بود از زیر چتر ژله‌ای لاریجانی خارج شود، این بار دست به کار بزرگی زد و خطر کرد. آنها تصمیم گرفته بودند همزمان دو هدف را دنبال کنند. نخست هویت‌بخشی به جریان خود از طریق ایجاد شفافیت کامل در آرایش سیاسی جریان‌های مجلس و دوم ممانعت از تصاحب ریاست یکی از قوای سه‌گانه کشور به دست معاون اول دولت اصلاحات.

پاسخگو باشید

حمید ابوطالبی، مشاور رئیس‌جمهور و معاون سابق سیاسی رئیس‌جمهور در توئیت خود در واکنش به اظهارنظر دکتر جلیلی با عصبانیت نوشته است: «شما شش سال پیش پشت فرمان این ماشین بودید؛ آنقدر از چراغ قرمز گذشتید، ورود ممنوع رفتید، توقف مطلقاً ایستادید و... تا خسارت‌ها و جریمه‌های آن هزار برابر قیمت ماشین شد، سپس ماشین را به دره فصل هفت منشور انداخته و گفتید اینها کاغذ پاره است. این ارثیه دوران شوم ماشین‌بازی و تمرین رانندگی جناب‌عالی است.» برخی تحلیلگران در عین حال از آقای ابوطالبی خواستند در مورد ضعف‌های عدیده برجام، خروج بی‌هزینه آمریکا از این سند، هدررفت پنج سال از عمر گرانبهای کشور و سرنوشت گلایی‌های برجامی به ملت ایران گزارش دهد. در نهایت خوب است مشاور آقای روحانی به این پرسش مهم پاسخ دهد که چرا خبر مذاکره موشکی دولت آقای روحانی با اروپاییان که از زبان مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نقل شده، تکذیب نمی‌شود؟

برکات جلسه شاعرانه

ناصر فیض، شاعر و مدیر دفتر طنز حوزه هنری ضمن اشاره به معیارهای انتخاب شاعران برای حضور در جلسه دیدار با رهبر معظم انقلاب، گفت: «بدون تردید این جلسات بر تمام جریان‌های شعری کشور تأثیر می‌گذارد؛ چون به همه شیوه‌های شعری توجه می‌شود.» فیض با بیان اینکه جلسه دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب آغازگر اتفاقات خوب دیگر در حوزه شعر خواهد بود، افزود: «برخی از شاعران که قبلاً به آنها توجه نمی‌شد، بعد از این دیدار معرفی می‌شوند. این جلسه برکات بسیاری دارد و سبب می‌شود شاعران خود را به تراز بالاتری برسانند تا بتوانند در این جلسات حضور داشته باشند.»

تحریم های بی اثر

خبرگزاری «بلومبرگ» در گزارشی تأکید کرد قدرت تحریمی واشنگتن دچار محدودیت شده و بازیگران اقتصادی، انگیزه فراوانی برای دور زدن آمریکا دارند. جارت بلانک، از مقامات ارشد وزارت خارجه دولت باراک اوباما در زمینه مسائل هسته‌ای ایران و محقق کنونی مؤسسه صلح بین‌الملل کارنگی، به این خبرگزاری می‌گوید: «دولت کنونی (دولت ترامپ) به نوعی درباره قدرت تحریم‌ها دچار مستی شده است. آنها نمی‌فهمند که ابزار تحریم‌ها، محدود و شکننده است.»

نگرانی سیستان

سردار محمد مارانی همزمان با ایام ولادت امام حسن مجتبی(ع) اظهار داشت: «رهبر معظم انقلاب درباره عقب‌افتادگی‌هایی که در استان سیستان‌وبلوچستان وجود دارد، نگران هستند؛ به همین دلیل این دغدغه به نیروهای سپاه استان منتقل شده است. ما به جز ایران اسلامی در جایی از دنیا سراغ نداریم که نیروهای مسلح به فکر کمک به مردم در زمینه‌های مختلف باشند و این عنایت ویژه خداوند است که این امر در جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است. اهدای یک هزار جهیزیه هم به مردم شیعه و سنی سیستان‌وبلوچستان نماد وحدت در این استان است.»

به کوری چشم آمریکا

علی‌اکبر ولایتی، مشـاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل درباره رویکرد جمهوری اسـلامی ایران در آینده گفت: باید قدرت موشکی و منطقه‌ای را به کوری چشم آمریکا حفظ کنیم، تقویت هسته‌ای در حوزه‌هایی که محدودیت ندارد انجام شود، ادامه مذاکرات براساس شرایطی که رهبر معظم انقلاب فرمودند، ادامه یابد و اروپایی‌ها باید تضمین دهند که نفت ما را می‌خرند و مشکلات بانکی رفع می‌شود. آمریکا نیز باید از منطقه برود و منطقه را به اهلش واگذار کند.

روی خط خبر

جنایت ۲۰۳۰

حسـینعلی حاجی‌دلیگانی در جلسـه صبح چهارشـنبه گذشته مجلس در تذکری گفت: «در جریان پیگیری موضوع ۲۰۳۰ دولت گفت این امر لغو شـد، اما اخبار رسیده حاکی از این اسـت که این سند به صورت جسـته و گریخته در برخی مدرسه‌ها اجرا می‌شود و یکی از آنها در مدرسه غرب تهران بروز کرد.»

نشان درجه یک هنری

جنجال‌ها درباره اهدای نشان درجه یک هنـری به معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی این پرسش را پیش آورد که اساساً چگونه او یـک شـبه از مدیریت یک موزه کوچک جهشی چشمگیر داشت و در جایگاه معاونت هنری، به بالاترین مقام اجرایـی در حوزه‌های هنری اعم از موسـیقی، تئاتـر و هنرهای تجسمی تبدیل شـد؟ در شرایطی که بسـیاری از هنرمندان برجسته فاقد هر سطح نشان هنری هستند، وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی بـا چه انگیـزه‌ای به این شـخص اصرار می‌کرده که به او حتماً نشان درجه یک هنری بدهد؟! این ارتقای آسانسوری محصول چیست؟

پشت‌پرده تحرکات

یک تحلیلگر مسـائل سیاسی گفـت: «ذهنیت عارف این اسـت که هر اتفاقـی در مجلس می‌افتد، اصلاح‌طلبان گـردن او می‌اندازند، بنابراین تحرکاتش را در مجلس زیاد کرده تا بگوید مشکل من نیستم.» ناصر ایمانی گفـت: «این تحرکات عارف بیشتر نوعی دفاع از خود است، نه آنکـه او برنامه‌ای برای انتخابات ریاست‌جمهوری دارد. اصلاح‌طلبان فشـار زیادی بـر محمدرضا عارف وارد می‌کننـد، چراکـه کم‌کاری و نقـاط ضعف فراکسـیون امید را از چشم رئیس فراکسـیون می‌بینند و خیلی صریح و آشـکار می‌گویند عارف انتظارات جریان اصلاحات را برای مدیریت این تفکر سیاسی در مجلس و هماهنگی با دولت برآورده نکرده است.»

غایبان بزرگ مجمع

حجت‌الاسـلام غلامرضـا مصباحی‌مقـدم درباره دلیل حاضر نشدن سران قوا در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام و ارتباط این موضوع با حضور محمود احمدی‌نژاد گفت: «آقای علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی چندی پیش در جلسه مجمع حضور یافت؛ ولی من نمی‌دانم چـرا آقایان روحانی و آملی‌لاریجانی در جلسـات مجمع حضور پیـدا نمی‌کننـد.» وی در پاسـخ به اینکه آیا اعضا به حضور احمدی‌نـژاد در جلسـات مجمع تشـخیص مصلحت نظام انتقادی دارند، اظهار داشـت: «اعضا نسبت به مواضع آقـای احمدی‌نژاد انتقاد دارند و حتی هفت، هشت نفر از اعضا نسبت به مواضع او در جلسه‌ای که آقای احمدی‌نژاد غایب بودند، سخن گفتند و انتقاداتی را مطرح کردند؛ ولی در حضور خودشان کسی چیزی نگفته است.»

احمدی‌نژاد تمام شد

ابراهیم فیـاض گفت: «زمانی که احمدی‌نژادی‌ها از کسـب ۳۷ میلیـون رأی در انتخابات صحبت می‌کردند، خودم از الهام پرسـیدم «اینکه احمدی‌نـژاد می‌گوید اول مشـایی می‌آید؛ اما ردّ صلاحیتش می‌کنند، بعد دوباره با حکم حکومتی برمی‌گـردد و ۳۷ میلیـون رأی می‌آورد؛ عقلی اسـت یا شهودی؟» الهام گفت: «شهودی است از جایی به آنها خبر می‌دهنـد!» به عبارت دیگر می‌گویند «ما وصلیم» یا ادعا می‌کنند «امسال سال ظهور است»؛ در حالی که زمانی می‌گفتند دولت ما دولت ظهور اسـت! «احمدی‌نژاد هنوز مردم ایران را نشناخته است. مردم ایران بـه خاتمی رأی دادند؛ اما به ناطق‌نوری رأی ندادند. مردم ایران به روحانـی رأی دادند؛ اما به سعید جلیلی رأی ندادند. سعه صدر و قاعده تمدنی ایرانی‌ها به شـدت بالاسـت. احمدی‌نژاد دیگر پایگاه مردمی ندارد. احمدی‌نژاد تمام شد، فاتحه مع صلوات و در آینده نیز هیچ خبری از او نخواهد بود.»

رهیافت

ایران و مسئله تصویر جهانی

□ **مجتبی ذبیحی/** «ایماژی که جامعه جهانی از فضای سال ۸۸ گرفت، این تصور را برایش به وجود آورد که در ایران انگار چیزی تغییر کرده است و جمهوری اسلامی پشتوانه قبلی را در جامعه خود ندارد. در همین شرایط بود که این تصور در آمریکایی‌ها پدید آمد که در این شرایط می‌توانند سازوکاری را تنظیم کنند که یا منجر به ساقط شدن اصل جمهوری اسلامی یا تغییر رفتارش شود. من فکر می‌کنم تا نتوانیم این ایماژ از کشـور خودمان را در دنیا تغییر دهیم، مخالفان ما در نظام جهانی پروژه خودشان را دنبال خواهند کرد.» این عبارات بخشی از مصاحبه اخیر دکتر محمدجواد کاشی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی(ره) با روزنامه «اعتماد» است.

آنچه وی بر آن تصریح کرده، اگرچه نکته‌ای بدیهی است؛ اما در عین حال، بسیار مهم و گویا اسـت. درواقع، همان‌گونه که دکتر کاشی در ادامه مصاحبه‌اش نیز درصدد است تا ریشه مشکلات کشـور را درونی بداند. این نکته که تأکید بر این گزاره نظری در روابط بین‌الملل اسـت؛ «سیاست خارجی نتیجه سیاسـت داخلی است»، نشان می‌دهد عمده مسائل و مشکلات کشور ریشه درونی داشته و اگر هم سیاست نظام جهانـی در قبال مـا مبتنی بر تشـدید فشـار است، این سیاسـت بر مبنای پیام‌هایی است که از فضای داخل کشور به بیرون ارسال می‌شود. حال بر اسـاس این می‌توان گفت، مهم‌ترین مسـئله‌ای که در داخل کشور، زمینه‌ساز تغییر نکردن شـیوه دشمنان نظام شده است، انعکاس صداهای دوگانه و متعدد از درون کشور برای حل مسائل، به ویژه مسائل حوزه سیاست خارجی است. اکنون با توجه به مسـائل و مشکلات اقتصادی- معیشتی کشـور، برای حل این مسائل، به ویژه در حوزه سیاست خارجی شاهد دو نوع نگاه و راه حل هستیم؛ راه حلی که در عین تلاش برای تعامل سازنده با نظام بین‌الملل و تلاش برای حل مشـکلات اقتصادی، از هرگونه تغییر رفتار نظام پرهیز می‌کند و راه‌حل دیگری که در عین تلاش برای حل مشـکلات اقتصادی، رفع تحریم‌ها و... خواهان تغییر رفتار در برخی حوزه‌ها است.

انسـجام طرفداران نگاه دوم و موفقیت آنها در تألیف این مسـئله به صورت شعار و گفتمان و حتی فراتر از این، غلبه نسـبی آن در حوزه سیاسـت خارجی کشور، این امیدواری را نزد دشمنان ایجاد کرد که به امید تغییر رفتار ایران، فشارها و تحریم‌ها را تشدید کنند. در واقع، نقض مکرر روح و جسم برجام از سوی آمریکا و در نهایت، خروج این کشور از برجام به خوبی گویای آن است که برخلاف برخی دیدگاه‌ها در داخل کشور که در زمان تلاش برای انعقاد برجام، درصدد بزک چهره کریه آمریکا بودند و حتی هنوز هم آمریکا را راه حل مسـائل کشـور می‌دانند، سیاست این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران، همچنان معطوف به تغییر است؛ اعم از تغییر رفتار و تغییر نظام.

بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که در مقابله با این وضعیت چه باید کرد؟ به عبارتی، حال که مشخص شده پاشنه در برای کشورمان در قضیه رفع تحریم‌ها، همچنان همانند سابق می‌چرخد، راه حل صحیح مواجهه با این قضیه چیست؟ به نظر می‌رسد، مهم‌ترین و دقیق‌ترین مسئله‌ای که در نحوه مواجهه با آمریکا باید در دستور کار مسئولان کشور قرار گیرد، حفظ انسجام درونی و پرهیز از اختلاف، چند صدایی و انعکاس پیام ضعف به خارج اسـت. به عبارت دیگر، باید از درون کشـور، پیام عظمت به خارج منعکس شود؛ یعنی این‌گونه به طرف مقابل گوشزد شود که اگرچه جمهوری اسلامی ایران حاضر به تعامل سازنده با جهان، ایجاد تصویر مثبت و مطلوب از خود، رفع تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی و... است؛ اما هیچ‌گاه این مسائل را به تغییر رفتار خود منوط نمی‌کند؛ زیرا تجربه نیز نشان داده است هرگونه خوش‌بینی نسبت به آمریکا، نتیجه نداده و در کیفیت رویارویی آن با کشورمان تغییری ایجاد نکرده است. به عبارت دیگر، آمریکا همان آمریکا است، سیاستش تشدید فشار بر ایران است و فرقی نمی‌کند ایران در مقابل آن نرمش نشان دهد یا ندهد.

دیدگاه

از کلاهی حزب جمهوری تا کلاهی انحراف!

□ **حسین عبداللهی‌فر/** امسال و کم‌تر از یک ماه مانده به سالگرد حادثه هفت تیر که به شهادت شهید بهشتی و ۷۲ نفر از یارانش منجر شد، خبر کشته شدن «محمدرضا کلاهی‌صمدی» عامل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی منتشر شد. خبری که پس از ۲۷ سال می‌تواند تسکینی بر دل‌های بسیاری از داغداران و دوستداران آن شهدای والامقام به ویژه خانواده معزز آنها باشد؛ به ویژه آنکه بنا به گزارش‌های رسـمی پلیس هلند، نامبرده در یک تصادف سـاختگی از سوی قاچاقچیان مواد مخدر به هلاکت رسیده و جسد ناپاکش در میان شعله‌های آتش سوخته است.

کلاهی عامل نفوذی سـازمان مجاهدین خلق(منافقین) و خالق یک جنایت بزرگ کشـور طعم جان دادن در میان شـعله‌های آتش را چشـید و پس از سال‌ها زندگی با نام مستعار و فرار به عراق، آلمان و هلند به هلاکت رسـید؛ اما داسـتان کلاهی‌ها و نفوذی‌های منافقین، به دلیل تقصیرها و اعتمادهای بی‌حد و حصر و عبرت‌هایی که باید گرفته می‌شد، همچنان ادامه داشته و قربانی می‌گیرد.

نخستین درس عبرتی که کلاهی داشـت، ناشـی از کوتاهی‌هایـی بـود کـه در زمینه‌هـای حفاظتـی و اطلاعاتی نسبت به وی صورت گرفت. کلاهی از خانواده‌ای بدسـابقه و ضدانقـلاب، با خواهری که عضو سـازمان چریک‌های فدایی خلق بود و برادری با سـابقه گروهکی وارد حزب جمهوری اسـلامی شـده بود و رفتارهای مشکوکی از او سر می‌زد که اگر مورد توجه قرار می‌گرفت، شاید کار به اینجاها نمی‌کشید. این در حالی بود که نه تنها کسی نپرسید چرا او با صمیمی‌ترین دوستانش حاضر به گرفتن یک عکس یادگاری نشد و هرگز به کسی اجازه نداد آدرس محل زندگی‌اش را بداند، بلکه آنقدر به او اعتماد شـد که اجازه داشـت سالن جلسات را شخصاً بررسی حفاظتی کرده و در پوشش همین اعتماد پای ستون‌ها را حفاری کند.

کلاهی اگر چه جنایت هولناکی را رقم زد و سـرمایه‌های انسـانی ارزشـمندی را از نظام نوپای اسـلامی گرفت؛ اما اگر مایه عبرت می‌شـد، از حوادث تلخ بزرگ‌تری جلوگیری می‌کرد؛ ولی باز هم اعتماد اضافی به یک نیروی مشکوک دیگر سبب شد تا فرد دیگری از همین قماش به نام «کشمیری» بتواند با انفجار دفتر ریاست‌جمهوری، شهیدان رجایی و باهنر را از این ملت بگیرد.

درس نگرفتن از این «اعتمادهای اضافی» سال‌ها بعد در بیت قائم مقام رهبری هم حادثه آفرید و این بار به جای کشته شدن تعدادی از مسئولان، حادثه‌ای خلق کرد که اگر مدیریت نمی‌شد، می‌توانست انحرافات بسیار بزرگی در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایجاد کند. عجیب این بود که در این حادثه نیز پای منافقین در میان بود و اعتماد نامتعارف و دفاع آقای منتظری از آنها به اندازه‌ای از حد گذشته بود که وی حاضر شد به حمایت از آنها در مقابل امام امت(ره) بایستد.

تأسف‌آور این است که عبرت نگرفتن از عوامل مشکوک و اعتماد بی‌حد و مرز به آنها سبب شده است امروز هم نظام و ملت در این راه قربانی بدهند و هزینه بپردازند. آخرین مصداق اعتماد بیش از حد به یک فرد مشکوک در جریان انحراف دولتی زحمتکش و خدمتگزار صورت گرفت که هنوز سخن گفتن از میزان خسارت و تعداد قربانیان آن زود است.

تأسف‌آورتر این است که در این پرونده نیز به فردی اعتماد بیش از حد صورت گرفته که از جنبه‌های بسیاری مظنون بوده است. خانواده‌ای معلوم‌الحال، گرایش‌هایی مجهول، افکاری مغشوش، سـوابقی منفی، همسری با سابقه نفاق و بسیاری موارد مشکوک دیگر که متأسفانه مورد توجه قـرار نگرفتـه و از همه مهم‌تر مورد نهی مقام ولایت، هم پیش از ورود به قدرت در دولت نهم و هم در پایان این دولت که اگر مورد توجه قرار می‌گرفت، شاید هم حال و روز اعتمادشونده و هم اعتمادکننده بهتر از این بود و احتمالاً مردم و کشور در وضعیت دیگری قرار داشتند.

تبیین

بایسته‌های کلیدی در نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی

□ **حسـن خدادی/** نظام‌های سیاسـی در جوامع بر مبنای اصول کلی نوشـته و نانوشته زیسـت می‌کنند و همین اصول کلی در نظام تصمیم‌گیری و اجرا، تعیین‌کننده است. به عبارتی، اجزای نظام‌های سیاسی حق تخطی از آن را ندارند. گروهی از اندیشمندان در مقام نظر برای دولت‌ها به نمایندگی از نظام‌های سیاسی کشورها، اصول و چراغ راهنمایی را در نظر گرفتند. برای نمونه، گروهی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل معروف به واقع‌گرا منافع ملی را چراغ راهنمای کشورها در زمینه سیاست خارجی می‌دانند. امام خامنه‌ای در جایگاه تعیین‌کننده راهبردها و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی در سالیان گذشته و همچنین در دیدار اخیر خود با مسـئولان نظام در ماه مبارک رمضان، مؤلفه‌هایی را برای تصمیم‌گیـری و اجرای همه مسـئولان در نظر گرفتند که در ادامه با عنایت به بیانات ایشان این مؤلفه‌ها را بررسی خواهیم کرد.

مؤلفه‌های کلیدی در نظام تصمیم‌گیری و اجرا

رهبر معظم انقلاب در سالیان گذشته با اشاره به سه مؤلفه کلان «آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسـلامی»، «راهبردهای عمومی و کلان» و «واقعیات»، وظیفه همه مسئولان و دولت جمهوری اسلامی ایران را مد نظر قرار دادن این سه مؤلفه در نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی به ویژه برجام می‌دانند.

۱ـ آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران/ پایبندی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب لازمه بقای هر ایدئولوژی انقلابی اسـت. در غیر این‌صورت هیچ ایدئولوژی، مکتب و انقلابی پایدار نمی‌ماند و قلب به چیز دیگری می‌شود. همچنین اسـت اگر از انقلاب اصول کلیدی چون استکبارستیزی را بردارند: «ولیکن طبق سنّت الهی، یک وظایفی بر عهده ما است؛ هرگز این نتیجه قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایف‌مان غافل کند. یک وظایفی بر عهده ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم.»(۱۳۹۷/۳/۲)

۲ـ راهبردهای عمومی و کلان/ یکی از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسـلامی ایران دفاع از مظلوم است. رهبر معظم انقلاب دفاع از مظلوم را نه تنها یک هدف می‌دانند؛ بلکه آن را راهبرد عمومی و کلان نظام جمهوری اسـلامی هم می‌دانند، آنجا که می‌فرمایند: «ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هرکسـی که با معارف اسلامی آشنا باشد می‌داند که «اِن تَنصُرُوا الله یَنصُرکُم»، «وَ لَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُه»؛ یا همین آیه‌ای که تلاوت کردند که «وَ مَا النَّصرُ اِلّا مِن عِندِ الله»، اینها مسلّم است و در این تردیدی نیست. می‌دانیم که شکسـت می‌خورند؛ می‌دانیم که سرنوشت رئیس‌جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشـت اَسلافش ـ بوش و نئوکان‌ها و دور و بری‌های ریگان و بقیّه ـ نخواهد بود؛ این هم مثل همان‌ها در تاریخ گم خواهد شـد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند؛ در این هیچ تردیدی نداریم»(۱۳۹۷/۳/۲)

۳ـ واقعیات/ یکی از دوگانه‌انگاری‌هایی که چالش فکری مهمی برای برخی از تحلیلگران ایجاد کرده است، مفهوم واقعیت و آرمان است. رهبر معظم انقلاب لزوم درکنار هم بودن آرمان و واقعیت را چنین گوشزد می‌کنند: «مقدّمه لازم هر تصمیمی این است که ما به تجربه‌های گذشته خودمان مراجعه کنیم: من جرّب المجرّب حلّت به النّدامة؛ اگر از تجربه‌ها درس نگرفتیم، قطعاً ضرر خواهیم کرد. باید تجربه‌ها را در مقابل چشم خودمان بگذاریم، ملاحظه کنیم و از این تجربه‌ها درس بگیریم. چند تجربه در مقابل ما اسـت؛ من چهار پنج تجربه واضح را که عرض بکنم، همه تصدیق خواهید کرد؛ اینها در مقابل ما اسـت. اینها، هم برای تصمیم‌گیری امروز ما مهم است، هم برای آیندگان مهم است؛ هم برای آن کسانی که در آینده می‌خواهند مواجه بشـوند با مجموعه کارهای گوناگون و جمهوری اسلامی را ان‌شاءالله با قدرت پیش ببرند مهم است.»(۱۳۹۷/۳/۲)

اخبار

مظلومیت‌های ایران را منعکس کنید

وزیـر فرهنـگ و ارشـاد اسلامی با بیان اینکه، دیپلماسی رسانه‌ای اگر زمانی نقش مکمل داشـت، امروز یقینـاً ضلع دوم دیپلماسی رسمی است، تصریح کرد: «رسانه‌های خارجی مستقر در ایران می‌توانند با ارائه تصویری درست از پیشینه عمیق فرهنگی و فعالیت‌هـای فرهنگی- هنری گسـترده و متنوع امروز کشور، برای وجه باطنی و تمدنی ایران، فرصت‌سازی کنند.»

سیدعباس صالحی، بر ضرورت توجه بیشتر به دیپلماسی رسانه‌ای برای پیشبرد اهداف کشور تأکید کرد و گفت: «دیپلماسـی رسمی بدون دیپلماسی رسانه‌ای فاقد کارکردهای لازم است. در واقع انعکاس واقعیات امروز ایران در رسانه‌های بین‌المللی مکمل دیپلماسی رسمی کشور و نوعی فرصت‌سـازی فرهنگی محسوب می‌شـود و اگر این جزء دیپلماسی را جدی نگیریم، قطعاً شاهد اثرات منفی در دیپلماسی رسمی کشور خواهیم بود.» صالحی در همین زمینه به ۱۷ هزار شهید ترور، ۴۰۰ حمله شـیمیایی با ۵۰ هزار کشـته و زخمی، استفاده‌های متعدد از سلاح‌های مخرب نظیر ۱۸۹ حمله به مناطق کشور و ۱۳۵ حمله موشکی به تهران در سال ۶۶ اشاره کرد و یادآور شـد: «این انتظار می‌رود که رسانه‌های مستقر، مردم کشورهای خود را در جریان این مظلومیت ۴۰ ساله قرار دهند.»

گلستان، ترکمانچای و برجام

علی‌اکبر ولایتی در نشست «تجربه مانـدگار» گفت: «یک اشکال برجام نداشتن متن فارسی بود که احساس حقارت به انسان دست می‌داد. حتی عهدنامه‌های گلسـتان و ترکمانچـای هم با آن متن ذلت‌بار نسـخه فارسی داشـتند، اما دربـاره برجام این موضوع انجام نشد.»

عضو هیئت عالی نظارت بر برجـام تصریـح کرد: «رهبر [معظم] انقلاب درباره همه اینها بارها تذکر دادند و گفتند از مقامات آمریکایی تضمین مکتوب بگیرید، اما متأسـفانه مسئولان کشور این کار را انجام ندادند.» ولایتی افزود: «در سـال ۸۲ نیز عده‌ای مانند زمان امضای برجام عجله داشتند. سال ۸۲ که همه صنعت هسـته‌ای متوقف شـد، همزمان با حمله آمریکا به عراق بود که عده‌ای در داخل با جنگ روانی یا دفاع روانی می‌گفتند حمله آمریکا نزدیک است و تعجیل کردند.» وی، یادآور شد: «در دوره ملی شـدن صنعت نفت بایکوت شـدیم. دکتر مصدق به آمریکا خوش‌بین بود و رفت تا از حق ایران دفاع کند اما ترومن(رئیس‌جمهور وقت آمریکا) آب پاکی را روی دست مصدق ریخت.» وی افزود: «بعدها ترومن یک میانجی به نام هریمن را به ایران فرستاد و دکتر مصدق در نطق مجلس گفت که هریمن کسـی نیسـت که اعتبار خود را از بین ببرد. مثل همان خوش‌بینی که برخی دوستان امروز ما به کری و اوباما داشتند و می‌گفتند زیر حرف‌شان نمی‌زنند!»

نکته‌گرام

عکس خبر

تابستان گرم کرمان و گروه جهادی جوادالائمه(ع)

ماه خدا در خانه خدا

تیک‌آف جنگنده‌های سوخو ۲۲ سپاه

اطلاعیه برای کمک به خانواده شهید مدافع حرم در قم!

توزیع هزار جهیزیه اهدایی رهبری در سیستان‌وبلوچستان

آرام برانید و شهر ما را تماشا کنید، یا تند برانید و از زندان‌های ما دیدن کنید

در آمریکا از سیاه نمایی سلبریتی ها خبری نیست

تظاهرات ضددولتی در غرب سرکوب و سانسور می‌شود

مقام امام نزد استاد

آیت‌الله بروجردی درصدد به خدمت گرفتن یک منشی محرر بود. فرد معمم خوش‌خطی را به او معرفی کردند. روزی که این فرد برای معارفه به خانه آقای بروجردی آمد، حاج آقا روح‌الله نیز آنجا بود. او رفت و بالاتر از جایی که آقای خمینی نشسته بود، جای گرفت. آیت‌الله بروجردی هم به معرفان این منشی گفت که او را نمی‌خواهم. گفت: «کسی که بالادست حاج آقا روح‌الله بنشیند، به درد من نمی‌خورد.»

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی صاحب جواهر ـ ۳

اوضاع سیاسی ـ اجتماعی عصر صاحب جواهر

□ **فتح الله پریشان /** رشد متوازن و مستحکم مکتب تشیع و تحولات اجتماعی تأثیرگذار ناشی از آن همچون تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی میراث و محصول مجاهدت‌های علمی و فقهی و مبارزات اجتماعی و سیاسی فقها، بزرگان و رهبران جهان شیعه است. قرن سیزدهم هجری در تاریخ فقه شیعه از این منظر از دو جنبه «علمی و فقهی» و «سیاسی و اجتماعی» حائز اهمیت ویژه‌ای است.

الف ـ از نظر علمی و فقهی؛ این قرن پر از برکات علمی و فرهنگی برای جهان تشیع، به ویژه برای حوزه‌های علمیه بود. در این دوره، جنبش و نهضت علمی نوینی که با برچیدن بساط مکتب اخباری‌ها پس از سال‌ها حکومت بلامنازع بر فقه شیعه به دست توانای علامهٔ وحید بهبهانی در کربلا آغاز شده بود، از سوی شاگردان وی در نجف ترویج و تداوم یافت. این تلاش و مجاهدت‌های علمی در زمان شیخ محمدحسن نجفی، معروف به «صاحب جواهر» که افتخار شاگردی علامه بهبهانی را دارد، با تألیف کتاب «جواهرالکلام» به اوج خود رسید. شهرت و وسعت علمی وی و دیگر علمای نجف موجب شد طالبان علم از اقصی نقاط بلاد اسلامی متوجه نجف شوند.

امام خمینی(ره) درباره صاحب جواهر و جایگاه فقه جواهری فرموده‌اند: «صاحب جواهر چنان کتابی نوشته است که اگر صد نفر بخواهند بنویسند شاید از عهده برنیایند و این یک کاخ‌نشین نبوده است، یک منزل محقری داشتند و در یک اتاق‌شان به دالانی باز بوده است که از آن نسیم داغی می‌وزیده و ایشان مشغول تحریر جواهر بودند.[۱]

رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) دربارهٔ مقام علمی و نوآوری صاحب جواهر می‌فرمایند: «ویژگی عمدهٔ فقهای بزرگ از قبیل صاحب جواهر این بود که اندیشهٔ رایج فقهی زمان خودشان را متحول کردند. صاحب جواهر از جمله افرادی بود که بر خلاف برخی از فقها به شهرت و اجماع در مسائل مختلف بسیار تکیه می‌کرد، در عین حال این مرد دارای افکار نو و جدیدی است.»[۲]

ب ـ از نظر سیاسی و اجتماعی؛ صاحب جواهر و دیگر بزرگان علمی جهان تشیع در قرن سیزدهم توانستند با تألیف کتاب‌هایی، مانند جواهرالکلام و پرورش شاگردانی که به بلاد اسلامی گسیل شدند، تحول شگرفی را در جهان اسلام به وجود آورند. در این راستا، می‌توان نهضت تنباکو، جنبش مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران را از برکات ارزشمند این نهضت علمی به رهبری صاحب جواهر دانست. همچنین عصر و زمانه وی از دوران‌های پرآشوب و بحران در سرزمین‌های اسلامی به شمار می‌آید. حوادث بسیاری در آن سده اتفاق افتاده که هر یک در شکل‌گیری شخصیت صاحب جواهر نقش بسزایی داشته است. مهم‌ترین آن حوادث عبارتند از:

۱ـ درگیری‌های حکومت صفوی و عثمانی: کشور عراق به علت وجود عتبات مقدسهٔ شیعه همیشه مورد توجه ایرانیان بوده و به دلیل اهمیت آن، چندین بار بین دو دولت صفویه و عثمانی دست به دست شده است. عمده‌ترین موارد اختلاف این دو کشور عبارت بودند از: توسعه‌طلبی امپراتوری عثمانی، مسائل ناشی از تعصبات دینی مردم ایران و عثمانی، اختلاف بر سر حاکمیت شهر سلیمانیه و آزار و اذیت زوّار و اتباع ایرانی در شهرهای کربلا، نجف و کاظمین. در یکی از این درگیری‌ها به علت غارت اموال زائران ایرانی و کشته شدن بسیاری از آنان که به دست سپاه عراق اتفاق افتاد، «محمدعلی میرزا» فرزند فتحعلی شاه قاجار به نبرد با سپاه عراق و عثمانی برخاست و شهر بغداد را محاصره کرد. مصلح شهیر، شیخ موسی کاشف‌الغطا، استاد صاحب جواهر، بین دو دولت وساطت کرد و بین آنها قرار صلح منعقد شد که در نتیجهٔ آن بسیاری از ایرانیان به عتبات مقدسه هجرت کردند و اموال فراوانی به منظور تعمیر مشاهد مشرفه و حفاظت از آنها برای مراجع تقلید به سوی عراق سرازیر شد.[۳]

۲ـ فتنهٔ هجوم وهابیّون: در شب نهم صفر ۱۲۲۱ هـ شهرها و روستاهای عراق، به ویژه کربلا و نجف هدف حمله شدید وهابی‌ها قرار گرفت. آنها بر اساس عقاید ضد شیعی با خشونت تمام به تخریب، قتل و غارت دست زدند و به گنبد و بارگاه امام حسین(ع) در کربلا خسارت وارد کردند. تعداد کشته‌شدگان این تهاجم وحشیانه را بین پنج تا بیست هزار نفر برآورد کرده‌اند. این حملات در شهر نجف جلوهٔ دیگری داشت، بیشتر مردم نجف از ترس لشکرکشی وهابیون شهر را خالی کرده و به عشایر عراق پناهنده شدند؛ اما شیخ جعفر کاشف‌الغطاء به همراه دویست نفر از علما در شهر ماندند و از کیان اسلام و حرم امیرالمؤمنین علی(ع) دفاع کردند. پس از چهار روز مقاومت وصف‌ناپذیر آنها، سرانجام محاصرهٔ شهر در هم شکست و وهابیون که از حمله به نجف طرفی نبسته بودند، وحشیانه به کربلا یورش بردند و به قتل و غارت آن دست زدند، در حالی که ساکنان این شهر مهم بیش از نجف بودند.[۴]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ منشور بیداری؛ امام خمینی(پیام امام امت به فرزندان فیضیه)؛ ص۲۳؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳/دی/۱۳۷۳، به مناسبت صدوچهل‌ونهمین سالگرد ارتحال صاحب جواهر.

۲ـ آشنایی با فقه جواهری؛ دکتر عبدالله امیدی‌فرد؛ ص۷۲.

۳ـ همان، ص۴۹ـ ۴۵.

۴ـ اندیشه سیاسی صاحب جواهر؛ سیدسجاد ایزدهی؛ ص۱۸ ـ ۱۷.

کتابخوان

الف لام خمینی

در بیست‌ونهمین سالگرد ارتحال ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی(ره) نگاهی متأملانه به زندگی و زمانه ایشان و کار بزرگی که به انجام رساند، با نگارشی نرم و لطیف و روزآمد و به زبان نسلی که امام را ندیده و امروز با دنیایی از سؤال، شبهه و نیاز وارد حیات اجتماعی می‌شود می‌تواند در معرفی امام مفید فایده باشد.

با این نگاه، واحد خاطرات و سفرنامه‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی کتابی را با عنوان «الف لام خمینی» به قلم هدایت‌الله بهبودی در سال گذشته چاپ و به مخاطبان عرضه کرده است. این کتاب که زندگی و زمانه امام خمینی(ره) را تا پیروزی انقلاب اسلامی با نگاه و نگارشی دیگر بررسی کرده، در سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به عنوان یکی از پرفروش‌ها در کانون توجه مردم و به ویژه جوانان قرار گرفت.

بهبودی در یادداشت ابتدایی خود چنین می‌نویسد: «کتاب «الف لام خمینی» با معرفی خاندان امام خمینی آغاز می‌شود و سیر زندگی روح‌الله را از تولد، نشو و نما، تحصیل در زادگاه، ادامه درس‌آموزی در اراک و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد.

می‌توان این زندگی‌نامه را به دو بخش کلی تقسیم کرد؛ اول، زندگی علمی حضرت روح‌الله خمینی در قم، که بیش از چهل سال از عمر ایشان را در بر گرفت. امام خمینی(ره) در این چهار دهه درس گرفت، درس داد، نوشت و ماترک چشمگیری از منشورات و شاگردان به جا گذاشت. دوم، زندگی سیاسی حضرت امام است که از اواسط سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز می‌شود و با فراز و نشیب‌های فراوان، ۱۶ سال بعد، به پیروزی نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌رسد.»

نویسنده در این یادداشت یادآور می‌شود: «گشت‌وگذار تاریخی در هر دو مقطع با دشواری روبه‌رو بوده است؛ دوره اول به دلیل نبودن اسناد و دوره دوم به علت فراوانی اسناد؛ چرا که تاریخ‌نگار برای یافتن روایت درست و رسیدن به حقیقت واقع می‌باید از مسیر پر پیچ و خم راستی‌آزمایی مدارک و یادهای به جای مانده عبور کند و در دام خبرها و خاطرات تبلیغی نیفتد.

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی انجمن حجتیه ـ ۱۷

پشت نقاب بیانیه تعطیلی و انحلال انجمن حجتیه

□ **عبدالله نوری گلجایی /** ظهور انقلاب اسلامی در ایران و برملا شدن بسیاری از افکار غلط انجمن حجتیه، از جمله ناتوانی در ایستادگی و مقابله با حکومت شاه و غیره، دیگر جایی برای بهانه‌تراشی‌های انجمن، باقی نمی‌گذاشت؛ از این رو، برخی اعضای انجمن که از نظر فکری و اعتقادی به انقلاب اسلامی نزدیک بودند، تاب نیاورده، از این انجمن جدا شدند. از آن جمله می‌توان به آقایان پرورش و طیب اشاره کرد. علاوه بر این، بسیاری از این افراد نه تنها از انجمن جدا شدند؛ بلکه بر ضد آن دست به افشاگری زدند و بسیاری از اندیشه‌ها، افکار و مواضع انجمن را که تا آن زمان برای بسیاری از مردم مبهم بود، برای همگان آشکار کردند.

اعلامیه تعطیلی انجمن حجتیه

مواضع حمایت‌گونه انجمن حجتیه از انقلاب اسلامی در ماه‌های اول پیروزی با وجود ایجاد دلگرمی در بسیاری از انقلابیون، دوام چندانی نیاورد و با موضع‌گیری‌های تند بر ضد نظام در موضوعاتی مانند دفاع مقدس، جایگاه ولایت فقیه، تلاش برای به‌دست‌آوردن پست‌های کلیدی و همچنین، بروز اختلافات بین افراد حجتیه و طرفداران دولت در سبزوار، کار به زد و خورد نظامی کشید که نتیجهٔ آن کشته و زخمی شدن عده‌ای از دو طرف بود.

عملکرد انجمن سبب شد، افرادی که به انجمن خوشبین شده بودند، حمایت خود را از آن بردارند. در نهایت، امام خمینی(ره) که بارها به گروه‌های مخالف نظام اسلامی و به خصوص انجمن حجتیه تذکر داده بودند، با روشن شدن چهرهٔ واقعی آنان برای اذهان عموم مردم بار دیگر، در عید فطر سال ۱۳۶۲ فرمودند: «یک دستهٔ دیگر هم که تزشان این است که بگذارید معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟»[۱]

انجمن حجتیه که خود را بسیار منزوی و ناکارآمد می‌دید، در پنجم مرداد سال ۱۳۶۲ با صدور اعلامیه‌ای

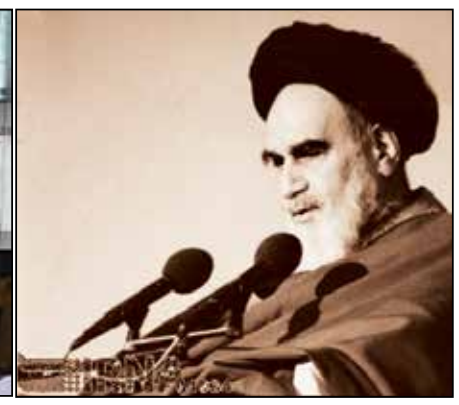

به شرح زیر اعلام تعطیلی کرد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم؛ اعضای محترم انجمن حجتیهٔ مهدویه، خدمتگزاران آستان مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ـ ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ـ با ابلاغ سلام و تقدیم مراتب مودّت به اطلاع می‌رساند: روز سه‌شنبه ۲۱ تیرماه جاری (عید سعید فطر) رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی حضرت نایب‌الامام آیت‌الله‌العظمی امام خمینی در بخشی از بیانات مبسوطهٔ خویش فرمودند: یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته‌بندی‌ها را بردارید. در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پای‌تان خواهد شکست. در پی این فرمایش، شایع شد که طرف خطاب و امر مبارک، این انجمن است. اگرچه به هیچ وجه افراد انجمن را مصداق مقدمهٔ بیان فوق نیافته و نمی‌یابیم و در ایام گذشته به ویژه از زمانی که حضرت ایشان با صدور اجازهٔ مصرف انجمن از سهم امام این خدمات دینی و فرهنگی را تأیید فرموده بودند، هیچ دلیل روشن و شاهد مسلمی که دلالت بر صراحت معظم‌له، به تعطیل شدن انجمن نماید، در دست نبود؛ مع‌ذلک در مقام استفسار برآمدیم. البته تماس مستقیم میسر نبود. لیکن برای تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت‌های محترمه موثقه و بنا به قراین کافیه محرز شد که مخاطب معظم‌له این انجمن می‌باشد؛ لذا موضوع توسط مسئولان انجمن به عرض مؤسسهٔ معظم و استاد مکرم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حلبی رسید و [ایشان] فرمودند: در چنین حالتی وظیفهٔ شرعی در ادامهٔ فعالیت نیست. کلیه جلسه‌ها و برنامه‌ها باید تعطیل شود. علی

مواضع حمایت‌گونه انجمن حجتیه از انقلاب اسلامی در ماه‌های اول پیروزی با وجود ایجاد دلگرمی در بسیاری از انقلابیون، دوام چندانی نیاورد و با موضع‌گیری‌های تند بر ضد نظام در موضوعاتی مانند دفاع مقدس، جایگاه ولایت فقیه و... کار را به زد و خورد نظامی کشاند

هذا همان‌گونه که بارها کتباً و شفاهاً تصریح کرده بودیم، براساس عقیدهٔ دینی و تکلیف شرعی خود، تبعیت از مقام معظم رهبری و مرجعیت، حفظ وحدت و یکپارچگی امت و رعایت مصالح عالیهٔ مملکت و ممانعت از سوءاستفادهٔ دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه و دفع غرض‌ورزی دشمنان اسلام را برای ادامهٔ خدمات و فعالیت مقدم دانسته، اعلام می‌داریم که از این تاریخ تمامی جلسات و خدمات انجمن تعطیل می‌باشد و هیچ‌یک از اعضای انجمن مجاز نیستند، تحت عنوان این انجمن کوچک‌ترین فعالیتی بکنند و اظهارنظر یا عملی مغایر تعطیلی نمایند که یقیناً در پیشگاه خدای متعال و امام زمان ـ سلام‌الله علیه ـ مسئول خواهند بود. با این امید که تلاش‌ها و کوشش‌های صادقانهٔ انجمن در سی سالهٔ اخیر مقبول ساحت قدس الهی و مرضی خاطر مقدس حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ـ ارواحنا فداه ـ قرار گرفته باشد. از خدای متعال عزت و سربلندی مسلمانان به ویژه شیعیان اثنی‌عشری و ذلت و سرافکندگی کافران و منافقان و طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام را خواستاریم.» (انجمن خیریهٔ حجتیه مهدویه، دوازدهم شوال ۱۴۰۳ قمری/ پنجم مردادماه ۱۳۶۲شمسی.[۲]

تعطیلی غیر از انحلال است

البته، در آن مقطع زمانی، امام خمینی(ره) نیز با بیان اینکه انجمن تعطیل شده است و نه منحل، این حرکت را بی‌نتیجه دانستند. امام خمینی بعدها و از جمله در «منشور روحانیت» به صراحت دربارهٔ انجمنی‌ها سخن به میان آوردند و از حضور آنها در عرصه‌های مختلف اعلام خطر کردند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان از اعضای دفتر حضرت امام با بیان خاطره‌ای، ذکاوت و شناخت دقیق امام دربارهٔ انجمن را ذکر می‌کند:

در اوایل مردادماه ۱۳۶۲ بعد از سخنرانی حضرت امام(ره) که در آن، بدون ذکر نام، انجمن حجتیه را مورد حمله قرار دادند، مضمون نامه‌ای که از سوی این تشکیلات فرستاده شده بود، مبنی بر اعلام تعطیلی فعالیت‌ها و جلسه‌های‌شان، به عرض حضرت امام رسید. قبل از قرائت متن، به عرض رسید که انجمن حجتیه اعلام انحلال کرده است. وقتی متن قرائت شد که در آن، تعبیر تعطیل به کار رفته بود، با تبسّم فرمودند: تعطیل، غیر از انحلال است، اینکه فایده ندارد. اگر فکر می‌کنند، منظور، آنها هستند، این کار اثری ندارد. آنها که فاسد هستند، کار خودشان را می‌کنند.[۳]

نکتهٔ مهمی که بسیاری از افراد مدعی عدم فعالیت انجمن مطرح می‌کنند، این است که انجمن در سال ۱۳۶۲ به طور رسمی تعطیل شده است؛ در حالی که حلقهٔ مفقوده‌ای که در اینجا به چشم می‌خورد، این است که انجمن هیچ‌گاه ادعا نکرد که این گروه منحل شده است و تنها مورد ادعای آنها همان تعطیلی است. اما امام خمینی به این نکتهٔ ظریف اشاره فرمودند که تعطیلی غیر از انحلال است؛ از این رو، انجمن پس از تعطیلی به صورت مخفیانه و غیرعلنی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.[۴]

به علاوه، مرور اساسنامهٔ انجمن حجتیه حاکی از این امر است که آنها نقطه پایانی برای فعالیت‌های خود متصور نیستند؛ چرا که «هدف انجمن ثابت و تا زمان ظهور امام زمان(عج) لایتغیر خواهد بود.»[۵] از سویی عده‌ای نیز معتقدند که انجمن تا رحلت امام(ره) خود را پنهان نگه داشت، اما پس‌از رحلت امام بار دیگر فعالیت‌هایش آغاز شد، به طوری که سال‌های ابتدایی دههٔ ۱۳۷۰ صرف تربیت نیروهای جدید شد و در اواخر این دههٔ این گروه باز به گسترش فعالیت خود همت گماشت.[۶]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفهٔ امام، ج۱۷، ص۵۳۴.

۲ـ عمادالدین باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان، تهران، دانش اسلامی، ۱۳۶۲، ص۶ـ ۴.

۳ـ محمدحسن رحیمیان، در سایهٔ آفتاب، تهران، مؤسسهٔ پاسدار اسلام، ۱۳۷۱، ص۲۲۹.

۴ـ مصاحبهٔ حضوری با کارشناسان وزارت اطلاعات.

۵ـ عمادالدین باقی، همان، ص۷۳.

۶ـ مصاحبهٔ حضوری با کارشناسان وزارت اطلاعات.

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت پایانی

جنگ نرم سیاسی از پوپر تا سوروس

□ **دکتر سیامک باقری‌چوکامی /** قواعد و نظریه‌های علوم سیاسی نیز مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی در نبرد نرم کمک چشمگیری به بازیگران جنگ نرم کرده است. در حقیقت عاملان جنگ نرم از قِبَل نظریه‌های علوم سیاسی برای راه‌اندازی و استمرار درگیری‌های نرم‌افزاری، به قواعد نظری و عملیاتی قابل توجهی دست یافتند و فهمیدند که با طی چه مراحلی می‌توان فرایند دموکراتیزه کردن دولت‌های ناهمسو را دنبال کرد؛ چگونه می‌توان دولت مقتدر مخالف را به دولت ورشکسته و ناکام تبدیل کرد و از این رهگذر رفتار آن را در سطوح داخلی و خارجی مدیریت کرد یا تغییر داد؛ بازیگران جنگ نرم بر اساس نظریه‌های صلح دموکراتیک به این موضوع دست یافتند که چگونه جوامع غیرلیبرال می‌توانند در مسیر لیبرالیزه شدن گام بردارند؛ چگونه می‌توان بحران مشروعیت، نفوذ، کارآمدی، توزیع و هویت ایجاد کرد تا از این طریق فروپاشی سیاسی رخ دهد؛ چگونه می‌توان منابع قدرت نرم را شناسایی کرد و به صورت هوشمندانه به کار برد.

یکی از نظریه‌های علوم سیاسی پر استفاده برای بازیگران جنگ نرم، نظریه جامعه باز پوپر است که متعاقب آن بنیاد سوروس سرمایه‌دار یهودی نیز با نام جامعه باز تأسیس شد تا مأموریت اجرای دیدگاه‌ها و نظریه‌های وی را برعهده گیرد.

پوپر و نظریه‌پردازی برای بازیگران جنگ نرم

نظریه «جامعه باز و دشمنان آن» یکی از نظریه‌های پر استفاده به وسیله بازیگران جنگ نرم است. آثار و نوشته‌های کارل پوپر دو دسته‌اند؛ یک ـ «کتاب‌های جامعه باز و دشمنان آن»، «ناکجاآباد و خشونت»، «درس این قرن» و «زندگی سراسر حل مسئله است» که از جمله آثار سیاسی پوپر هستند. دو ـ کتبی مانند «منطق اکتشاف علمی»، «شناخت عینی، برداشت تکاملی»، «حدس‌ها و ابطال‌ها» و «رشد شناخت علمی» که از جمله آثار علمی او می‌باشند.

به طور کلی در آثار پوپر دو رویکرد قابل مشاهده است:

یک ـ رویکرد نظری و تئوریک: از رهگذر این رویکرد آثار وی ترویج‌دهنده گفتمان لیبرال و نئولیبرال است؛ در عین حال، پوپر فیلسوف

دربار ملکه انگلیس و ایدئولوگ مورد علاقه انحصارات بزرگ سرمایه‌داری است و به شکلی صریح از نظم سرمایه‌داری، بی‌عدالتی اجتماعی و تجاوز امپریالیستی به ملل محروم دفاع می‌کند. (زرشناس، ۱۳۷۸، ص ۵۴) بنیان نظام مورد نظر او نیز بر نسبیت‌انگاری، نفی تقدس و سرمایه‌سالاری و ارزش‌های غربی پایه‌گذاری شده است و از این منظر دیدگاه‌های پوپر به صورت ماهوی در برابر نظام دینی قرار می‌گیرد.

دو ـ رویکرد کاربردی و عملیاتی: پوپر با نظریه‌های خود سعی دارد شیوه‌هایی را در اختیار مخاطبان قرار دهد که بتوانند به صورت عملی به مهندسی اجتماعی مبادرت کنند. کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» ضمن طرح مباحث معرفتی و نظری، متکفل رویکرد روشی برای تحقق جامعه لیبرالی نیز است. کتاب جامعه باز مهندسی اجتماعی را این چنین معرفی می‌کند که در آن می‌توان حکومت را بدون توسل به روش‌های خشونت‌آمیز، انقلاب خونین یا کودتا و در صورتی که مردم از آن رضایت نداشته باشند از قدرت به زیر کشید.(پوپر، ۱۳۸۳، ص۱۳۲)

«تحرک اجتماعی» یکی دیگر از مفاهیم مورد علاقه پوپر است که برای بازیگران جنگ نرم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. «در یک جامعهٔ باز، عدهٔ کثیری از اعضای جامعه تلاش می‌کنند تا از لحاظ اجتماعی بالا روند و جای دیگر اعضا را بگیرند.»(پوپر، ۱۳۷۷، ص۳۸۰) پوپر آنچنان این اصل را مهم می‌داند که می‌گوید: «این امر (تحرک اجتماعی) ممکن است به پدیدارهای مهم اجتماعی مانند پیکار و تنازع طبقاتی بینجامد.»(همان)

پوپر میان دو راه‌حل مهندسی اجتماعی اتوپیایی(Utopia) یا کل‌گرا و مهندسی اجتماعی تدریجی تنها دومی را ممکن می‌داند. مهندسی اجتماعی تدریجی بدون امکان انتقاد از اهداف و روش‌های آن، بی‌اثر است.(کارل پوپر، ۱۳۸۷، ص۹)

به همین دلیل افکار او درباره ضرورت اصلاحات بنیادی تدریجی و حتی‌الامکان بدون خشونت و مبتنی بر مبانی لیبرالیسم و سکولاریسم، الهام‌بخش فعالیت‌های سیاسی و براندازی نرم یا به اصطلاح رنگی و تدریجی بازیگران جنگ نرم، از جمله بنیاد جرج سوروس شده است، به نحوی که سوروس، نام بنیاد خود را جامعه باز گذاشت.

سوروس و مجری جامعه باز

این مؤسسه در پوشش یک نهاد خیریه و غیرانتفاعی، امروز یکی از شرکای اقتصادی کودتاهای مخملی یا رنگی آمریکا در جهان شناخته می‌شود و شبکه گسترده نمایندگی‌های آن شامل مؤسسات ملی در ۵۰ کشور جهان، از خاورمیانه، اروپا، آفریقا تا ایالات متحده فعالیت می‌کند. هدف ظاهری این مؤسسه، ایجاد و حفظ ساختارها و نهادهای جامعه باز، کمک‌های انسان‌دوستانه، بهداشت عمومی، رعایت حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی است، اما شبکه بین‌المللی آن به عنوان مجاری اقتصادی و امنیتی کودتاهای مخملی در کشورهای ناسازگار با آمریکا نقش ایفا می‌کند.

بنیاد سوروس، با فعال کردن مراکز مطالعاتی در کشورهای مختلف و سپس با ارزیابی مخالفان دولت مرکزی و حمایت از مطبوعات مخالف دولت، زمینه را برای انقلابی آرام و به شکست کشاندن دولت یا حکومت فراهم می‌کند. از سال ۱۹۹۵ تا امروز ۱۳۰ میلیون دلار از ثروت سوروس هزینه دموکراسی‌سازی آمریکایی کشور روسیه شده که تا امروز نتیجه مطلوبی نداشته است. در انقلاب رز گرجستان که ۲۳ نوامبر ۲۰۰۳ رخ داد، سوروس با اختصاص ۲۰ میلیون دلار به مخالفان دولت، نقش مهمی را ایفا کرد. پس از وقوع این کودتای مخملی، او با اعلام رضایت از این مسئله تصریح کرد که در سایر کشورهای آسیای میانه از این اقدامات حمایت خواهد کرد و به روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز گفت که مایل است انقلاب مخملی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، مانند قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان تکرار شود.

سوروس تاکنون بیش از ۴۰ میلیون دلار با هدف راه‌اندازی کودتاهای مخملی در این پنج کشور آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده و ۵ میلیون دلار را نیز به اصلاحات در کشور ترکیه اختصاص داده است. بنابر روایت مستند ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، انقلاب نارنجی اوکراین در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴، زیر نظر بنیاد جامعه باز و نهادهای وابسته به سوروس به وقوع پیوسته و این میلیاردر صهیونیست، همین نقش را در انقلاب لاله قرقیزستان در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ ایفا کرده است. ۵۰ میلیون دلار از سرمایه سوروس، هزینه کودتای مخملی در اوکراین و قرقیزستان شد. بر اساس آمار رسمی، تا سال ۲۰۰۴، ثروت وی معادل ۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

با اتمام مبحث «تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی»، از شماره آینده به یمن و مبارکی چهل سالگی انقلاب اسلامی، بحث جدیدی را با نگرشی نوین به «شناخت ماهیت، مبانی و شاخص‌های انقلاب اسلامی» به قلم دکتر عباسعلی عظیمی شوشتری آغاز خواهیم کرد.

ریزش‌ها

بازرگان انقلابی نبود!

□ **شهاب زمانی /** بازگویی قصه پر غصه ریزش‌های انقلاب اسلامی سفری است به دل تاریخ معاصر که بی‌شک واجد درس‌ها و عبرت‌هایی برای زندگی حال و آینده همه انسان‌ها، به ویژه آنهایی است که دل در گرو انقلاب دارند. در این شماره، به زندگی سیاسی مهندس مهدی بازرگان از چهره‌های مشهور مخالف رژیم پهلوی در پیش از انقلاب و از همراهان چند سال اولیه انقلاب اسلامی نگاهی اجمالی می‌افکنیم.

مهدی بازرگان در سال ۱۲۸۶ در خانواده‌ای مذهبی در تهران متولد شد. پدرش از تاجران سرشناس بازار تهران بود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه در مدرسه عالی دارالمعلمین، در سال ۱۳۰۶ نام وی در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی به کشور فرانسه وجود داشت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشته ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال ۱۳۱۳ به ایران بازگشت. زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان را باید در فضای خانواده مذهبی و بازاری، سر کلاس درس ابوالحسن‌خان فروغی، ادیب و سیاستمدار مؤسس دارالمعلمین، در انجمن کاتولیک پاریس، در لابه‌لای روزنامه‌های جمهوریخواه فرانسه و سرانجام پشت میز شرکت مهندسی تهران جست‌وجو کرد.

مهدی بازرگان در تشکیل جبهه ملی دوم و مبارزات سیاسی فعالیتی مؤثر داشت و در بهار سال ۱۳۴۰ نهضت آزادی ایران را پایه‌گذاری کرد که مخالفت با نظام شاهنشاهی از اهداف تأسیس آن ذکر شده است[۱] «شاه سلطنت کند، نه حکومت» اساسی‌ترین چارچوب فعالیت سیاسی نهضت آزادی و جبهه ملی بود و اعضای آن به پیروی از مصدق افتخار می‌کردند؛ به گونه‌ای که بازرگان در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ در معرفی مرام‌نامه نهضت آزادی در روز تأسیس آن می‌گوید: «ما مسلمانان ایرانی، تابع قانون اساسی و مصدق هستیم.» این در حالی است که امام(ره) درباره اینکه راه جبهه ملی با انقلابیون متفاوت است، تأکید می‌کنند: «اینجانب نمی‌توانم از جبهه‌ای‌ها و نه از بزرگ‌شان اسمی ببرم و ترویج بکنم، راه آنها با ما مختلف است.»[۲]

اما چرا با وجود این تفاوت در اندیشه و نگاه، بازرگان مأمور تشکیل دولت موقت شد؟ حاج‌احمد خمینی درباره نظر امام(ره) در موضوع انتخاب بازرگان می‌گوید: «دوستان امام، آقای مهندس بازرگان را برای نخست‌وزیری موقت انتخاب و پیشنهاد کردند. امام مخالف بودند، اما به واسطه احترام به نظر دوستان قبول کردند.»[۳] تصریح امام در حکم انتصاب بازرگان و تأکید بر آن در سخنرانی معارفه که «شورای انقلاب» پیشنهاد نخست‌وزیری وی را داده، شاید به همین علت بوده است. با این حال، امام(ره) به صراحت در سخنرانی خود در تاریخ «۱۳۵۹/۵/۲۹» با مسئولیت‌پذیری کامل به خطا بودن این انتخاب اشاره می‌کنند و علت آن را نداشتن تجربه در مدیریت امور اجرایی کشور می‌دانند.

بازرگان ملی‌گرایی بود که به آمریکا دل بسته بود و از این رو در تحلیل شخصیت وی نمی‌توان انتظار عملکرد انقلابی داشت. وی در مهر ماه ۱۳۵۷ در پاریس به امام(ره) تأکید می‌کند که «ایران سه رکن دارد؛ شاه، ارتش و آمریکا. به فرض که شاه برود با دو تای دیگر چه می‌کنید؟» تردید در موفقیت انقلاب و التقاط بین دموکراسی و اسلام که از اصرار وی بر پایبندی‌اش به «جمهوری دموکراتیک اسلامی» روشن می‌شود، از دولت موقت، دولتی به بیان امام ضعیف‌النفس ساخت که پای همراهی با انقلاب و امام را نداشت. نشانه‌های سخن امام(ره) درباره ضعیف‌النفس بودن دولت بازرگان که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ ایراد شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی، سیاسی ایران؛ رسول جعفریان؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۰۸.

۲ـ صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۳۹ (۱۳۵۷/۵/۳۰).

۳ـ پا به پای آفتاب؛ امیررضا ستوده؛ ج ۱، ص ۱۰۱.

صبح صادق
دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۷
شمـــاره ۸۵۰
هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
www.sobhesadeghweekly.ir

حقیقت زنده

ویژه بیست و نهمین سالروز رحلت امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) یک حقیقت همیشه زنده است

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: حیات مبارک امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، الگو و نمونه حیات جامعه انقلابی ماســـت و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (قدّس‌سرّه) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملتهای دیگر، حتّی ملتهای غیرمسلمان، نسخه تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند.

حرف اول

جامعیت امام(ره)

□ **فتح‌الله پریشان/** یکی از ویژگی‌های رهبران بزرگ جامعیت شخصیت آنهاست. جامعیت، به معنای برخورداری شـــخصیت از کمالات و صفاتی است که در شرایط معمولی فراهم آمدن آنها در یک شخصیت واحد، دشوار و نادر است و از این رو، متضاد و غیرقابل اجتماع به نظر می‌رســـند؛ به گونه‌ای که هر چقدر ابعاد این شمولیت گوناگونی بیشتر داشته و شعاع و طیف‌های بیشتری از برجستگی‌ها و سرآمد بودن‌ها در عرصه‌ها و رشته‌های مختلف را پوشش دهد، آن جامعیت، اعتماد و مرجعیت بیشتری به دنبال خواهد داشت.

در اعتقادات مکتب شیعه، چهارده معصوم(ع) جامع‌ترین و کامل‌ترین انسان‌ها از سیر ازلی تا ابدی حیات و جلوه انسان کامل در زندگی دنیوی و اخروی هستند. اما در مرتبه دون عصمت و در برخی روزگاران نیز می‌شـــود انسان‌هایی با جامعیت نسبی در شخصیت و کمال جست‌وجو کرد. بی‌شک در عصر و زمانه ما یکی از آن انســـان‌های جامع، امام خمینی(ره) بوده اســـت. امام معصوم نبود، اما تالی تلو ائمه معصوم(ع) بود و به بیان رهبر معظم انقلاب تا نزدیکی‌های مرز عصمت عزیمت کرد و از این رو، می‌توان ادعا کرد حضرت امام خمینی(ره) از جهت جامعیت شخصیت و کمال، پس از انبیای الهی و ائمه معصوم(ع)، بی‌شک از شخصیت‌های نادر، بلکه بی‌نظیر بوده‌است.

تضاد صفات کمالی به دوگونه است: تضاد کیفی و تضاد کمّی. مقصود از تضاد کیفی، تضاد ناشی از نوع صفات است. مثلاً عبادت با شجاعت یا سخاوت با حسابگری و حکمت در مصرف، به نظر جمع‌ناپذیر می‌رســـد؛ دلیل آن کیفیت هر یک از این دو خصلت اســـت. مقصود از تضاد کمّی، تضادی است که از کثرت و فراوانی مقدار، با توجه به محدودیت گنجایش موصوف که ظرف نفس آدمی است، ناشی می‌شود و امکان محدودی در رابطه با دستیابی به صفات کمالی و توانایی‌های ارزشی مثبت فراهم می‌کند. تضاد در میان صفات کمالی گاهی در حدی از شدت است که اجتماع دو صفت را کاملاً ناممکن می‌کند و گاهی با وجود امکان، به حد بالایی از ندرت و کاستی می‌رساند؛ تا آنجا که امکان اجتماع آن دو صفت، منحصر به افراد معدودی می‌شود که گاهی از انگشتان یک دست نیز کمترند.

نگاهی به زمینه‌های تربیتی، خانوادگی، محیطی و اجتماعی و پرورش مهذبانه امام(ره)، حکایت از هندسه و زاویه دیدی در ایشان دارد که همان نگاه ائمه معصوم(ع) به جهان و عالم خلقت اســـت. جامعیت علمـــی، عقلی، نقلی و توانمندی مدیریتی بی‌نظیر امام را کمتر فقیهی داشته است.

همه این دستاوردها در انقلاب و نظام اسلامی از حرکت تحولی امام(ره) ابتدا در خود و سپس در تربیت شاگردان مؤثر در گره‌گشایی از حیات دینی و اخروی مردم، تعمق در عمق جریان‌ها و افراد به ویژه در ساحت فعالیت سیاسی در چارچوب مکتبی برآمده از نگاه اسلامی، ایستادگی و پایمردی در برابر استبدادها و استعمارهایی که در فکر و تمنای اسارت انسان‌ها در هر کجای دنیا هستند، آمریکاستیزی به مثابه طاغوت عصر و زمانه، دارا بودن روح شجاعت فردی در عین حکمت و سیاست اجتماع بین، تلفیق زیبای مصلحت‌اندیشی عدالت‌گرانه با امنیت قوام‌بخش نظام اسلامی و صدها ویژگی دیگری نشئت می‌گرفت که قطره قطره در وجود ایشان جمع شد و دریای جامعیت امام خمینی را ســـاخت تا قیام و نهضتی بزرگ بیافریند در تداوم انقلاب ائمه(ع) و بسترسازی برای جاری کردن روح خدا در کالبد بی‌روح دنیای مادیت.

پرتو

اعلام خطر برای عزت!

□ **فرهاد مهـــدوی/** عزت همواره یکی از شاخصه‌های قدرت ایران بوده است و تاریخ ایران مملو از پیرایه‌های عزت‌خواهانه اســـت؛ این عزت‌طلبی حتی در داستان‌ها، حکایت‌ها و اشعار ادبا و حکما موج می‌زنـــد، به گونه‌ای که ابوالقاســـم فردوســـی، حافظ مرزهـــای ادبیات فارســـی در بحث عـــزت می‌گوید: «مـــرا مرگ بهتـــر از آن زندگی که سالار باشم کنم بندگی» اما هرچه زمان می‌گذرد کلیدواژه زیبای عزت در دوره حاکمان فاســـد و بی‌لیاقت قاجاریـــه و پهلوی‌هـــا رنگ و رونق خـــود را از دســـت می‌دهد و ضمن اینکه از مردم ایران تصویری نادرست منعکس می‌شود، سرزمین و حیثیت ملی نیز مورد تعرض قرار می‌گیرد.

عزت ایرانی بـــه گونه‌ای مورد تهدید قرار می‌گیرد که حضرت امام خمینی(ره) با انتشـــار اخبار مربوط به این مصوبه در چهارم آبان ۱۳۴۳ خورشـــیدی در حضور علما و مردم قم، به تصویب لایحه کاپیتولاسیون به شـــدت انتقاد می‌کنند. ایشان در سخنانی دخالت‌های غیرقانونی دولت آمریـــکا در ایران را محکوم کردند و فرمودند: «... عزت ما پایکوب شـــد، عظمت ایـــران از بین رفت، عظمت ارتش ایـــران را پایکـــوب کردند... آقا من اعلام خطـــر می‌کنم.» این روحیه حضرت امام(ره) که ۱۴ سال قبل از انقلاب اســـلامی در رفتار و گفتار ایشان سبب یک خروش ملی می‌شود، در تمام لحظات انقلاب در حال درخشش بوده است. زمانی که نیروهای انقلابی برای پیش‌برندگی انقـــلاب مکنت مالـــی و اقتصادی نداشتند و حتی پشتوانه بین‌المللی قدرت‌های بـــزرگ یا کشـــورهای اسلامی برای حمایت از سرمایه‌های انقلاب همراه و پشتیبان آنها نبود، حاضر نشدند در مذاکرات و پیام‌هایی کـــه به تهدید و تطمیع آمیخته بود وقعی نهاده و عزت انقلاب را بر میز مذاکره تقسیم کنند. تاریخ انقلاب اسلامی به روشنی گواه است که در تمام مراحل انقلاب برای رسیدن به اهداف، کوچک‌ترین حرکتی که عزت انقلاب را زیر سؤال ببرد در تدابیر و فرامین امامین انقلاب رخ نداده است و همین پرچم عزت‌خواهی انقلاب سبب شـــده است از خلوص انقلاب که حرکت در مســـیر تعالی انسان بوده است، کاسته نشود.

یکـــی از دســـتاوردهای دیگر عزت‌خواهی ملت ایران «ثبات قدم» و پایـــداری در رســـیدن بـــه هدف بوده اســـت؛ اگر به شعارهای اولیه و ارزش‌های انقلاب توجه شود این نکته نیز به خوبی استنباط می‌شود که ثبات قدم و ایســـتادگی در این مســـیر از ابتدای انقلاب تاکنون در موضوعـــات اصیل وجود داشـــته و هیچ‌گاه در مـــراودات و مصوبات و رویکردهـــای نظام اخلالی در آن به وجود نیامده است.

اکنـــون در دهه چهارم انقلاب اسلامی شـــاخصه عزت به گونه‌ای در جهان نمود داشـــته اســـت که دشمنان را به شکست و عقب‌نشینی از ایران و منطقه واداشته است. ایادی استکبار در تکاپو برای خاموش کردن چراغ پرفروغ آن به انواع حیله‌های بلندمـــدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت روی آورده‌اندتا قله‌های عزت‌آفرین مـــردم را در موضوعـــات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به گونه‌ای مورد تهدید قرار دهند که مردم را وادار به تغییراتی در نگرش به انقلاب کند؛ آنها این برنامه را دنبال می‌کنند که انقلاب را از درون از خمیرمایه‌های عزت‌آفریـــن از طریـــق نفوذی‌های خود تهی کنند. امـــام(ره) در دهه ۴۰ برای پایکوب شـــدن عزت ملت ایران و اســـلام اعلام خطر کردند و اکنون نیز همین راهبرد امام در حفظ بن‌مایه‌های عزت‌آفرین باید سرلوحه رفتار نیروهای انقلاب و مســـئولان باید قرار گیرد.

نگاه

تحفه آسمانی!

□ **علی قاسمی/** تحریم یکی از ابزارهای قوی در سیاست خارجی آمریکا است که این کشور از آن برای تغییر رفتار و حتی تغییر در حاکمیت کشورها استفاده می‌کند. تحریمی که نظام سلطه و با همراهی کشورهای همسو با آن علیه ایران انجام داده‌اند، به قدری گسترده است که به اذعان کارشناسان صاحب فن، رتبه اول تحریمی در کل جهان را ایران پس از پیروزی انقلاب اســـلامی کسب می‌کند. این روند رو به تزاید به قدری فراوان اســـت که تحریم و مفاهیم مرتبط با آن واژگانی آشنا هستند و به نوعی با اقتصاد ایران کاملاً عجین شده است.

هر چند تحریم‌ها یک ســـری اخلال‌هایی را در نظام اقتصادی کشـــور، ســـطح رفاه، میزان سرمایه‌گذاری و... ایجاد کرده است؛ اما آثار و برکات این تحریم‌های ناجوانمردانه با همه سختی‌ها و مرارت‌ها نقش سازنده‌ای در پیشبرد و خودکفایی کشور ایفا کرده است. در این فرآیند پیچیده، آنچه اهمیت دارد، نحوه مواجهه ما با تحریم‌های ظالمانه اســـت. بسیاری از سازمان‌ها و نهادها و برخی از مســـئولان با تحلیل درســـت از این وضعیت با ابتکار عمل و توجه به ظرفیت‌های اقتصادی و با روحیه جهادی و انقلابی توانســـتند با متانت و آرامش این فرآیند را به خوبی مدیریت کنند و به دستاوردهای خیره‌کننده‌ای در بعضی از ســـطوح که دشمن هم به ذهنش خطور نمی‌کرد، دست یابند و ســـدهای مستحکم را بشکنند. حال که بار دیگر با خروج آمریکا از برجام به نحوی تحریم‌ها در حال رجعت است، مدل الگویی امام راحل می‌تواند نقشه راه حرکت کشور و مسئولان باشد.

امام(ره) با آرامش و اطمینان قلبی که داشت با کمال خونسردی تحریم‌ها را تحفه آسمانی معرفی کردند. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرمایند: «شما امروز خودتان بحمدالله قدرت در دســـت دارید و خودتان تمام رشته‌ها را در دســـت دارید و با همه توطئه‌هایی که آنها کردند، همه را خود شماها خنثی کردید و همین تحریم اقتصادی برای شما یک تحفه آسمانی بود که فکرهای متفکـــران ما را به راه انداخت و بحمدالله رو به خودکفایی می‌روند.»(صحیفه امام، ج۱۶، ص۲۷۶)

امـــام راحل همچنین با ادبیاتی مشـــابه تحریم‌ها را تحفه الهی تحلیل می‌کنند و می‌فرمایند: «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناســـان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشـــش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید اســـت که کشور خودکفا شـــود و از دریوزگی از دشمن نجات یابد.»(صحیفه امام، ج۲۱، صفحه ۴۳۳) با این استناد دوگانه که از بیانات امام راحل صورت گرفت، می‌توان برداشـــت کرد رفتار شجاعانه ملت و مسئولان، ایستادگی ملت در برابر زیاده‌خواهی‌ها و نترسیدن از تشر دشمن سبب می‌شود که این تهدید به فرصت طلایی برای کشور تبدیل شود و استقلال و خودکفایی را برای کشـــور به ارمغان آورد. با این شرایط آنگاه تحریم‌ها مسرت‌بخش هم خواهد بود که امام خمینی(ره) رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی(اعلی‌الله مقامه الشـــریف) می‌فرمایند: «باعث مســـرت است که ملت مسلمان ایران با همه این تحریم‌ها و مشکلات مقابله کرد و به جای دست دراز کردن به سوی ســـایر کشورهای پیشرفته برای کمک، شروع به ساخت همه چیزهای مورد نیاز خود نمود.»

در پایان باید گفت، با توجه به تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب مبنی بر رجوع به منظومه فکری حضرت امام خمینی(ره) برای حفظ انقلاب، بدون تردید در وضعیت کنونی کشـــور، رجوع به فرامیـــن حضرت امام(ره) درباره نحوه برخورد با فشـــارهای دشـــمنان بسیار مفید اســـت و لازمه این کار باز نشـــر و عنایت‌های ویژه به راهبردهای امام در بین سطوح گوناگون جامعه با شیوه‌های متفاوت است.

افق

صبح صادق از منطق حفظ نظام در اندیشه امام خمینی(ره) رمز گشایی می‌کند

حفظ اسلام و خدمت به مردم

□ **دکتـــر یدالله جوانی/** در اندیشـــه حضرت امام خمینی(ره)، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. عبارت مصطلح نقل شـــده از آن عزیز سفر کـــرده مبنی بر اینکه؛ حفظ نظام از اوجب واجبات است؛ نشان می‌دهد که صیانت از جمهوری اسلامی در رتبـــه اول تکالیف دینی و شـــرعی قـــرار دارد. هرچنـــد برخی عبارت مذکـــور را یک عبارت اســـتنتاجی از بیانـــات امام(ره) دانســـته، بیان چنین جمله‌ای را از ناحیه حضرت امام رد می‌کنند، لکـــن گزاره‌های فراوانی در سخنان رهبر کبیر انقلاب اســـلامی وجود دارد کـــه از وجوب و اهمیـــت این وجـــوب در موضوع حفظ نظام حکایت دارد. ایشان در عبارتی می‌فرماینـــد: «حفظ نظام جمهوری اسلامی... از اهم واجبات عقلی و شـــرعی اســـت.»(صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۳) یا در عبارت دیگری می‌فرماینـــد: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شـــان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اســـلامی... از نماز اهمیتش بیشـــتر است، برای اینکه این حفظ اسلام است.»

عبارت‌هـــای مشـــابه در کلام حضرت روح‌الله فراوان است و همگی بر این نکته دلالت دارد که، مسلمانان به منزله یک تکلیف شرعی و عقلی، موظـــف به حفظ نظـــام جمهوری اسلامی هســـتند و این تکلیف، در رتبه اول قرار دارد. در این موضوع، پرسش اصلی این است که این نوع نگاه در اندیشـــه حضرت امام(ره)، دارای چه منطق و مبنایی اســـت؟ پاســـخ را می‌توان با تأمل در برخی از عبارت‌های ایشان به دست آورد. برای نمونه ایشان می‌فرمایند، حفظ جمهوری اسلامی از نماز اهمیتش بیشـــتر است، برای اینکه این حفظ اسلام اســـت. در واقع حضرت امام بر حفظ اسلام تمرکز داشته، حفظ اســـلام را در عصر حاضر، از طریق حفـــظ نظـــام جمهوری اســـلامی میســـر می‌دانند. واقعیت آن است که با انقلاب اســـلامی، اســـلام ناب محمـــدی(ص) حیاتی دوباره یافت و چهره واقعی دین اســـلام به مثابه دیـــن حیات‌بخش و عدالت‌گســـتر آشکار شد. تا پیش از انقلاب اسلامی، اسلام مطرح در میان مسلمانان، در واقع همان اسلام آمریکایی بی‌خطر برای طاغوت‌های زمان و سلطه‌گران از یـــک ســـو، و بی‌خاصیـــت برای محرومان، مظلومان و مســـتضعفان جهان از ســـوی دیگر بود. با انقلاب اسلامی بود که اسلام ناب به عنوان یک دین کامل، جامع، رهایی‌بخش، تعالی‌بخش، مقابله‌کننده با ظالمان و ستمگران، حمایت‌کننده از مظلومان و مســـتضعفان، جان دوباره‌ای پیدا کرد و بر اســـاس همین اسلام ناب، در ایـــران نظام سیاســـی با عنوان جمهوری اسلامی اســـتقرار یافت. بدیهی است که قدرت‌های شیطانی چنین اســـلامی را تحمل نخواهند کرد و برای نابودی و خارج کردنش از صحنه برنامه‌ریزی می‌کنند. خارج کردن اســـلام ناب از صحنه، با نابود کردن و ســـاقط کـــردن جمهوری اسلامی میســـر است. با این منطق حفظ جمهوری اسلامی، یک تکلیف عقلی و شرعی تلقی شده، زیرا حفظ جمهوری اســـلامی، در واقع حفظ اســـلام اســـت. رهبر کبیر انقلاب اســـلامی بر مبنـــای همین منطق می‌فرمایند:

«امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هســـتیم و آنها در خـــارج و داخل دارنـــد طرح‌ریزی می‌کننـــد؛ برای

تجربه چهل‌سال گذشته، نشـــان می‌دهد که در عصر جمهوری اسلامی، هر جا بر اســـاس آموزه‌های اسلامی و انقلابی کـــه جوهره نظام را تشـــکیل می‌دهد عمل شده اســـت، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشمگیری به دست آمده است

اینکه این انقلاب را بشـــکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند و این یک تکلیف الهی است برای همه که اهمّ تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی، حفظ جمهوری اســـلامی از حفظ یک نفر- ولو امام عصر باشد- اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام، همه انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، بـــرای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند.»

در عبارتـــی دیگر حضرت امام (ره)، رابطـــه حفظ اســـلام با حفظ جمهوری اسلامی مستقر در ایران را به عنوان یک رابطه حقیقی معنادار، چنین بیان می‌دارند:

«اگر خدای نخواســـته، خدای نخواسته اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الان یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر اســـت.»(همان، ج۱۷، ص ۳۸۳).

از نظـــر حضـــرت امـــام(ره)، دشـــمنان با اصل و اســـاس اسلام مخالف هستند. حفظ اسلام، اکنون در گرو حفظ جمهوری اسلامی است. بنابراین اگر کســـی بخواهد از اسلام دفـــاع کند باید از نظـــام جمهوری اســـلامی که پرچمدار واقعی اسلام ناب محمدی(ص) است، دفاع کرده و تهدیدات ناشی از توطئه‌های دشمنان را خنثی کند. نکتـــه‌ای که در این میان قابل توجه است، وجود پاره‌ای از مشکلات، فسادها، تبعیض‌ها، فقر و محرومیت‌ها در لایه‌هایی از جامعه در عصر جمهوری اسلامی است.

عده‌ای با برجسته‌ســـازی این مشکلات، به دنبال القای این مطلب هستند که چگونه حفظ این وضعیت و شرایط و نظامی که این شرایط را پدید آورده است، یک تکلیف دینی تلقی می‌شود؟ در پاسخ باید گفت، پدیدآیی این اشکالات در سال‌های اخیر، نتیجه عمل کردن به اســـلام و آموزه‌هـــای انقلابی نیســـت. این مشکلات ریشـــه در عملکرد برخی از مسئولان یا دســـتگاه‌هایی دارد که اسلامی و انقلابی عمل نکردند. آرمان انقلاب اسلامی که برگرفته از آموزه‌های دینی و اسلام ناب است، تمدن‌سازی اســـلامی و رسیدن به حیـــات طیبه اســـت. بنابراین باید با حفظ نظام اســـلامی، تلاش کرد تا بـــر مبنای آموزه‌های اســـلامی، فســـاد، تبعیض، بی‌عدالتـــی، فقر، محرومیـــت و هر منکـــر دیگری را ریشه‌کن کرد، و راه رشد و تعالی و گسترش عدالت در تمامی حوزه‌ها را هموار ســـاخت. تجربه چهل‌سال گذشته، نشان می‌دهد که در عصر جمهوری اسلامی، هر جا بر اساس آموزه‌هـــای اســـلامی و انقلابی که جوهره نظام را تشکیل می‌دهد عمل شده است، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشمگیری به دســـت آمده است. همان‌طور که با نظام اسلامی ملت ایران به قدرت اول منطقه دســـت یافته، در علوم و فنون جدید پیشرفت کرده، ســـطح زندگی‌اش از جهات مختلف بهبـــود یافته و اکنون ملت ایران از اســـتقلال سیاســـی کامل برخوردار است و سرنوشت خود را، خودش در چهارچوب مردم‌سالاری دینی تعیین می‌کند، به یقین با حفظ همین نظام، ملت تمامی مشکلات و نارسایی‌های موجود را می‌تواند رفع کند. دشـــمنان با نابودی یا تضعیف این نظام، به دنبال بازگرداندن سلطه خود بر ایران و پایان دادن به استقلال و عزت ایرانیان هستند.

مقتدر در برابر دشمن

امام خمینی(ره) فرمودند: من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما باشند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ همان‌گونه که بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی انقلاب را به پیروزی رسانیدیم و همان‌گونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی، متجاوزان را شکست دادیم. ما به یاری خدا، با اتکای به خدا تنها خواهیم پیمود.(صحیفه امام، ج۲۰، ص۳۲۵)

نگاه

نگاه امام(ره) به تقویت قدرت ملی

□ **مصطفی قربانی**/ از دیدگاه امام خمینی(ره) قدرت به معنای توانایی تحقق اهداف، جایگاه ویژه‌ای دارد. به نظر ایشان، «قدرت ملی» لازمه حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و تحقق اهداف و آرمان‌های والای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است. از این رو، ایشان قدرتی را مطلوب می‌دانند که درون‌زا و متکی به ظرفیت‌های داخلی کشور باشد. به عبارت دیگر، از دیدگاه ایشان، اگر قرار است قدرت ملی افزایش یابد و کارویژه‌های آن به نحو مطلوب حاصل شود، این قدرت باید به درون متکی باشد. تأکیدهای فراوان ایشان مبنی بر پیش بردن کشور با حفظ وحدت کلمه و بدون وابستگی به شرق و غرب، گویای این حقیقت است. بر اساس این، سؤال این است که ایشان برای تقویت قدرت ملی بر چه گزاره‌ها و مواردی تأکید دارند؟ مهم‌ترین گزاره‌های مورد تأکید امام خمینی(ره) برای تقویت قدرت ملی عبارتند از:

۱ـ تأکید بر توجه به امور زیربنایی و اساسی و پرهیز از حواشی: این مهم به خوبی در سیره امام(ره) مشاهده می‌شود. افزون بر این، ایشان پرداختن به تشریفات و حواشی را مانع از پیشبرد امور و مضر به تقویت قدرت ملی می‌دانستند. فراتر از این، امام(ره) ایجاد تحول اساسی در زمینه‌های گوناگون و نه صرفاً پرداختن به امور ظاهری و صوری را لازمه تقویت قدرت ملی می‌دانستند.

۲ـ تأکید بر خودکفایی، به ویژه در حوزه کشاورزی: امام(ره) بر لزوم دستیابی به خودکفایی، به ویژه در حوزه کشاورزی تأکید فراوانی داشتند و آن را لازمه استقلال و آزادی حقیقی ملت می‌دانستند. امام(ره) در این باره فرمودند: «اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید.» ایشان در این زمینه تأکید داشتند که «امر کشاورزی در حکومت ما از اولویت خاصی برخوردار است.»

۳ـ جلوگیری و مبارزه با فساد: مبارزه با فساد از مباحث مهم در مدیریت و شایسته‌سالاری دولتی است. از این رو، فساد به منزله عاملی که کارآیی نظام را مختل می‌کند باید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد و ضروری است برای ریشه‌کنی و مبارزه با آن چاره‌اندیشی کنند. حضرت امام نیز به این مسئله توجه داشته و در راستای مبارزه با فساد کارکنان دولت و افزایش کارآمدی، شرط گزینش و انتصاب مسئولان را تقوا دانسته و از این رهگذر بر ریشه‌کنی فساد در بین مسئولان تأکید داشتند.

۴ـ وظایف متقابل دولت و ملت و مشارکت مردم در اداره کشور: اولین نکته در این زمینه این است که امام(ره)، با نوعی تفکر سیستمی، در پیشبرد امور مملکت برای هر یک از اقشار، دستگاه‌ها و نهادها نقشی قائل بودند. به بیان دیگر، امام(ره) به وظایف متقابل دولت و ملت اعتقاد داشتند و بر آن تأکید می‌کردند؛ همچنین برای هر یک از اقشار و گروه‌های جامعه در قبال پیشبرد امور مملکت نقشی قائل بودند. در وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان این موارد به خوبی و به روشنی بیان شده است: «به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروت‌های عادلانه خود را به کار بیندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.» یا اینکه به وارد کردن مردم در اداره امور تأکید دارند و بی‌توجهی به این مهم را بیماری مهلک می‌دانند. در واقع، حضرت امام(ره) می‌خواستند با تقویت حس خودباوری در جامعه، مردم را به سوی کسب هویت مستقل سوق دهند و آنها را به مشارکت عملی در کارها تشویق کنند.

توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، استفاده از افراد متخصص، توجه ویژه به طبقات محروم جامعه، پرهیز از مصرف‌گرایی، اصلاح ساختار اداری و... از دیگر نکات و گزاره‌های مورد تأیید امام(ره) برای تقویت قدرت ملی است.

روزنه

استحکام ساخت درونی از دیدگاه امامین انقلاب

□ **دکتر محسن محمدی‌الموتی***/ استحکام‌بخشی به ساخت درونی قدرت، به مثابه موضوعی حیاتی و بنیادین در راستای تداوم پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران در وضعیت تحریم و تهدیدهای استکبار جهانی همواره از سوی حضرت امام خمینی(ه) و امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مورد توجه و تأکید بوده است. اگرچه ممکن است در بیانات حضرت امام(ره) به طور مستقیم به موضوع استحکام‌بخشی به ساخت قدرت اشاره نشده باشد، اما اتکا به داخل، عزت ملی و استقلال در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی ـ دفاعی که جوهره اصلی مفهوم استحکام ساخت درونی قدرت را تشکیل می‌دهد، همواره در کلام و مواضع ایشان ظهور و بروز داشته است. برای نمونه ایشان در یکی از سخنرانی‌های مهم خود با اشاره به این موضوع که اگر ملت خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و به غیر خود چشمداشت نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را خواهد داشت، شرط تحقق این مهم را اتکال به خداوند تعالی، اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از سلطه اجانب معرفی می‌کنند.(صحیفه امام، ج۲۱، ص۴۱۷) و در فراز دیگری می‌فرمایند، مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم باید تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم.(همان، ج۱۷، ص۲۴۴).

بر این اساس، گفتمان راهبردی امام خامنه‌ای در زمینه استحکام ساخت درونی قدرت نیز برگرفته از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های امام خمینی(ره) بوده که با توجه به تحولات و پیچیدگی‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در فضای نخبگانی و فکری جامعه، منشأ توجه و اثر شده و اقدام در راستای آن می‌تواند در سامان بخشیدن به ساحت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی در کشور مؤثر باشد.

ایشان استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت نظام را «راه‌حل اصلی مشکلات کشور»، «لازمه موفقیت دیپلماسی»، «عامل افزایش اقتدار بین‌المللی نظام»، «بزرگ‌ترین بازدارنده»، «لازمه الهام‌بخشی برای دیگر ملت‌ها» معرفی کرده و درجه اهمیت اقدام برای استحکام ساخت درونی قدرت را تا آنجا دانسته‌اند که فرمودند: «آنچه برای نظام جمهوری اسلامی حائز اهمّیّت است، استحکام ساخت درونیِ نظام جمهوری اسلامی است، استحکام درونی ملّت ایران است؛ همان چیزی که از روز اوّل تا امروز توانسته است این کشور را حفظ کند...»(بیانات در جمع دانشجویان دانشکده افسری امام علی(ع)، ۱۳ مهر ۱۳۹۲) به این ترتیب، مفهوم ساخت درونی قدرت عمدتاً به طراحی و استقرار مؤلفه‌هایی معطوف است که به تقویت، ثبات و مانایی قدرت ملی از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی منجر می‌شود. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ساخت درونی قدرت، یعنی اینکه اجزا و عناصر نظام به گونه‌ای همبسته، مقوم و هم‌افزا باشند که کشور بتواند روی پای خود بایستد و عزت و سرافرازی خود را بدون وابستگی به دیگران حفظ کند و توسعه دهد. افزون برآن، ساخت درونی، چارچوبی را شامل می‌شود که ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نهفته در آن، چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملکرد، از مبانی انقلاب و علل حدوث انقلاب اسلامی برگرفته شده که باید به عنوان علل بقای نظام سیاسی و بالندگی هر چه بیشتر آن نقش ایفا کند.

بنابراین اگر پرداختن به موضوع استحکام‌بخشی به ساخت درونی قدرت برای هر نظام سیاسی دارای اهمیت باشد، این موضوع در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران از اهمیت مضاعفی برخوردار است و با توجه به شدت تهدیدات و فشارها، میزان پایداری و مقاومت افزون‌تری را می‌طلبد. به همین دلیل تأکید بر تقویت ساخت و هویت حقیقی انقلاب و همچنین بهره‌برداری از ظرفیت‌های بی‌شمار درون‌زای داخلی و به عبارتی، چشم دوختن به داخل برای حل معضلات و چالش‌های پیش روی نظام اسلامی از نگاه حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب از چنان اهمیتی برخوردار است که این بزرگواران همواره بر آن اصرار داشته و راه‌حل اصلی برون‌رفت کشور از مشکلات و چالش‌های فرارو را استحکام ساخت درونی قدرت نظام می‌دانند.

***استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی**

تبیین ابعاد نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره) در گفت‌وگوی اختصاصی صبح صادق با نماینده ولی‌فقیه در سپاه

دین بی‌سیاست دین نیست

□ **مهدی سعیدی ـ علیرضا جلالیان**/ **در آستانه سالروز رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، بر آن شدیم مبانی حکومت اسلامی و ولایت فقیه را از دیدگاه امام خمینی(ره) بازخوانی کنیم. بر این اساس فرصتی فراهم شد تا با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب در این باره هم‌کلام شویم. با توجه به اینکه ایشان مطالعات گسترده و عمیقی در باب ولایت فقیه و حکومت اسلامی داشته‌اند و در این حوزه تألیفات و مقالاتی هم ارائه داده‌اند. دکتر حاجی‌صادقی معتقد است در نظام ولایی، مردم سالار و صاحبان اصلی حکومت هستند و اصولاً حکومت دینی برای مردم شکل گرفته است و در واقع حاکمان خادمان مردم هستند. در ادامه برای تبیین ابعاد نظریه ولایت فقیه و اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ه) توجه شما را به متن این گفت‌وگو جلب می‌کنیم.**

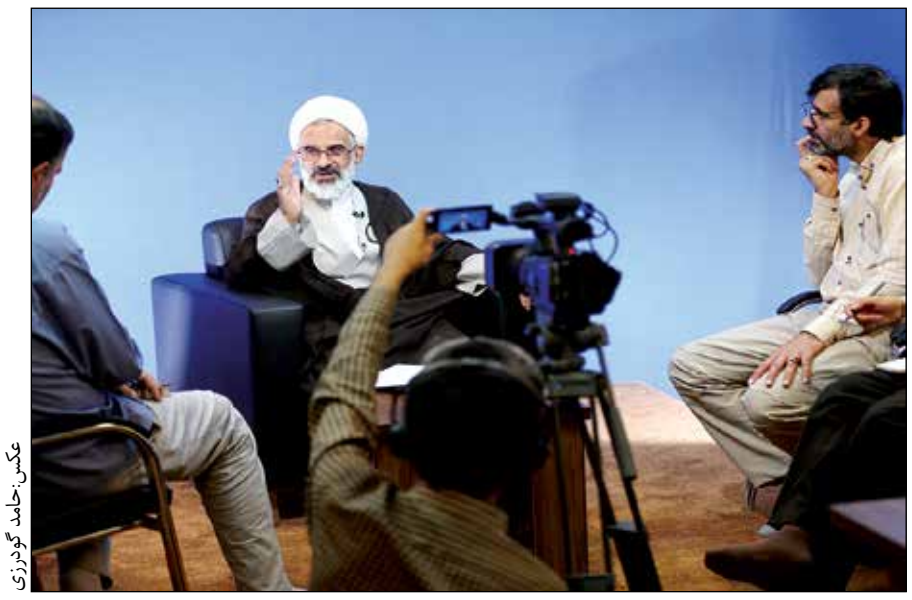

عکس: حامد گودرزی

***مبتنی بر نگاه سیاسی حضرت امام(ره) چه نسبتی میان اسلام و سیاست وجود دارد؟**

حضرت امام(ره) حق حیات به گردن ما دارند؛ چرا که قرآن به ما می‌گوید اسلام زنده‌کننده مردم است و امام این اسلام ناب را زنده کردند و در واقع مردم را زنده کردند. گرامیداشت امام(ره) گرامیداشت یک شخصیت و فرد نیست؛ بلکه گرامیداشت حقیقت و ارزش‌ها است و لذا رحلت ایشان را باید به معنای واقعی تسلیت گفت و از خدا می‌خواهیم درجات ایشان را متعالی‌تر کند.

این مرد بزرگ اولین و بزرگ‌ترین کار مهمی که انجام داد این بود که تلقی از دینداری را معنا کرد؛ چرا که دینداری به یک سلسله عبادت‌های فردی و عبادی محدود شده بود که امام آمد ثابت کرد فلسفه وجودی دین هدایت است، دین آمده انسان را از مبدأ خاکی به مقصد الهی ببرد و در این مسیر برای همه صحنه‌های زندگی به ویژه برای سیاست برنامه دارد، چرا؟ چون امام(ره) معتقد است نسبت مباحث اجتماعی، سیاسی قرآن به احکام فردی و عبادی از نسبت صد به یک هم بیشتر است. چرا؟ چون سیاست و حکومت در اینکه انسان و کاروان انسانی به آن مقصد برسد بیشتر اثر دارد. نماز اثر دارد، اما اثر ولایت بیشتر است و لذا اسلام بر مباحثی چون ولایت و سیاست و از این قبیل بیش از دیگر مباحث تأکید می‌کند. امام(ره) ثابت کرد سیاست جزئی از هدایت کلی دین است و این تفسیر را بیان کرد که دین بی‌سیاست دین نیست، چون در هدایت با مشکل مواجه می‌شود. دینی که در عرصه جامعه حضور نداشته باشد، دین نیست و اگر دین می‌خواهد انسان را در مسیر هدایت و تعالی قرار دهد، مرکز آن حرکت در حاکمیت است؛ لذا امام در اقدامی بزرگ، جامعیت دین را چه در ابعاد سیاسی، چه اقتصادی و چه مدیریتی احیا کرد.

***در نسبت مردم با حاکمیت سؤالی که مطرح می‌شود این است که قیم قرار دادن برای مردم می‌تواند توهین به آنها باشد، در مسئله ولایت چه پاسخی به این شبهه داده می‌شود؟**

در نظام اسلامی مردم آمده‌اند برنامه و سبک زندگی که خدا نسخه کرده را با عقل و فرزانگی پذیرفته‌اند و بر این مبنا مسلمان و مؤمن شده‌اند. حال برنامه خدا را چه کسی برای این مردم بیان و اجرا کند؟ ولی امر. چه امام معصوم(ع) و چه ولی‌فقیه جای مردم نیستند که چون مردم نمی‌فهمند او تصمیم بگیرد. او قائم‌مقام خدا است که حکم خدا را ـ که مردم با عقل خود قبول کرده‌اند و با آن به سعادت می‌رسند و هیچ برنامه دیگری که شایستگی این به مقصد رساندن را ندارد ـ بیان و اجرا می‌کند. این عین عقلانیت است و تبعیت از ولایت تبعیت از توحید است، این مسیر فرمانبری خداست. تجلی‌بخش توحید ولی‌اللهی است. ولایت تجلی توحید ربوبی و اعمال‌کننده حاکمیت انحصاری خداست؛ لذا نه برعکس، اگر خدا چنین کاری نکرده بود به بشر ظلم شده بود و بشر طلبکار بود. آیا اینکه پزشک به بیماری که به او مراجعه می‌کند و حق ویزیت پرداخت می‌کند، دستور و نسخه می‌دهد او را تحقیر کرده است؟! خیر تکریم است. ما در حاکمیت دینی هم متخصص می‌خواهیم. ما از بین همه حاکمیت‌ها و رهبری‌ها پذیرفتیم ولی ما خدا باشد، این ورود به ایمان است و خدا این حاکمیتش را از طریق ولی اعمال می‌کند.

ولایت بزرگ‌ترین نعمتی است که خدا به بشر داده است. ولایت الهی فقط ارائه طریق نمی‌کند، فقط راه نشان نمی‌دهد، راهبری و «ایصال الی المطلوب» می‌کند؛ لذا ولایت را به کشتی تشبیه کرده‌اند که هم مسیر را نشان می‌دهد و هم انسان را به مقصد می‌رساند.

***انسان امروز مایل است که فارغ از این قید و بندها باشد و می‌گوید این دینی که در قالب شریعت بر همه چیز من سیطره دارد فضا را تنگ کرده، آیا نمی‌شود به جای این قرائت حداکثری از دین به یک قرائت حداقلی و تنها در حد ضروریات بسنده کرد؟**

اگر دین حداکثری نبود به انسان ظلم می‌شد. مثال بزنم. اگر مراجعه به پزشک و متخصص در یک رشته‌ای بکنم و او احساس کند که باید برای من چهار دارو و چند پرهیز غذایی تجویز کند و اگر دو تا را تجویز کرد ظلم کرده یا نه؟ به خدا مراجعه کرده‌ایم که هر آنچه ما را به سعادت می‌رساند بگوید و اگر برای‌مان کم گذاشت ما را تحقیر و ظلم کرده است.

اما آیا ورود به خود دین اجباری است؟! نه. شما آزاد هستید در هر جایی وارد بشوید. اما وقتی وارد شدید باید ضوابط را رعایت کنید؛ یعنی کسی که وارد می‌شود با اختیار خود ضوابط را پذیرفته، دین هم همین‌طور است. خدا می‌گوید می‌خواهی بیا، می‌خواهی نیا، ما راه را مشخص کرده‌ایم. اما وقتی آمدی التزام به شئ التزام به لوازمش را هم همراه دارد. پس اصل دوم اختیار انسان در پذیرش است.

نکته سوم؛ آیا این تکالیف دست و پا گیر هستند. اساس اشکال این است که نگاه ما به دستورهای خدا محدودکننده است یا آزادکننده. یکی از موضوعات مهمی که باید بررسی شود، این است که تکالیف خدا در زندگی انسان چه نقشی دارد؟ اگر خدا می‌گوید نماز بخوان و در گرمای طولانی روزه بگیر، خدا دنبال چیست؟ گرسنگی و خم و راست شدن من برای خدا چه فایده دارد؟ تمام اینها را خدا جواب داده، اینها همه برای تغذیه جان انسان است. انسان جسم دارد که تغذیه و آزادی می‌خواهد و یک روح دارد که حقیقت انسان و وجود انسان به آن است و آن هم تغذیه و بالا رفتن می‌خواهد؛ لذا نماز ابزار بالارفتن است، انجام فریضه نماز برای تقرب الهی است. این تکالیف ادای حق انسان است. انسان، با ایمان آوردن، حق به هدایت بر خدا پیدا می‌کند.

امیرالمؤمنین علی(ع) بالاترین عزت را «عبد خدا بودن» دانسته‌اند. آزادی، عبد خدا بودن است، چرا؟ چون انسان حتماً و اجباراً عبد کسی هست و مهم این است که عبد چه کسی است. آیا عبد خدای خالق رازق است یا کس دیگر. در آیت الکرسی هم به این نکته اشاره شده است. خدا ولی یگانه است برای مؤمنان و طاغوت‌ها ولی متکثر هستند برای کافران. نکته دیگر اینکه چه کسی گفته دین «منطقه‌الفراغ» ندارد؟ خداوند یک سلسله واجباتی را تعیین کرده و مابقی امر را به عهده خود انسان گذاشته است. بیشتر صحنه‌های زندگی انسان «منطقه‌الفراغ» دارد. یک جا این سلب شده و آن زمانی است که آزار دیگران باشد و آزادی دیگران را سلب کند. این هم عین عدالت است. آنجا که به خودم برگردد حتی گناه کردن اگر در خفا باشد، کسی با او کار ندارد، اما اگر حرمت دیگران را نگه نداشت چه؟ تعبیر و عمل قرآن در برابر فاسد و مفسد متفاوت است. فاسد را دعوت می‌کند به راه راست و اما با مفسد برخورد قهری دارد. مفسد کسی است که مثلاً تبر برداشته و دارد کشتی‌ای را که همه با هم در آن هستند سوراخ می‌کند.

***آیا می‌توان انتظار داشت که اسلام الگوی واحدی برای حکومت اسلامی در همه اعصار داشته باشد؟ آیا این نگاه با پویایی اسلام قابل جمع است یا آنکه حکومت اسلامی را در تطبیق با مقتضیات زمان دچار بن‌بست خواهد کرد؟**

معجزه بزرگ اسلام این است که چون قانون و برنامه‌ای است که آفریدگار برای انسان داده است، همه انسان‌ها را در همه زمان‌ها با همه تفاوت‌ها تحت پوشش قرار داده است؛ اما چطور؟ اسلام یک سلسله احکام ثابت دارد و یک سلسله احکام متغیر. ثابت‌ها احکامی هستند که با فطرت انسان پیوند دارند و انسان‌ها هرچه هم عوض شوند، اینها تغییر نمی‌کند. نیازهای انسان چه در دوران شجر و حجر و چه در عصر ارتباطات در این حوزه مشترک است؛ اما یک‌سری از احکام هستند که متناسب با زمان است و اصلاً یکی از موارد فلسفه وجودی ولایت همین است. چرا

دینی که در عرصه جامعه حضور نداشته باشد، دین نیست و اگر دین می‌خواهد انسان را در مسیر هدایت و تعالی قرار دهد، مرکز آن حرکت در حاکمیت است

اسلام کنار قرآن، ولایت را می‌گذارد؟ چون قرآن قانون اساسی است و این قانون اساسی برای اینکه به آیین‌نامه و دستورالعمل و بخش‌نامه تبدیل شود به کارشناس نیاز دارد، پس به صورت کلی پاسخ این است که اسلام ثابتات و متغیرات در زمان دارد.

درباره حکومت، اسلام برای همه زمان‌ها می‌تواند مدل واحد حکومتی ارائه دهد. برای مدینه ۳۰ هزار نفری، برای حکومت علی(ع) بر چند استان و برای زمان ظهور و همه جهان. معجزه اسلام این است که برای همه زمان‌ها قابل اجرا شدن است و در همه زمان‌ها هم انعطاف لازم را دارد که این مدل از حکومت نظام ولایی نام دارد.

نظام ولایی یعنی تجلی یافتن ولایت خدا به وسیله کسی که خدا وی را منصوب کرده است. حالا امام معصوم یا ولی‌فقیه که زیر مجموعه را او تعیین می‌کند؛ یعنی ساختار و سازمان را ولی بر اساس زمان تعیین می‌کند. آنچه اهمیت دارد، کلیت نظام ولایی است و جمهوری اسلامی، زیرمجموعه نظام ولایی معنا پیدا می‌کند؛ یعنی تجلی یافتن حاکمیت الهی به وسیله قائم مقام با واسطه و بی‌واسطه خدا.

در واقع وقتی امام معصوم هست، او قائم‌مقام خداست و حاکمیت خدا را پیاده می‌کند. حاکمیت امام زمان(عج) حاکمیت یک شخص نیست و ما تحت اراده یک آدم در نیامده‌ایم، بلکه ما تحت اراده خدا درآمده‌ایم که امام زمان(عج) این اراده را بیان و اجرا می‌کند. درباره ولی‌فقیه هم همین‌طور است؛ اما فرق ولی‌فقیه با امام معصوم این است که امام معصوم قائم‌مقام بی‌واسطه است و ولی‌فقیه قائم‌مقام با واسطه. کار اینها این است که حکم الله را به منظور خدمت به انسان و تعالی آن بیان و اجرا کنند.

این نظام ولایی هم همیشه بوده است. خود پیغمبر اسلام(ص)، امامان(ع)، اهل بیت(ع) و بعد در دوران غیبت ولی فقیه. لذا در این دوران تعیین ساختار و جزئیات به تشخیص ولی‌فقیه است. برای نمونه، وقتی قانون اساسی نوشته شد، تا امام(ره) امضا نکردند مشروع نبود و ما جمهوری اسلامی را نمی‌شناختیم. نظام ولایی هم تمرکز دارد و هم تفکیک قوا، هم مبتنی بر مبانی است و هم مبتنی بر نیازها و هم حقیقت و هم واقعیت را در دل خود دارد. جهت‌گیری‌اش هم به نفع مردم است. حاکمیت، حاکمیت قائم‌مقام خداست، اما جهت‌گیری برای مردم است.

***با این اوصاف بفرمایید در نظام ولایی جایگاه مردم چه می‌شود و مردم‌سالاری در نظام ولایی چه ظهور و بروز عینی دارد؟**

مردم‌سالاری دینی در نظام ولایی را پیش از این در مقاله‌ای توضیح داده‌ام. اینکه بگوییم خدا یا مردم، این دروغ است. این لغزش است که اگر حکومت خدایی شد، پس مردمی نیست. چه کسی این را گفته است؟ قرآن می‌گوید خدا با مردم. تئوکراسی یا دموکراسی نداریم.

چرا خدا وقتی می‌خواهد ولایت حضرت علی(ع) را در یک آیه صریح بگوید، بنا به مصلحت اسمش را نمی‌آورد؛ اما ویژگی‌هایی که می‌خواهد بیاورد می‌گوید، از جمله اینکه علی در نماز به سائل انگشتر می‌دهد. ایشان هزاران خصوصیت و عمل بزرگ داشت، چرا خداوند این ویژگی را مطرح کرد؟! خداوند می‌خواهد بگوید رهبر و سکاندار جامعه دینی باید کسی باشد که در اوج خلوت با خدا و نماز هم از خلق خدا غافل نشود.

حالا می‌گویند حضرت علی(ع) حواسش کجا بود؟ چطور زمانی که جراح می‌خواهد تیر از پایش در بیاورد، می‌گویند علی در نماز حس نمی‌کند؟! در پاسخ باید گفت، علی در نماز خود را نمی‌بیند و خدا را می‌بیند، از این رو نمی‌تواند خلق خدا را نبیند. انفاق علی در رکوع در این بود که انگشتر را دست خدا گذاشت؛ چرا که خدا و مردم دو طرف جدا نیستند. بهترین راه تقرب به خدا، خدمت به مردم است.

حاکمیت الهی است، اما مردم‌سالار هستند. قانون را خدا داده، رهبر را خدا داده، برای تأمین خوشبختی چه کسی؟! مردم! در این الگو خدا منفعت نمی‌برد و همه چیز در جهت منفعت مردم است. خدا نسخه می‌دهد و رهبر را منصوب می‌کند؛ اما می‌گوید تو نوکر مردمی و باید به مردم خدمت کنی. پس ببینید جهت‌گیری حکومت و مردم‌سالاری این است که حکومت برای مردم و به منظور تأمین منافع و مصالح مردم است.

نکته سوم نقش مردم در شکل‌گیری و تحقق حکومت دینی است. خدا می‌گوید من قانون را می‌دهم، رهبر را می‌دهم، اما اگر مردم نخواهند حکومت اصلاً شکل نمی‌گیرد. مردم یگانه نقش را در تحقق و پذیرش دارند. خدا اصلاً اراده نکرده که حکومت دینی با قدرت و اراده خودش تحقق پیدا کند؛ خدا ولی خود را هیچ کجا با زور خودش ولی مردم نکرده است. هیچ جای تاریخ نداریم. ماجرای غدیر و سقیفه نمونه عینی آن است. حکومت دو رکن دارد؛ یکی مشروعیت و حقانیت و دیگری مقبولیت. مقبولیت دست مردم است و بدون پذیرش مردم حکومت شکل نمی‌گیرد.

مردم نقش عملی هم دارند. در قرآن گفته شده است، ولی الهی و دستور اداره را او فرستاده تا مردم قسط و عدالت را برپا کنند. اینها مقدمه است، اما تا مردم قیام نکنند، به عدالت و قسط نمی‌رسند.

در نظام الهی مردم از دو جهت نقش دارند. یکی اینکه صاحب حکومتند و دوم اینکه اعتباربخش به حکومت هستند. متفکران اومانیسم گفتند انسان به جای خدا، اما قرآن می‌گوید، انسان با خدا انسان می‌شود.

وجه تمایز امام(ره) با همه علمای زمان ایشان این بود که خیلی‌ها هم مانند امام(ره) ولایت فقیه را قبول داشتند و دنبالش بودند، اما امام کاری کردند که کسی نتوانست. علت اولش به دلیل مردم زمان بود. امام می‌گویند این مردم از مردم همه زمان‌های دیگر بهتر بودند و علت دومش این بود که امام به این مردم ایمان داشتند. با مشروعیتی که خدا داد و مقبولیتی که مردم ایجاد کردند، جلو آمدند. امام(ره) اول نهضت خدمت یکی از مراجع نجف رسیدند و گفتند پرچم نهضت را به دست بگیرید. ایشان گفتند مردم آمادگی ندارند، همراهی نمی‌کنند و چند بحث دیگر و بعد خود امام با ایمانی که به مردم داشتند آمدند و موفق شدند. امام(ره) معتقد بودند خدا مردم را سالار کرده و به مردم حق حاکمیت داده و اگر مردم نخواهند، حکومت با همه مشروعیتش از بین می‌رود.

***مصلحت در فرآیند تصمیم‌گیری نظام اسلامی چه جایگاهی دارد؟**

مصلحت اولویت‌بندی است. سلیقه‌ای نیست و کارشناسی است. برای نمونه، یک نفر دچار دو بیماری هم‌زمان است، لذا پزشک متخصص پس از بررسی مصلحت‌اندیشی می‌کند که اول کدام بیماری را درمان کند و دارویی که برای بیماری اول می‌دهد، برای بیماری دوم مضر نباشد. این مصلحت است. در احکام دینی یک جاهایی احکام اولیه مشکل را حل نمی‌کند، گاهی قوانین عادی بن‌بست‌ها را باز نمی‌کند و باید احکامی باشند تا این بن‌بست‌ها را باز کنند. مصلحت سلیقه‌ای نیست و مبتنی بر یک سلسله استنادات و مبانی و اولویت‌بندی‌هایی است که خود در سراسر زندگی داریم.

حال در نظام اسلامی مبانی مصلحت چیست؟ منافع مردم است. مهم فهم درست این مصلحت است. مانند ماجرای حضرت خضر و حضرت موسی(ع). ما ولی‌فقیه را فرد برتری که اراده‌اش فوق اراده دیگران است، نمی‌دانیم، بلکه ولی‌فقیه را کارشناس حکم الله می‌دانیم؛ او بیان‌کننده و اجراکننده حکم الله است.

پرتو

با یک عصا...

□ **محمد صرفی**/ بی‌اعتمادی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به غرب و در رأس آنها آمریکا در منظومه فکری و سیره عملی امام از چنان جایگاهی برخوردار است که حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی سه سال پیش خود در حرم مطهر ایشان این موضوع را یکی از محورهای اصلی تفکر امام(ره) برشمردند. ایشان در تشریح یکی از محورهای هفت‌گانه تفکر امام خمینی(ره) تحت عنوان «اعتماد به وعده الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی»، فرمودند: «اعتماد به قدرت پروردگار موجب می‌شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد، چون اتکا به خدا داشت. نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید و عصبانی می‌شوند، می‌دانست؛ اما به قدرت الهی و نصرت الهی باور داشت.»

ریشه این بی‌اعتمادی به استکبار را می‌توان در اولین سند مبارزاتی امام خمینی(ره) جست‌وجو کرد. ایشان در نامه‌ای خطاب به ملت ایران در ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۲۳ که به نامه «قیام‌لله» مشهور شد، مردم را به خروش علیه ظلم و جور استکبار و استعمار فرامی‌خوانند و سخن خود را با این جملات آغاز می‌کنند: «قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام «صَعْق» و «صَحْو» کشاند. قیام برای خداست که خاتم‌النبیین ـ صلی‌الله علیه و آله ـ را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بت‌ها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام «قابَ قوسَیْن أو أدنی» رساند.» این جملات چند پیام کلیدی و قاطع در دل خود دارد؛ اول آنکه، این قیام برای خداست و قیامی که برای خدا باشد را نمی‌تواند با وعده و وعیدهای استکبار، به انحراف کشاند. دوم آنکه، جهت پیکان این قیام علیه فرعونیان است و آن کسی که علیه فرعونیان قیام می‌کند، نمی‌تواند به آنها اعتماد کند و نکته آخر سرانجام این قیام است که اگر برای خدا باشد بی‌شک پیروزی در پی دارد و تاج و تخت فرعونیان را بر باد می‌دهد.

وقتی آقاروح‌الله خمینی این نامه را می‌نوشت، هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که حکومت پهلوی چند دهه بعد به دست این روحانی که پرچم استکبارستیزی را یک تنه بلند کرده، سرنگون شود. بی‌اعتمادی به آمریکا در سیره مبارزاتی امام خمینی(ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و در ایام منتهی به ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ این خصیصه تبلور بیشتری نیز یافت.

در آن ایام غربی‌ها به سرکردگی آمریکا با امام خمینی(ره) در نوفل لوشاتو ارتباط گرفته و سعی کردند انقلاب اسلامی را منحرف، یا حداقل مهار کنند. اصرار بر راضی کردن امام برای کنار آمدن با نظام پادشاهی و عبور از انقلاب و ترساندن از کودتای ارتش از جمله محورهای این تلاش‌ها بود. اما پاسخ آن حکیم دوراندیش به این دام‌گذاری‌ها، دقیق، قاطع و روشنگرانه بود و خواسته‌های بحق ملت بزرگ ایران را مطرح می‌کرد.

اگر چه عوامل متعددی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند، اما بی‌شک یکی از آنها بی‌اعتمادی مطلق حضرت امام خمینی(ره) به غرب و در رأس آنها آمریکا بود. آن مرد بزرگ در دوران مبارزه به آمریکا اعتماد نکرد. ایشان با چشم خود نتیجه اعتماد امثال مصدق به آنها را دیده بود. پس از پیروزی انقلاب نیز در سخت‌ترین شرایط و در اوج تهدیدها و عربده‌کشی‌ها، مرعوب قدرت استکباری آمریکا نشد و امروز الزام ایرانیان به بی‌اعتمادی مطلق به شیطان بزرگ، میراث حضرت امام(ره) است که توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا علیه ایران را یکی پس از دیگری به ورطه شکست می‌کشاند و شاهد آن هستیم که با گذشت سه دهه از فقدان این شخصیت تاریخی، آمریکا نمی‌تواند عقده و خشم خود را نسبت به او پنهان کند. مهار و نابودی «خمینیسم» رؤیای چهل ساله کاخ سفید است.

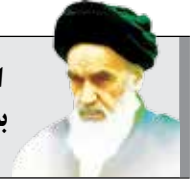

اتکا به درون

امام خمینی(ره) فرمودند: ما باید ایران را به کشوری مستقل از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کنیم که از اتّکا به آمریکا و شوروی و انگلیس، این قدرت‌های سیری‌ناپذیر جهانی، رها شود. ما باید هویت اصیل خود را به دنیا اعلام کنیم. متأسفانه بعضی از روشنفکران نمی‌توانند از وابستگی به شرق و غرب رها شوند. امیدواریم این افراد جدا شده از ملت، در سایهٔ تحول فرهنگی اسلامی موجود، آگاه شوند و اصالت خود را بازیابند.

پرتو

خودکفایی

□ **محمد نوری/** رهبر معظم انقلاب در یک دهه گذشته (دهه پیشرفت و عدالت) عنایت خاصی به نامگذاری اقتصادی سال‌ها داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از ده سالِ دهه پیشرفت و عدالت، ۹ سال با عناوین اقتصادی نامگذاری شده‌اند. در ادامه آن رویکرد، سال ۹۷ از سوی معظم‌له به نام «حمایت از کالای ایرانی» مزین شده است تا گامی در راستای حمایت از اقتصاد ملی و رشد و شکوفایی اقتصاد کشور برداشته شود البته موضوع حمایت از تولید داخلی و کالای ایرانی و اجتناب از وابستگی اقتصادی به خارج بحثی نیست که رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر مطرح کرده باشند؛ بلکه معمار کبیر انقلاب اسلامی بر ضرورت حمایت از کار و تولید ایرانی تأکید کردند؛ چراکه یکی از راهبردهای اصلی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی از ابتدای پیروزی آن، ضربه زدن به این نظام از طریق ایجاد وابستگی اقتصادی و مادی بوده است.

حضرت امام خمینی(ره) خطر مرعوب شدن ملت‌ها در مقابل دیگر جوامع را مانعی برای استقلال اقتصادی ذکر کرده و ضرورت اعتمادبه‌نفس و باور به پیشرفت را خاطر نشان می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «ما تا بنای بر این [را] نگذاریم که خودمان هم یک آدمی هستیم، برای خودمان می‌توانیم کار کنیم، ما به آن نان جوی که خودمان درست کنیم، تا بنای بر این نگذاریم که همان نان جو را می‌خوریم و از خارج نمی‌خواهیم، نمی‌توانیم درست کنیم کار خودمان را. تا بنای بر این نگذاریم که همان منسوجاتی که خودمان درست می‌کنیم، کافی‌مان هست، منسوجات ما ترقی نمی‌کند و ما باز تابع غیر باید بشویم و دست‌مان پیش غیر دراز بشود.» (صحیفه امام، ج۱۱، ص ۲۲۲)

امام راحل با این بیان، خودباوری و تأکید بر توانمندی‌های تولید داخلی را به مثابه راه‌حلی منطقی برای دستیابی به هدف سیاست جایگزینی واردات متعارف می‌دانند و با بیانی ساده، تولید مکفی داخلی و تأکید بر مصرف آن را راهی برای دستیابی به استقلال اقتصادی معرفی می‌کنند.

در دیدگاه حضرت امام(ره)، تکیه بر استعدادهای داخلی برای خودکفایی در اقتصاد اعم از بخش کشاورزی و صنعت، از ضروریات استقلال اقتصادی (که لازمه استقلال سیاسی و فرهنگی است) است. بنیانگذار جمهوری اسلامی چه پیش و به ویژه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بر آن پای می‌فشارند و در این مسیر خودباوری ملت ایران و جوانان آن و روحیه عزت‌طلبانه و شرافتمندانه آنان را به کمک می‌طلبند. برای ملتی که درس آزادگی را در مکتب حسین‌بن‌علی(ع) آموخته، شایسته نیست برای مایحتاج خویش با وجود شرایط طبیعی بسیار مناسب کشور، به ویژه در بخش کشاورزی و دیگر بخش‌ها، دست نیاز به سوی دشمنان خویش بگشاید.

در بخشی از وصیت‌نامه سیاسی- الهی حضرت امام(ره) درباره استفاده از کالای داخلی و پرهیز از کالای خارجی و غیرایرانی، چنین آمده است: «بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.»

شاه بیت تأکید حضرت امام(ره) در حمایت از کالای ایرانی و تولید داخل، قناعت به تولیدات داخلی و مصرف کالای ساخت داخل است که بنیان مقاوم‌سازی اقتصاد بر آن استوار است؛ به گونه‌ای که بارها خلف صالح ایشان، رهبر معظم انقلاب بر این موضوع در بیانات‌شان با مردم و مسئولان تأکید داشته و خواستار اقدام و عمل مناسب در این زمینه شده‌اند.

حجت‌الاسلام دکتر سیدحمید روحانی در گفت‌وگو با صبح‌صادق

سازش‌ناپذیری مشی مشترک امام(ره) و رهبری است

□ **مجتبی برزگر/ «نزدیک به سه دهه از رحلت جانسوز حضرت امام خمینی(ره) می‌گذرد، اما میراث ماندگار حضرت امام(ره)، تا ابد خواهد درخشید و برای حق‌طلبان نجات‌بخش خواهد بود. مکتب حضرت امام(ره) و خطوط اصلی فکری ایشان، به منزله نقشه راه انقلاب اسلامی، می‌تواند نیروهای متفرق در مسیرهای گوناگون را، در مسیری واحد به حرکت درآورد. برای تحقق این امر یکی از بهترین راهبردها برای جلوگیری از تحریف یک مکتب، بازخوانی مستمر و دقیق خطوط اصلی، اصول و مبانی آن مکتب است.» این جملات بخشی از صحبت‌های حجت‌الاسلام دکتر سیدحمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی ایران است که هفته‌نامه صبح صادق در آستانه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) گفت‌وگویی با وی داشته است. در ادامه مشروح این گفت‌وگوی کوتاه را می‌خوانید.**

*** شجاعت امام(ره) و ایستادگی ایشان را در برابر تهدیدها و تحریم‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

امام(ره) فرزند قرآن و تربیت شده مکتب قرآن بودند و هر آنچه داشتند از قرآن و این مکتب الهی بود. آیه شریفه «الا بذکر الله تطمئن القلوب» مصداق بارز بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی است؛ چرا که امام(ره) به علت ارتباط عمیقی که با خداوند متعال داشتند و از دریای لایزال الهی برخوردار بودند، هرگز در مقابل کسانی که به ظاهر قدرتمند و ابرقدرت بودند، کرنش نکردند. امام(ره) اصلاً توجهی به این هیاهوهای جهانی و بین‌المللی نداشتند و اینها را قدرت نمی‌دیدند. اینکه امام(ره) می‌فرمودند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، این جمله در حد یک شعار نبود؛ زیرا همه در صحنه عمل هم بارها دیدند که امام(ره)، آمریکا و دیگر جهانخواران و زورمداران را قدرت نمی‌دیدند. اینکه امام در مقابل شاه آن طور فریاد می‌زد که ای بدبخت، بیچاره، چهل‌وپنج سال از عمرت می‌گذرد...! به این دلیل بود که شاه را قدرت نمی‌دید. این شجاعت و شهامت امام(ره) ریشه در قرآن و در ارتباط عمیق ایشان با پروردگار داشت که ایشان را فارغ از هر تزلزلی مصون داشته بود. امام(ره) به شدت در برابر قدرت‌های مادی ایستادگی می‌کردند، کوچک‌ترین تزلزلی نداشتند و هرگز در برابر آنها سازش نمی‌کردند؛ چراکه از قرآن و مکتب اصیل الهی الهام گرفته بودند و به صراحت ارتباط با زورمداران و ستمگران را رد می‌کردند.

*** امروز برخی جریان‌ها با تحریف امام(ره) درصدد ترسیم چهره‌ای از امام(ره) هستند که به نوعی ایستادگی ایشان در برابر دشمنان به ویژه آمریکا را زیر سؤال ببرند، لطفاً در این باره توضیح دهید.**

کسانی که راه‌شان از راه خدا جداست، انسان‌های مادی، جهانخواران، جاه‌طلبان و آنهایی که شهوت مقام کر و کورشان کرده، به شدت با اساس اسلام و آیین الهی

امروز خطر آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی ایران اسلامی را تهدید نمی‌کند؛ خطرناک آنهایی هستند که در درون نظام به اسم امام(ره) و به نام انقلاب و اصالت اسلام سعی می‌کنند سیاست سازشکارانه را در جامعه استواری ببخشند

سر ناسازگاری دارند. لذا می‌بینیم هر شخصیت الهی و مرد خدا در جهت پیشبرد حق و عدالت حرکت کند اینها سعی می‌کنند، کارشکنی کنند. از روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، دو خط آشکار در مقابل هم ایستادند و این جریان به اوج خودش رسید. خط مقاومت برگرفته از قرآن و مکتب عاشورایان است و هرگونه سازش، تسلیم‌طلبی و بده بستان با ظالمان و ستمکاران را نهی می‌کند. پیامبر اکرم(ص) به طور صریح فرمودند؛ کسی که با ظالم همکاری کند، یا در مقابل ظالم ساکت بنشیند در ظلم او شریک است. بنابراین امام خط مقاومت و خط سازش‌ناپذیری را به ملت ارزانی داشتند و ملت هم در مقابل فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها و آن همه جنایت ایستادند، در مقابل کسانی که به دنبال قدرت، مقام و شهرت هستند و امروز برایشان جز قدرت، مقام و منصب چیزی مطرح نیست، با تمام قوا تلاش می‌کنند خط امام(ره) را زیر سؤال ببرند و راه سازش و مذاکره را تقویت کنند؛ بزرگ‌ترین خطری است که آرمان‌های انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند. امروز خطر آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، ایران اسلامی را تهدید نمی‌کند، اینها ناشی‌تر از آن چیزی هستند که به نظر ما خطرناک باشند. خطرناک آنهایی هستند که در درون نظام به اسم امام(ره) و به نام انقلاب و اصالت اسلام سعی می‌کنند سیاست سازشکارانه را در جامعه ما استواری ببخشند و خط امام(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی را کم‌رنگ کنند و خط سازش و تسلیم‌طلبی را رواج بدهند.

*** چه ویژگی‌هایی در رهبر معظم انقلاب وجود دارد که شما را به یاد امام راحل می‌اندازد؟**

اولین ویژگی رهبر معظم انقلاب که بسیار امیدبخش و الهام‌بخش است اینکه راه مقاومت و خط مقاومت را با قوت دنبال می‌کنند و نسبت به انحراف از آن هشدار می‌دهند و در مقابل‌سازشکاران ملت را آگاهی می‌بخشند که راه مقاومت با راه استقامت را دنبال کنند. اینکه رهبر معظم انقلاب همانند امام(ره) در مقابل ابرقدرت‌ها با شجاعت و شهامت و با همه قدرت ایستاده‌اند و آنها را اصلاً قدرت نمی‌بینند؛ یعنی اهداف امام(ره) را دنبال می‌کنند و به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند سازشکاران و عاشقان یقه‌چاک آمریکا به آرمان‌های اسلام و انقلاب ضربه بزنند. این مقاومت و شجاعت رهبر معظم انقلاب و این آگاهی و هوشیاری و بصیرت معظم‌له اجازه نمی‌دهد خط سازش بر خط مقاومت چیره شود و این موضوع اتفاق بسیار ارزشمندی است. ساده‌زیستی، خلوص و مردمی بودن رهبر فرزانه انقلاب، مبارزه ایشان با سرمایه‌داری، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی جزء ویژگی‌های بارز الگوسازی حقیقی اسلام در میان جامعه و بشریت است. این شعارهایی که ایشان مطرح کردند و رهنمودهایی که درباره کالاهای ایرانی دادند در برابر کسانی است که می‌خواهند این خط را زیر سؤال ببرند. رهبر معظم انقلاب در برابر همه این توطئه‌ها ایستاده‌اند و راه امام(ره) و انقلاب را دنبال می‌کنند.

نگاه

عدالت در نگاه بنیانگذار

□ **عزیز غضنفری/** تحلیل محتوای بیانات و مکتوباتی که از حضرت امام(رحمه‌الله‌علیه) به یادگار مانده نشان می‌دهد که موضوع عدالت در گفتمان و مکتب سیاسی امام جایگاه ممتاز و تعیین‌کننده‌ای دارد. تعریف و تفسیر امام از عدالت برخلاف تفاسیر تقلیل‌گرایانه برخی‌ها از عدالت، وسیع، فراگیر و همه‌جانبه است. از دیدگاه امام خمینی(ره) عدالت و قسط تمامی ابعاد وجود فرد و جامعه را در برمی‌گیرد. در بعد فردی عدالت انسان را از افراط و تفریط دور می‌کند و از ظلم به نفس باز می‌دارد و در مسیر حق و حقیقت قرار می‌دهد.

از دیدگاه ایشان عدل و قسط در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مفهوم خاص، دقیق و همه‌جانبه‌ای دارد و تمام شئون حیات فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. تفسیر همه‌جانبه‌نگر امام از عدالت پاسخ به کسانی است که این روزها با سطحی‌نگری و بخشی‌نگری با این موضوع برخورد می‌کنند و همه درک و دریافت آنها از عدالت، صرفاً عدالت قضایی است.

از منظر حضرت امام(ره) اولین گام و بستر تحقق عدالت اجتماعی، تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت سیاسی در جامعه است. به عبارتی، ایشان تحقق عدالت را در بستر حکومت اسلامی که در رأس آن پیامبر، امام یا نائب آن قرار گرفته باشد، شدنی می‌دانند: «رسول خدایی که سال‌های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه عدالت ایجاد بشود.»(صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱)

منطق این فرمایش امام(ره) روشن است؛ چرا که تحقق هر ایده‌ای از جمله عدالت اجتماعی در هر مکتبی، به برنامه و سازوکار نیاز دارد. در مکتب سیاسی ایشان، راهکار لازم برای تحقق عدالت اجتماعی، تحقق نظام‌سازی مبتنی بر ولایت فقیه، اجرای دقیق احکام اسلام و پایبندی واقعی به آن است. اگر حکومت اسلامی و ولایت فقیه استقرار یابد و در پی آن قوانین اسلام عملی شود، حاصل آن، عدالت اجتماعی است. به همین دلیل امام(ره) بر اهمیت و ضرورت حفظ انقلاب تحت هر شرایطی تأکید می‌کردند.

اما نکته اساسی و بنیادین در اندیشه ایشان که توجه به آن نیازمند تأمل دقیق است و از بسیاری مسئله‌ها گره‌گشایی می‌کند، این است که عدالت اجتماعی در مکتب حضرت امام، نه یک هدف غایی و نهایی، بلکه هدفی متوسط است. به این معنا که در مکاتب غیر الهی اعم از لیبرالیسم و سوسیالیسم، به دلیل نگاه صرفاً مادی به انسان، هدف غایی و نهایی از همه برنامه‌ها از جمله تأمین عدالت اجتماعی، سر و سامان دادن به زندگی این جهانی و بعد حیوانی انسان است و آنان به کمال معنوی انسان و بعد ماوراءالطبیعه او که در واقع هویت اصلی او را تشکیل می‌دهد، توجهی ندارند. درحالی که در مکتب حضرت امام(ره)، تمامی این امور، هدفی متوسط برای رسیدن انسان به کمال مطلوب معنوی او است؛ رسیدن به حدی که خدامحوری در همه حالات زندگی‌اش موج بزند. حضرت امام در این باره می‌فرمایند: «انبیا نیامده‌اند حکومت درست کنند، حکومت را می‌خواهند چه کنند؟ این هم هست، اما نه این است که انبیا آمده‌اند که دنیا را اداره کنند، حیوانات هم دنیا دارند، کار خودشان را اداره می‌کنند. البته بسط عدالت همان بسط صفت حق تعالی است برای اشخاصی که چشم دارند. بسط عدالت هم می‌دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنهاست، حکومت هم تأسیس می‌کنند، حکومتی که حکومت عادله باشد، لکن مقصد این نیست، اینها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن انبیا آمده‌اند.» (نبوت از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱)

افق

چرایی دشمنی آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی(ره)

پایان یک هژمونی

□ **احمد امامی/** از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی آشکار شد و این کشور در طول چهار دهه گذشته، با هدف مهار انقلاب اسلامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، به شیوه‌های گوناگون، به رویارویی با ایران پرداخت. واکاوی سیاست‌های آمریکا نشان می‌دهد این کشور هیچ‌گاه هدف اصلی خود را کنار نگذاشته است و تنها، ناکامی در هدف اصلی، سبب شد تا به اهداف و راهبردهای میانی و حداقلی تغییر موضع دهد. چرایی دشمنی آمریکا با ایران، سؤالی است که بررسی آن می‌تواند تلاش‌های نافرجام و خواب‌های بی‌تعبیر شیطان بزرگ را بیشتر قابل فهم کند. در بررسی این موضوع، از میان روایت‌های گوناگون، چرایی این دشمنی را از دیدگاه معمار کبیر انقلاب اسلامی مرور می‌کنیم.

۱ـ از نگاه امام خمینی(ره)، یکی از مهم‌ترین دلایل دشمنی آمریکا با ایران، هویت انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن است. این هویت با «اسلام ناب محمدی(ص)» پیوند خورده است. امام معتقد بود که در «نهاد و سرشت آمریکا، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی(ص) موج می‌زند»(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵) «چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به پاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد.»(همان، ج ۱۹، ص ۲۸) حضرت امام(ره) در ماجرای سلمان رشدی و مواضع غرب، خطاب به «آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدیدنظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است»، می‌فرمایند؛ این یک نمونه است که خدا می‌خواست استکبار چهره واقعی خود را در دشمنی با اسلام نشان دهد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و «با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست؛ بلکه تعمد جهانخواران به نابودی اسلام و مسلمین است.»(همان، ج ۲۱، ص ۲۹۱) و «به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند.»(همان، ج ۲۱، ص ۹۰)

۲ـ «استکبارستیزی» یکی از محورهای گفتمان انقلاب اسلامی و یکی از شاخصه‌های مکتب امام خمینی(ره) و از اصول نظام جمهوری اسلامی ایران است. در گفتمان انقلاب و امام که ملهم از مبانی قرآنی و آموزه‌های دینی است، آمریکا، «شیطان بزرگ» و محور نظام سلطه است و ماهیت این نظام، استکباری است و تعارض و دشمنی آمریکای مستکبر با نظام جمهوری اسلامی ایران، ذاتی و همیشگی است. دشمنی و خشم آمریکا علیه ایران از آنجا بیشتر قابل درک است که حضرت امام به مسئله «صدور انقلاب» و «انتقال فرهنگ مبارزه» اصرار داشتند و این اتفاق نیز رخ داد. حضرت امام نه تنها از؛ «صدور انقلاب به تمام جهان» و «انتقال نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران بدون کوچک‌ترین چشمداشتی به مبارزان راه حق» سخن می‌گفتند،(همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ج ۲۰، ص ۱۱۸) بلکه تأکید داشتند: «جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.»(همان، ج ۲۱، ص ۹۲) امام(ره) ماهیت منازعه میان استکبار و جمهوری اسلامی ایران را «عقیدتی» می‌دانستن د و برای آن

امام خمینی(ره): امروز آمریکا و شوروی و فرانسه و سایر قدرت‌ها از اسلام احساس خطر کردند که اگر جمهوری اسلامی پا بگیرد و باقی بماند، جای پایی از آنها باقی نخواهد ماند و می‌ترسند که از همه منطقه دست‌شان کوتاه شود

جغرافیا و مرز قائل نبودند و تأکید داشتند: «باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.»(همان، ج ۲۱، ص ۸۷)

۳ـ جمهوری اسلامی ایران، با سقوط رژیم دست‌نشانده پهلوی و اخراج آمریکا از ایران، حاکمیت خود را در منطقه راهبردی غرب آسیا و در کانون انرژی نفت و گاز جهان تثبیت کرد. با نگاه امام(ره) نیز باید گفت؛ چرا آمریکا عصبانی نباشد و دشمنی نکند؟ «استقلال»، «آزادی» و استقرار «جمهوری اسلامی» در ایران، موهبت‌های الهی هستند که ملت بزرگ ایران در سایه انقلاب شکوهمند اسلامی به آنها دست یافت، این ملت و نظام مردم‌سالار آنها، «مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمد» و با «سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستم شاه»، «شیشه حیات آمریکا را در این کشور شکسته است» و برای «قطع تمام وابستگی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بیرحم» ادامه داد و پیروز شد.(همان ج ۱۲، ص ۳۲ و ج ۲۱، ص ۹۴ و متن وصیت‌نامه) در جریان جنگ تحمیلی، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زد و ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکست.(همان، ج ۲۱ ص ۹۴)

۴ـ تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای مسلمانان جهان و مردم مظلوم و ستمدیده، دلیل دیگر این دشمنی است. از نگاه امام، «امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند.»(همان، ج ۲۱، ص ۹۱) با تحلیل بیانات امام باید گفت که؛ نظام مردم‌سالاری دینی در ایران «از ابتدا با شعار «نه شرقی و نه غربی» برای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بر پا خاست و پیروز شد»(همان، ج ۱۵، ص ۲۴۰) و به عنوان مدلی جدید از حکومت و «راه سوم» از میان رژیم‌های سیاسی رایج بشری در جهان معرفی شد و این نظام جدید، مبانی و کارکردهای آنها را به چالش کشید و الگوی جدیدی از حکومت برای همه آزادگانی شد که به دنبال استقلال و قطع سلطه قدرت‌های مستکبر از ملت و کشورشان هستند.

۵ـ عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران و گسترش دامنه نفوذ معنوی و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی یکی دیگر از نگرانی‌های جدی غرب و دلیل دشمنی آمریکا با ایران است. بر اساس اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی، «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» از سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران است که ملهم از آموزه‌های دین اسلام و شعارها و آرمان‌های انقلابی ملت ایران است و ایران به آن پایبند بوده است. موج بیداری اسلامی که در سال‌های اخیر به راه افتاد، نتیجه همان تأثیر گفتمانی انقلاب و سیاست‌های اصولی نظام بود. با این حال، حوادث اخیر در منطقه غرب آسیا و به ویژه در صحنه عراق و سوریه سبب شد مقامات آمریکایی به‌طور آشکار به یکی از دلایل دشمنی خود اذعان کنند. تحولات میدانی سوریه و عراق و پیروزی‌های جبهه مقاومت چنان خیره‌کننده و گیج‌کننده بود که مقامات آمریکا و هم‌پیمانانش چاره‌ای جز اعتراف به نفوذ انقلاب و اقتدار نظام جمهوری اسلامی نداشتند و این پیروزی‌ها در حالی به دست آمد که آمریکا در هر دو کشور حضور نظامی فعال دارد و در این جنگ نیابتی از تروریست‌های تکفیری بی‌دریغ حمایت می‌کند. این دلیل دشمنی آمریکا با ایران را حضرت امام بیان کردند و فرمودند: «امروز آمریکا و شوروی و فرانسه و سایر قدرت‌ها از اسلام احساس خطر کردند که اگر جمهوری اسلامی پا بگیرد و باقی بماند، جای پایی از آنها باقی نخواهد ماند و می‌ترسند که از همه منطقه دست‌شان کوتاه شود.»(همان، ج ۱۸، ص ۱۳۱)

روزنه

تسخیر دل‌ها با سیره ساده‌زیستی

□ **زهرا چیذری/** یکی از عوامل مهمی که موجب نارضایتی مردم از نظام طاغوت و همراهی آنان با حضرت امام خمینی(ره) شد، سبک زندگی تجملی و خلق و خوی اشرافی‌گری در شاه و اطرافیان وی بود. اما امام خمینی(ره) در شرایطی که مردم با احساس تبعیض و لمس بی‌عدالتی درگیر بودند، پیام‌آور عدالت شدند و مردم را به سوی اسلام ناب محمدی فراخواندند. پیام حضرت امام (ره) نه در گفتار، بلکه در رفتار و سیره ایشان جاری بود؛ به همین دلیل بر دل مردم نشست و موجب شد تا معمار کبیر انقلاب یکه و تنها و با دست خالی در برابر قدرت دست‌نشانده‌ای که حمایت اربابان آمریکایی‌اش را داشت، به پیروزی برسد. پای صحبت‌های هر روایتگری که بنشینید، برای‌تان از ساده‌زیستی و سبک زندگی به دور از اشرافی‌گری امام(ره) می‌گوید؛ اما تا زمانی که حسینیه جماران را از نزدیک نبینید و هوایی را که روزگاری امام امت در آن نفس می‌کشیده، استشمام نکنید، صحبت از سبک زندگی امام خمینی(ره) نمی‌تواند مصداق حقیقی و مرز ساده‌زیستی ایشان را در ذهن شما تجسم کند. روایت‌های کسانی که امام را از نزدیک می‌شناختند و با ایشان مراوده داشتند، بیان‌کننده زندگی ساده و بی‌پیرایه‌ای است که حضرت امام(ره) در تمام سال‌های زندگی خود در نجف اشرف و همچنین سال‌های تبعید به آن پایبند بودند.

حضرت امام(ره) که خودشان آینه تمام‌نمای سبک زندگی اسلامی بودند، بر ساده‌زیستی و پرهیز از خوی اشرافی‌گری به ویژه در بین مسئولان و دولتمردان نظام تأکید ویژه داشتند و خطاب به آنها می‌فرمودند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.» (صحیفه امام، ج۱۷، ص ۳۷۶ و ۳۷۷)

معمار کبیر انقلاب با اشرافی که بر آسیب‌های تجمل‌گرایی و نمایش ثروت در جامعه داشتند، می‌دانستند ارزش شدن ثروت موجب بروز و ظهور شکاف‌های طبقاتی می‌شود و همین شکاف‌های طبقاتی سرآغاز ظهور آسیب‌های اجتماعی نوپدید در جامعه است؛ به ویژه اگر رفتارهای مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی هم تأییدکننده رفتارهای تجملاتی باشد؛ چرا که مردم از مسئولان و گروه‌های مرجع اجتماعی الگوبرداری می‌کنند و از آنان تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل هم هست که کارگزاران حکومت اسلامی باید ساده‌زیست باشند. برای نمونه، می‌توان به توجه ویژه حضرت امیر(ع) به موضوع ساده‌زیستی اشاره کرد؛ چرا که ایشان وقتی از حضور حاکم بصره بر سر سفره‌ای تجملاتی با خبر شدند، وی را توبیخ کردند. حضرت امام خمینی(ره) نیز با تأسی از جد بزرگوارشان، هم خود الگوی ساده‌زیستی را انتخاب کرده بودند و هم خطاب به مسئولان نظام تأکید می‌کردند که «باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچک‌ترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند.»(همان، ج۶، ص ۲۶۶)

امام همواره بر نقش مستضعفان و پابرهنگان در به ثمر رسیدن انقلاب تأکید داشتند و انقلاب اسلامی ایران را متعلق به این گروه می‌دانستند؛ به همین دلیل هم تأکید می‌کردند: «خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) سازگار نیست.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱)

طبق اسلام بر اساس استقلال

امام خمینی(ره) فرمودند: با همه دولت‌ها باید رابطه داشته باشیم و این روابط باید هر روز محکم‌تر بشود. اینکه با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم؛ یعنی رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت. ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را پیش ببریم. باید به آنها بفهمانید این معنا را، که ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم است و نه زیر بار ظلم می‌رود.

نگاه

امام خمینی(ره) در بیان و بنان امام خامنه‌ای

□ **حمزه عالمی/** اندیشه، سیره و شخصیت امام خمینی(ره) نزد رهبر معظم انقلاب، به مثابه پشتوانه و منبع فکری انقلاب و جمهوری اسلامی است. از این رو، ایشان همواره به شرح و تفسیر مکتب امام خمینی(ره) توجه داشته و از دستاوردهای فکری امام(ره) برای حل مسائل پیش رو استفاده می‌کنند و همواره در صف اول مقابله با جریان‌هایی بودند که قصد عبور از تفکر امام را داشته اند و تلاش می‌کردند تفکر امام را مربوط به گذشته بدانند چنانچه ایشان می‌گویند: انقلاب عظیم اسلامی ما به دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می‌کند که گستره آن حتّی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع‌تر است. مکتب سیاسی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه آنهاست؛ لذا کهنه نمی‌شود. کسانی که سعی می‌کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاشِ خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.(۱۳۸۳/۳/۱۴)

نظر به گستره پردامنه این بحث، در اینجا نکاتی اجمالی درباره مکتب امام خمینی(ره) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب ذکر می‌شود:

۱ـ مقدمه ضروری در طرح مکتب امام از سوی رهبر معظم انقلاب، بیان صریح و درست این مکتب از سوی نخبگان فکری و سیاسی است. به‌گفته رهبر معظم انقلاب، مواضع حضرت امام(ره)، «بایستی به طور روشن و واضح‌ـ همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت تبیین شود.» نکته مهم از دیدگاه رهبری این است که نباید برای خوشامد دیگران و اینکه مخالفان امام هم جذب مکتب ایشان شوند، بخشی از این مکتب را مطرح کرد و بخشی دیگر را کنار گذاشت؛ چرا که طرح ناقص اندیشه و مکتب امام، یعنی پنهان کردن، پوشیده نگه داشتن یا کم‌رنگ کردن آن بخش از مواضع ایشان به‌صورت سلیقه‌ای، به معنای سلب هویت از امام(ره) است؛ در حالی که «هویت و شخصیت امام به همین مواضعی است که خود او با صریح‌ترین بیان‌ها، روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد.» (۱۳۸۹/۳/۱۴)

در اینجا مسئله مهم رهبری، شناخت و صیانت از این مکتب و جلوگیری از تفاسیر انحرافی است. نکته مهم اینکه از نظر رهبر معظم انقلاب، مبانی اندیشه امام(ره) به صورت روشن «در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام و به‌خصوص در وصیت‌نامه امام‌ـ که کوتاه شده همه آن مواضع است‌ـ منعکس است.» (۱۳۸۹/۳/۱۴)، بنابراین مقابله با تلاش‌هایی که برای تحریف مکتب امام صورت می‌گیرد، چندان دشوار نیست.

۲ـ دغدغه رهبر معظم انقلاب درباره بیان صریح و درست مکتب امام راحل، از این رو است که به اعتقاد ایشان، مکتب امام «یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند» و در دوران پیش از رحلت ایشان، جمهوری اسلامی هر کجا موفقیّتی داشته است، به سبب عمل کردن به آموزه‌های این مکتب بوده است. (۱۳۹۰/۳/۱۴) به عبارت دیگر مکتب، امام خمینی(ره) نزد رهبر معظم انقلاب، شاخصی برای جلوگیری از انحراف در جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی است. از نظر رهبر حکیم انقلاب فقدان شاخص در هر انقلابی، سبب می‌شود اهداف و جهت‌گیری‌های اصلی آن انقلاب بعد از مدتی فراموش یا تحریف شوند، اما انقلاب اسلامی ایران به پشتوانه مکتب امام خمینی، از قطب‌نما و شاخصی برخوردار است که در صورت درک صحیح آن می‌تواند به اهداف واقعی خود در انقلاب اسلامی دست یابد.

۳ـ رهبر معظم انقلاب در جهت معرفی صحیح مکتب امام خمینی(ره)، خود پیشگام بوده و در همه سخنرانی‌هایی که در سالروز رحلت امام راحل دارند، به ابعاد گوناگونی از مکتب و اندیشه امام خمینی(ره) اشاره کرده‌اند. روش ایشان در معرفی مکتب امام، بیان ابعاد، مبانی و شاکله اصلی اندیشه ایشان است. معظم‌له مکتب امام(ره) را دارای دو بعد اصلی می‌دانند که از دل اسلام بیرون آمده‌اند. این دو بعد شامل معنویت و عقلانیت می‌شود. به اعتقاد ایشان عدالت نیز برآمده از این دو بُعد است. رهبر معظم انقلاب «اخلاص امام و انجام کار برای خدا»، «توکل، اعتماد و حسن ظن ایشان به خدا» و «استفاده از فرصت‌ها برای تقرّب به خدا»، «رعایت اخلاق اسلامی» را مظاهر معنویت امام راحل می‌دانند و «گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور»، «سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم»، «تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت»، «تدوین قانون اساسی» و «تفهیم مردم به اینکه صاحبان اصلی کشور هستند» را مظاهر و نمودهای عقلانیت امام راحل بر می‌شمارند. معظم‌له همچنین «تکیه بر ضعفا و پابرهنگان»، «انتخاب مسئولان از میان مردم و عدم ملاک قراردادن وابستگی‌های شخصی در این زمینه»، «خطرناک دانستن تکیه به ثروت و قدرت برای کسب مسئولیت» و «توزیع خدمات نظام به اقصا نقاط کشور» در اندیشه امام را نمودهای عدالت در مکتب امام راحل بیان می‌کنند. (۱۳۹۰/۳/۱۴)

رهبر فرزانه انقلاب مبانی اندیشه امام خمینی(ره) را عبارت می‌دانند از: اول، اسلام ناب محمدی؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان که تحقق اسلام ناب با حاکمیت شریعت اسلامی مقدور است و از این رو امام خمینی، جمهوری اسلامی را مظهر اسلام می‌دانست. دوم، جاذبه و دافعه امام خمینی(ره) که مبتنی بر معیار اسلام بود. در این زمینه از نظر رهبر معظم انقلاب، تجلیل یا نفرت دشمنان از مواضعی که نیروهای انقلاب و نظام اتخاذ می‌کنند، نشان‌دهنده دوری یا نزدیکی مواضع آنان به اسلام و مکتب امام است. سوم، قرار دادن محاسبات معنوی در تصمیم‌گیری‌های خود و قرار دادن رضایت الهی به منزله هدف اصلی و سپس اعتماد به کمک و یاری خداوند که باید به پیروی از مکتب امام مورد توجه قرار گیرد. چهارمین مبنا در اندیشه امام(ره) نقش مردم در سرنوشت کشور است. (۱۳۸۹/۳/۱۴) رهبر معظم انقلاب در توضیح بیشتر این موضوع در سخنرانی دیگری می‌گویند: «افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه به آرای مردم، جزء دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد.»(۱۳۹۳/۳/۱۴)

پنجم، جهانی دانستن نهضت و انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره) که معنای آن آگاه‌سازی ملت‌های اسلامی نسبت به هویت و وظایف خود است. (۱۳۸۹/۳/۱۴) رهبر معظم انقلاب افزون بر شرح مبانی و ابعاد مکتب امام خمینی(ره)، برخی از شاخصه‌های مکتب سیاسی امام را نیز مورد توجه قرار داده و آنها را عبارت می‌دانند از: «درهم‌تنیدگی معنویت با سیاست»، «اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم به‌معنای اعتقاد به کرامت انسان و تعیین‌کنندگی اراده انسانی»، «نگاه بین‌المللی مکتب امام و مخاطب قرار دادن بشریّت»، «پاسداری از ارزش‌ها که مظهر آن در تبیین ولایت فقیه تبلور می‌یابد» و «محوریت عدالت اجتماعی در همه برنامه‌های حکومت.»(۱۳۸۳/۳/۱۴)

بنابر آنچه گذشت، مکتب امام خمینی(ره) در بیان کلامی و بنان جهت‌دهی عملی رهبر معظم انقلاب، محتوای اصلی انقلاب و موتور محرکه نظام جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد و از نظر ایشان، مردم ایران این مکتب را درونی کرده و آن را عمیقاً پذیرفته‌اند (۱۳۹۳/۳/۱۴)

بنابراین زنده نگه داشتن این مکتب و حرکت در مسیر آن، اسباب پیروزی و موفقیت جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند.

نگاهی به جایگاه مصلحت در اندیشه امام خمینی(ره)

تضمین حاکمیت ارزش‌ها

□ **مهدی سعیدی/** یکی از مفاهیم مترقی در اندیشه سیاسی شیعه که در کلام سیاسی حضرت امام(ره) تجلی بارزی پیدا کرده است، مسئله «مصلحت» است. مصلحت از متن دین سرچشمه گرفته و فقیهان به مناسبت‌های گوناگون در بسیاری از باب‌های فقه از آن سخن گفته‌اند.

عالمان شیعه در فقه از دو گونه حکم و مصلحت سخن گفته‌اند: احکام پایدار و ناپایدار و مصلحت پایدار و ناپایدار. احکام ثابت، مصلحتی پایدار دارند که زمان و مکان و جامعه‌ای ویژه را در بر نمی‌گیرند. احکام دگرگون‌شونده، مصلحتی ناپایدار دارند که در هر زمان و هر مکانی به گونه‌ای هستند. به این دسته از احکام، احکام «حکومتی» نیز می‌گویند. دستوراتی که از سوی پیامبر اسلام(ص) به صورت وحی به مردم ابلاغ شده است، همه مصلحتی پایدار دارند و دگرگونی در این‌گونه احکام راه ندارد، مگر موضوع آن دگرگون شود یا در تزاحم با حکم اهمّ قرار گیرد. [1]

در انتقاد به اعمال مصلحت در حکومت اسلامی گروهی به‌کارگیری شاخصه مصلحت را از سوی حکومت اسلامی، امری ناپسند و موجب فدا کردن دین در پای حکومت و قدرت دانسته‌اند. دسته‌ای دیگر پذیرش این موضوع را در اندیشه سیاسی ولایت‌فقیه امری پسندیده دانسته‌اند؛ ولی بر این پندارند که به جدایی ساختاری نهاد دین از دولت و سکولاریزم و عرفی شدن حکومت اسلامی و فقه شیعی می‌انجامد. اینان وانمود کرده‌اند به هر میزان از مصلحت بهره ببریم، به همان اندازه از دین و شریعت جدا شده‌ایم؛ چرا که آنان مصلحت را مانع تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها، از جمله تحقق عدالت می‌دانند.

حضرت امام(ره) برخلاف این نظرات معتقد است: «مصلحت نظام، از امور مهمّه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد... مصلحت نظام و مردم؛ از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک، زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسّط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.»

به واقع، از منظر ایشان توجه به مصلحت، تدبیری برای تحقق ارزش‌ها از جمله عدالت است، نه آنکه در تضاد و مخالف با آنها باشد؛ زیرا تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها نیازمند اقتضائاتی است که بدون توجه به آن، نه تنها آرمان‌ها محقق نمی‌شود، که گاه نتیجه عکس داده و حاصل بی‌تدبیری، نابودی ارزش‌ها خواهد بود. حضرت امام(ره) تأکید دارند: «در اسلام مصلحت نظام، از مسائلی است که مقدّم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم.»[2] زیرا بدون این تقدم شاهد تزاحم ارزش‌ها و محقق نشدن عملی آنها خواهیم بود.

از منظری دیگر، باید توجه کرد مصلحت سازوکاری برای کارآمدی و خروج از بن‌بست در نظام اسلامی است؛ سازوکاری که دولت اسلامی را بالاتر از تراز دولت‌های مدرن امروزی قرار می‌دهد که داعیه کارآمدی دارند. نباید فراموش کرد که کارآمدی نظام اسلامی به واقع در صورت تحقق اهداف حکومت اسلامی، همچون امنیت، عدالت و رفاهت محقق خواهد شد که مسئله مصلحت متضمن تحقق عملی آن است.

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، «مصلحت» امری مقدس است! از این رو می‌فرمایند: «بعضی خیال می‌کنند که «مصلحت» در مقابل «حقیقت» است؛ در صورتی که مصلحت هم یک حقیقت است؛ کما اینکه حقیقت هم مصلحت است. اصلاً حقیقت و مصلحت از هم جدا نیستند. مصالحِ پنداری و شخصی است که

حضرت امام(ره) تأکید دارند: «در اسلام مصلحت نظام، از مسائلی است که مقدّم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم.» زیرا بدون این تقدم شاهد تزاحم ارزش‌ها و محقق نشدن عملی آنها خواهیم بود

بد است. وقتی مصلحت شخصی نیست، وقتی مصلحتِ مردم و مصلحتِ کشور است، این می‌شود یک امر مقدّس، یک امر خوب، یک چیز عزیز؛ چرا ما باید از آن فرار کنیم؟ لذا من این را واقعاً مصلحت نمی‌دانم.»(۱۳۷۷/۱۲/۴)

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در نقد آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه «مصلحت» را تبیین کرده و تأکید دارند: «مصلحت هم شده یک اسم منفور؛ آقا مصلحت‌گرایی می‌کنند! خب، اصلاً باید ملاحظه مصلحت بشود. هیچ وقت نباید گفت که آقا حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه، خود حقیقت یکی از مصلحت‌هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت‌اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید.»(۱۳۹۱/۵/۱۶)

ایشان در این باره به مثالی اشاره دارند که تأمل‌برانگیز است: «فرض بفرمایید از لحاظ موضع نظام، نسبت به فلان حرکت سیاسی بلوک مثلاً طاغوت و مجموعه‌های استبدادیِ دیکتاتوری، معلوم است که ما مخالفیم، همراهی هم نمی‌کنیم، کمک هم نمی‌کنیم... معلوم است که موضع ما نسبت به برخی از جهات سیاسی‌ای که امروز در دنیا وجود دارند یا در منطقه وجود دارند، موضع روشنی است؛ اما این به هیچ وجه به معنای نفی کار دیپلماسی سنتیِ متعارف نیست؛ یعنی کار دیپلماسی به جای خودش باید انجام بگیرد، منتها جهت‌گیری، این جهت‌گیری است.»(همان)

مصلحت آنقدر مهم و مؤثر است که ولی فقیه را از اختیارات مطلقه برخوردار کرده است. مطلقه به معنای آنکه صاحب ولایت به احکام فرعیه الهی مقید نیست! نمونه‌ای از این اطلاق اختیارات در این رهنمود حضرت امام خمینی(ره) آشکار می‌شود: «در اموال مشروع، اگر ولی امر تشخیص داد که این قدر که هست نباید باشد، برای مصالح مسلمین می‌تواند تصرّف کند... این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه! یکی‌اش تحدید این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر، می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حدّ معینی و با حکم فقیه، از او مصادره بشود.»[3]

استاد شهید مرتضی مطهّری نیز معتقد است: «اگر نیازهای عمومی جامعه و یا ضرورت تعدیل ثروت ایجاب کند که مالیات تصاعدی وضع شود، باید این کار انجام شود و یا اگر مصلحت جامعه اسلامی باشد، می‌توان از یک مالک و یا گروهی سلب مالکیت کرد. حاکم اسلامی، برای مصلحتی بزرگ‌تر می‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد.»[4] در زمینه ولایت این مسئله روشن‌تر است. در فقه شیعه، هر جا از ولایت سخن به میان آمده، از مصلحت نیز سخن رفته است، تا جایی که امام خمینی(ره) می‌نویسند: «اصل اوّلی در هر ولایتی این است که مقید به مصلحت باشد.»

نباید فراموش کرد که مصلحت برای منافع فردی نیست؛ بلکه آنچه اعتبار و ارزش کلیدی است، مصالح امت اسلامی است که تأمین آن می‌تواند به مثابه اولویت اول جامعه اسلامی عمل کرده و تحقق دیگر آرمان‌ها و ارزش‌ها را برای مدتی متوقف کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ «مصلحت نظام از دیدگاه امام خمینی(ره)»، دوماهنامه حوزه، شماره ۸۵ و ۸۶.
۲ـ صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۲.
۳ـ صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۳۸.
۴ـ مرتضی مطهری؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ انتشارات صدرا، ج۲، ص ۸۶.

افق

بازنمایی تأثیر صدور انقلاب اسلامی در قدرت منطقه‌ای ایران

تحقق یک آرمان

□ **علی کریمیان/** انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین دستاورد چند دهه مبارزات انقلابی ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، پیش از آنکه معطوف به زمان مشخص یا محدود به قلمرو جغرافیایی خاص باشد، یک نهضت جهانی و متعلق به همه ملل مسلمان و حتی غیر مسلمان است. همچنان که رهبر معظم انقلاب در تبیین انقلاب اسلامی و نهضت امام(ره) نیز می‌فرمایند: «یک نقطه از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی می‌دانست و این انقلاب را متعلق به همه ملت‌های مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی می‌کرد.»[1] امام خمینی(ره) در این باره می‌فرمایند: «نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضتی انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است.»[2]

صدور انقلاب اسلامی به منزله یکی از شعارهای مهم انقلاب، همیشه مورد توجه و تأکید امام راحل(ره) بوده است و دستاوردهای آن نیز اکنون در سراسر منطقه و برخی نقاط جهان دیده می‌شود. در منظومه فکری امام(ره)، صدور انقلاب به مدد سلاح و حرکت نظامی‌گری و کشورگشایی نیست؛ بلکه به دلیل ماهیت ایدئولوژیکی و دینی انقلاب اسلامی، فرآیندی طبیعی از جنس الهام‌گیری و الگوبرداری است. ماهیت این صدور در کلام نورانی رهبر معظم انقلاب به خوبی تبیین شده است: «بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه جا را به خودی خود می‌گیرد.»[3]

«صدور انقلاب» پیش از آنکه یک روند سیاسی یا فرآیند اجتماعی باشد، حرکتی فرهنگی است که به صدور پیام و رسالت و همچنین آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی و جهان‌شمول انقلاب اسلامی در کشورها و جوامع مسلمان و حتی غیرمسلمان معتقد است. این موضوع به منزله یک راهبرد بلندمدت، حتی پیش از وقوع انقلاب و همزمان با آغاز نهضت امام(ره) همواره به صورت یک دغدغه و اولویت راهبردی مورد توجه و در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است.

امام خمینی(ره) نظریه‌پرداز اصلی صدور انقلاب نه پس از انقلاب که پیش از انقلاب هم دغدغه صدور انقلاب را داشته‌اند. حال آنکه برخی با درک نادرست از صدور انقلاب و معنا و مفاهیم درونی و اهمیت و ضرورتی که در این مهم نهفته است، آن را پروژه‌ای متعلق به اوایل انقلاب می‌دانند! با تأمل در خاطرات مرحوم حبیب‌الله عسگراولادی از یاران دیرین امام(ره)، می‌بینیم که آن حضرت حتی در اسفند سال ۱۳۴۱، انقلاب را به سه مرحله تقسیم کرده بودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد؛ نخست‌ـ اسلامی کردن ایران، دوم‌ـ اسلامی کردن کشورهای اسلامی، سوم‌ـ اسلامی کردن جهان. آن روز است که به مولایم مهدی (عج) عرض می‌کنم: جهان منتظر قدوم مبارک توست.» این نشان می‌دهد، صدور انقلاب به سال‌های اولیه انقلاب یا پس از آن و امروز منحصر نبوده؛ بلکه در آغاز نهضت امام(ره)، ریشه داشته و تا ظهور حضرت ولی عصر(عج) استمرار خواهد داشت.

امروز جمهور یاسلامی ایران به برکت پایبندی به اصول انقلاب و

«صدور انقلاب» پیش از آنکه یک روند سیاسی یا فرآیند اجتماعی باشد، حرکتی فرهنگی است که به صدور پیام و رسالت و همچنین آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی و جهان‌شمول انقلاب اسلامی در کشورها و جوامع مسلمان و حتی غیرمسلمان معتقد است

آرمان‌های انقلاب و امام و رهبری و به مدد قدرت الهام‌بخشی و الگوسازی خود به بازیگری قدرتمند و مؤثر در سطح منطقه و فرامنطقه تبدیل شده است. جایگاه کنونی جمهوری اسلامی در منطقه و جهان اسلام که بنا بر اذعان دولت‌ها و قدرت‌های غربی، ایران را به یک قدرت بزرگ و تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل کرده و بنا به فرمایش امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) انقلاب اسلامی را «صاحب نفوذ»[4] در منطقه کرده است، تنها یک پرده از صدور انقلاب اسلامی و برشی از آن است که در یک روند کاملاً متعارف، منطقی، معقول و داوطلبانه، همچون «نسیم روح‌افزا و روانبخش» صورت گرفته است.

رشد و گسترش کمی و کیفی مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا و آفریقا و به طور کلی در جهان اسلام، و در کنار آن روند رو به رشد موفقیت‌آمیز حضور گروه‌های مقاومت اسلامی در معادلات میدانی و سیاسی سوریه، عراق، لبنان، یمن و برخی کشورهای دیگری، که در محافل سیاسی و رسانه‌ای غربی و عربی از آن تحت عنوان «نفوذ منطقه‌ای ایران» یاد می‌شود و اساساً نیز نمود عینی «نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران» است، موضوعی است که با یک رویکرد گفتمانی و دقیقاً در راستای پیشبرد و تحقق عینی، عملی و نظری صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است.

اینکه گفته می‌شود نفوذ یا قدرت منطقه‌ای ایران، جنسی کاملاً متفاوت از نظر معنایی و میدانی با سلطه‌طلبی غربی‌ها دارد، به معنای آن است که جنس نفوذ منطقه‌ای ایران که امروز دوست و دشمن بر آن اعتراف کرده و اذعان دارند و می‌خواهند آن را به موضوع منازعه و چالش علیه انقلاب اسلامی تبدیل کنند، از جنس خود «انقلاب» است؛ یعنی یک نفوذ سه وجهی مبتنی بر:

۱ـ فرهنگ و گفتمان دینی‌ـ مذهبی با تأکید بر وحدت امت اسلام و پرهیز از طایفه‌گرایی؛

۲ـ فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی؛

۳ـ استکبارستیزی.

این نفوذ که بخشی از فرآیند صدور انقلاب و در حقیقت یکی از برآیندهای آن است، با زور سرنیزه و از طریق لشکرکشی و استعمار ملت‌های دیگر یا طی سلسله عملیات‌های نظامی‌ـ اطلاعاتی یا ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی تحقق نیافته است. این نفوذ، کاملاً متعارف و مبتنی بر جاذبه‌های انقلاب است که دل‌های مشتاقان و آزادی‌خواهان و استکبارستیزان جهان اسلام را به خود جذب کرده است.

در مجموع، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی از اهداف کلیدی و راهبردهای بلندمدت انقلاب اسلامی است که طی فرآیندی طبیعی حرکتی رو به جلو داشته و به مثابه یک «روند» اهتمام ویژه‌ای درباره آن وجود دارد و همواره در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. نگاه امام راحل(رض) و رهبر معظم انقلاب اسلامی به اصل «صدور انقلاب اسلامی» تحت هیچ شرایطی نگاه آرمان‌گرایانه و غیرعملی و شعاری نیست؛ بلکه نگاهی کاملاً واقع‌بینانه و عملی است که تاکنون در مناطق گوناگونی از جهان و در بین ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه در ممالک اسلامی و غیراسلامی، امواج انقلاب را گسترانیده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ خطبه‌های نمازجمعه در بیست‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۸۹).
۲ـ صحیفه حضرت امام خمینی(ره)، جلد ۱۰، ص ۴۴۶.
۳ـ بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۶ آذر ۱۳۹۳.
۴ـ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۳ خرداد ۱۳۹۷.

پرتو

تحریف امام(ره) چرا و چگونه؟

□ **حسین عبداللهی‌فر/** تحریف حضرت امام خمینی(ره) موضوع جدیدی نیست؛ چراکه دشمنان انقلاب اسلامی از سال‌های پیش در تلاش بودند تا ایشان را متعصب و به اصطلاح خودشان بنیادگرای خشن و غیر منعطف نشان دهند. برخی از مخالفان ایشان در داخل نیز هر آنچه که خود می‌پسندیدند و منافع‌شان ایجاب می‌کرد، به ایشان نسبت می‌دادند؛ از این رو پیش‌بینی می‌شد ابعاد تحریف آن بزرگوار پس از ارتحال ایشان افزایش یابد. معظم‌له با پیش‌بینی این روند و ناکام گذاشتن تحریف‌گران راه‌هایی را برای مقابله با تحریفات پس از خودشان ارائه کرده بودند.

شدت تحریف امام راحل(ره) در سال‌های اخیر سبب شد رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت بیست‌وششمین سالگرد ارتحال آن امام همام(ره) درباره تلاش برای تحریف شخصیّت و راه ایشان و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملّت ایران هشدار داده و بگویند: «اگر شخصیّت امام تحریف شد، بد معرّفی شد، غلط معرّفی شد، همه این خطرات بزرگ متوجّه ملّت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه‌ای به این راه دارند و عموم جوانان، فرزانگان، دانشگاهیان، حوزویان تلقّی بشود.»

درباره چیستی تحریف امام(ره) همین بس که به تعبیر رهبر معظم انقلاب درباره هر شخصیتی سه گونه تحریف ممکن است که متأسفانه هر سه نوع آن درباره حضرت امام(ره) صورت گرفته است. معظم‌له در این باره می‌فرمایند: «تحریف شخصیّت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیّت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه اینها برمی‌گردد به تحریف شخصیّت. شخصیّتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به‌وجود خواهد آمد.»

اما اینکه تحریف امام راحل چگونه انجام گرفته، متأسفانه مصادیق بسیاری وجود دارد که برخی از مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: ۱ـ تحریف شخصیت امام(ره)؛ ۲ـ حذف جنبه‌های انقلابی شخصیت امام(ره)؛ ۳ـ معرفی امام(ره) به منزله یک شخصیت صرفاً تاریخی محترم؛ ۴ـ مخدوش‌سازی اصالت خانوادگی امام(ره)؛ ۵ـ معرفی امام(ره) بر اساس مواضع مقطعی وی؛ ۶ـ بزرگ کردن برخی دیدگاه‌های امام(ره) و نادیده گرفتن برخی دیگر؛ ۷ـ نادیده گرفتن شاخصه‌های اصلی شخصیت امام(ره)؛ ۸ـ ساختن تصویری خلاف واقعیت از شخصیت و تفکر امام(ره)؛ ۹ـ معرفی امام(ره) به صورت یک چهره خشن؛ ۱۰ـ ارائه تصویری تک‌بعدی (صرفاً سیاسی) از امام(ره)؛ ۱۱ـ معرفی امام(ره) بر اساس سلایق شخصی و میل گروه‌های سیاسی؛ ۱۲ـ کم‌رنگ‌سازی بخش‌هایی از مواضع امام(ره) که تند می‌دانستند؛ ۱۳ـ ارائه اطلاعاتی فراتر از مکتوبات و صوت‌های موجود امام(ره)؛ ۱۴ـ موقتی معرفی کردن روحیه سازش‌ناپذیری امام(ره)؛ ۱۵ـ تحریف مکتب و اندیشه‌های امام(ره).

پرسش دیگری که درباره تحریف امام(ره) مطرح می‌شود، چرایی و انگیزه تحریف‌گران است که فهرست‌وار به مواردی از آنها اشاره می‌شود: ۱ـ احساس منزلت نداشتن برخی انقلابیون سابق؛ ۲ـ مرعوب فضای بین‌الملل شدن بعضی از یاران دیروز امام(ره)؛ ۳ـ توجیه تاریخی برای پوشش تخلفات خویش؛ ۴ـ تحمل نکردن رویش‌های انقلاب و چرخش نخبگان؛ ۵ـ برنتابیدن نظام مدیریتی مدنظر حضرت امام(ره)؛ ۶ـ مانع دیدن مواضع امام(ره) بر سر راه اهداف خود؛ ۷ـ کم‌رنگ کردن روحیه مبارزاتی امام(ره) برای رسیدن به دنیای خود؛ ۸ـ وادارسازی رهبری به مشی سیاسی مورد نظر خویش؛ ۹ـ تصویرسازی خلاف واقع از برخی گروه‌های سیاسی همسو با خود.

با توجه به این سخن رهبر معظم انقلاب اسلامی که «اگر راه امام(ره) را گم کنیم، سیلی خواهیم خورد» لازم است نیروهای انقلابی با بازخوانی دقیق و صحیح اصول امام خمینی(ره)، زنده نگه‌داشتن نام و یاد حضرت و سکوت نکردن یاران امام(ره) در برابر تحریفات و روند ایجاد شده ایستادگی کنند.

وفادار به امام خمینی(ره)

«مرا بگیرید و به بند و حبس کشید، تا آن وقت از من سلب مسئولیت شود، چه اگر آزاد باشم، فریاد می‌زنم، حقایق را می‌گویم و افشاگری می‌کنم! من این لباس را پوشیده‌ام و از بیت‌المال امرار معاش می‌کنم که پاسدار اسلام و وفادار به رهبرم، امام خمینی باشم!»
(آیت‌الله شهید سیدمحمدرضا سعیدی)

درنگ

سازه‌ای با پنج هزار لوله

پس از فتح فاو در عملیات والفجر ۸ در بهمن ماه ۱۳۶۴ باید پلی ساخته می‌شد که بتوانند ۲۴ ساعته کار انتقال تجهیزات و تدارکات و مهمات را از طریق آن انجام دهند؛ پلی که در مقابل تلاطم خروشان اروندرود مقاومت کند، قابلیت ترمیم و بازسازی سریع پس از حملات هوایی را داشته باشد و از همه مهم‌تر، به سرعت قابل احداث باشد. بهروز پورشریفی از جهاد سازندگی ایده ساخت پل بعثت را مطرح کرد. پلی به طول ۹۰۰ متر با عرض ۱۲ متر که از لوله‌های توخالی متصل به هم ساخته می‌شد. این لوله‌ها در جهت جریان رودخانه قرار داده می‌شدند. مهندسان پنج هزار لوله ۱۲ متری به قطر ۱۴۲ سانتی‌متر و ضخامت ۱۶ میلی‌متر از جنس فولاد را از عمق ۱۲ متری تا سطح آب به هم متصل کردند و پلی به وجود آوردند که هم در برابر جریان آب اروندرود مقاوم بود و هم توانایی تحمل وزن ماشین‌های سنگین رزمی و تدارکاتی را داشت. آنها لوله‌ها را با اتصالات متحرک به هم متصل کرده و سپس لوله‌ها را از اسکله‌ای که برای همین منظور ساخته بودند، به داخل آب هدایت کردند. مشکل مهم در این میان شناور کردن لوله‌ها بود. برای این کار دو طرف لوله‌ها را با پارچه‌های برزنتی بستند تا لوله‌ها غرق نشوند. پس از انجام اتصال لوله‌ها، پارچه‌های برزنتی را کنار زدند تا لوله‌ها زیر آب بروند و غرق شوند. پس از نصب، لوله‌ها را زیرسازی و آسفالت می‌کردند. ساخت این پل شش ماه زمان برد و در طول این مدت بارها هدف بمباران دشمن قرار گرفت. با این حال، قابلیت تعمیر سریع پل موجب شده بود پس از هر بمباران، گروه‌های مهندسی به سرعت آن را بازسازی کنند.

تاریخ حماسه

عملیات الی بیت‌المقدس-۱

□حمیدرضا میری/ با پایان عملیات فتح‌المبین، موضوع مهم و اساسی تکمیل آزادسازی استان خوزستان از دست ارتش متجاوز عراق بیشتر مطرح شد. هنوز بیش از ۵ هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های جنوب ایران در اشغال نظامیان عراقی بود. شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید در تصرف عراق بود. شهرهای اهواز، سوسنگرد و حمیدیه نیز در زیر آتش توپخانه دوربرد دشمن قرار داشت. هنوز نیروهای ایران به تمام خطوط مرزی در استان خوزستان نرسیده بودند. بنابراین باید اجرای عملیات برای پایان دادن به حضور متجاوز در سرزمین‌های خوزستان ادامه می‌یافت و لذا طرح‌ریزی عملیات «الی بیت‌المقدس» در دستور کار قرار گرفت. این اهداف برای همه فرماندهان در سطوح مختلف و نیز برای همه رزمندگان شرکت‌کننده در عملیات، روشن و گویا بود. عملیات الی بیت‌المقدس می‌توانست ضمن آزادسازی تمام سرزمین‌های استان خوزستان، راه را برای دفع تجاوز ارتش عراق و بازپس‌گیری تمام خاک کشور در جنوب و غرب ایران هموار کند. بنابراین برای تحقق این اهداف، باید تمام قدرت جنگی ایران وارد عمل می‌شد.

پس از پایان عملیات فتح‌المبین بلافاصله برنامه‌ریزی و تلاش برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات الی بیت‌المقدس آغاز شد. تقریباً از روز هشتم فروردین ۱۳۶۱ که نبردهای فتح‌المبین به پایان رسید، گروه طرح‌ریزی سپاه و ارتش عملاً عملیات الی بیت‌المقدس را طراحی کردند. البته به موازات آماده شدن برای فتح‌المبین، یک قرارگاه از سپاه به فرماندهی برادر «احمد غلامپور» مسئولیت شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن و نیز برنامه‌ریزی اولیه برای طرح‌ریزی عملیات الی بیت‌المقدس را بر عهده داشت. این قرارگاه با کمک یک گروه طرح‌ریزی از قرارگاه کربلای ارتش به سرپرستی سرهنگ «اقبال محمدی‌زاده»، نیروهای خود را در این منطقه مستقر کردند تا فرصت کافی برای اقدامات مقدماتی داشته باشند. نخستین جلسه مشترک فرماندهان سپاه و ارتش در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۶۱ برگزار شد. در این جلسه ضمن بررسی‌ها مطرح شد که چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟ چگونه باید به منطقهٔ عملیاتی الی بیت‌المقدس حمله کرد که وسعت آن بیش از نیمی از سرزمین لبنان بود؟ قوای دشمن را در این منطقه چگونه باید منهدم کرد؟ البته پیش از آغاز عملیات فتح‌المبین، کارِ کسب اطلاعات و شناسایی درباره آرایش و استقرار قوای دشمن در این منطقه تا حد زیادی انجام گرفته بود و راهکارهای مختلف برای طرح‌ریزی عملیاتی موفق بررسی شده بود.

کارنامه

جنبش دانشجویی در تکاپوی پیشرفت

چهل سالگی

□ اکبر ادراکی/ تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ هجری شمسی را می‌توان سرآغاز آموزش عالی در ایران به سبک مدرن دانست. در ادامه مدرسه رشدیه در سال ۱۲۷۶ ش در تبریز و دانش‌سرای عالی تهران در سال ۱۳۰۷ ش به وجود آمدند و در نهایت نخستین دانشگاه ایران، یعنی «دانشگاه تهران» در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی آغاز به کار کرد. با شکل‌گیری دانشگاه و شکل‌گیری قشری جدید به نام دانشجو، طبیعی بود که فعالیت‌های دانشجویی و حرکتی که از آن با عنوان «جنبش دانشجویی» یاد می‌شود، به تدریج متولد شود. این حرکت چون در میان جوانان تحصیل‌کرده شکل می‌گرفت که در فضای اجتماعی و نزد افکار عمومی از مقبولیت بالایی برخوردار بوده و در آینده نقش مؤثری در اداره کشور برعهده داشتند، با حساسیت‌های حکومت‌ها همراه بود. طبیعی است که چنین فعالیت‌هایی مورد خوشایند اقتدارگرایان نباشد، به همین دلیل در دوران پهلوی شاهد تحت فشار قرار دادن و حتی سرکوب جنبش دانشجویی هستیم!

فعالیت‌های دانشجویی در ایران از زمان تشکیل تاکنون را می‌توان در چند دوره بررسی کرد. دوره اول، از زمان تأسیس دانشگاه تهران تا پایان سلطنت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ بود که به دلیل تازه تأسیس بودن دانشگاه تهران و تعداد کم دانشجویان، امکان شکل‌گیری حرکت‌های دانشجویی به صورت گسترده وجود نداشت؛ ضمن آنکه در زمان حکومت رضاشاه اجازه فعالیت به احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل از دولت داده نمی‌شد.

دوره دوم جنبش دانشجویی پس از برکناری رضاشاه از سلطنت آغاز شد. با از بین رفتن حکومت دیکتاتوری مشکلات بسیاری چون حضور نیروهای متفقین در ایران و گسترش فقر و بیماری، بار دیگر جنبش دانشجویی را احیا کرد. در این زمان سه گرایش چپ با محوریت حزب توده، گرایش ملی‌گرایی و هواداران مصدق و گرایش‌های اسلامی با محوریت انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که در سال ۱۳۲۲ شکل گرفت، حضور داشتند. در این دوره، از آنجا که حکومت پهلوی دوران انتقال قدرت از پدر به پسر را طی می‌کرد و شاه جوان هنوز نتوانسته بود بر امور کشور فائق آید، فضا برای فعالیت سیاسی گروه‌های سیاسی و تشکل‌های دانشجویان بازتر از دیگر زمان‌ها بود؛ اما این دوران نیز خیلی زود تمام شد و با فرا رسیدن کودتای انگلیسی- آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فضا برای فعالیت سیاسی دانشجویی نیز بسته شد!

پس از کودتا و با بسته شدن فضای سیاسی کشور تنها جنبش دانشجویی به فعالیت خود ادامه داد، که تحرکات آنان نیز در قالب برگزاری تظاهرات، پخش اعلامیه و تعطیلی کلاس‌های درس بود. در این دوره، مهم‌ترین برخورد رژیم با جنبش دانشجویی در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اتفاق افتاد که به شهادت سه نفر از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران انجامید. این حادثه نه تنها جنبش دانشجویی را به عقب نراند، که این روز، یعنی «روز دانشجو» به نماد مقاومت دانشجویان در برابر استبداد و استکبار جهانی بدل شد و سالگرد این روز در سال‌های بعد به فرصتی برای اوج گرفتن اعتراضات دانشجویان تبدیل شد.

جنبش دانشجویی پس از واقعه ۱۶ آذر منسجم‌تر شد و حکومت شاه از فعالیت سیاسی دانشجویان به وحشت افتاد؛ زیرا پس از آن دانشجویان نسبت به هر اقدام غیر مردمی یا ضد ملی حکومت واکنش نشان دادند. از آن جمله می‌توان به تظاهرات ۲۹ مهر ۱۳۳۳ در اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفتی، اعتراض به تغییر قانون استقلال دانشگاه در ۱۷ دی ۱۳۳۳، تظاهرات در اعتراض به حمله رژیم صهیونیستی به کشورهای مسلمان در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ هجری شمسی، تظاهرات در اعتراض به تقلب در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی در بهمن ۱۳۳۹ و چندین تظاهرات پراکنده دیگری که تمامی آنها به درگیری با نیروهای انتظامی و مجروح و بازداشت شدن عده‌ای از دانشجویان منجر می‌شد؛ اما شدیدترین برخورد در روز اول بهمن ۱۳۴۰ اتفاق افتاد. زمانی که دانشجویان در اعتراض به اخراج پانزده دانش‌آموز و قطع کمک هزینه دانشجویان دانش‌سرای عالی، تظاهراتی برپا کردند، عده‌ای از نیروهای کماندو ارتش به دانشگاه تهران حمله‌ور شدند که بر اثر آن، یک نفر کشته (مهدی کلهر) و ده‌ها دانشجو مجروح شدند. مشابه چنین تهاجمی در بهمن سال بعد نیز تکرار شد.

با آغاز مبارزات امام خمینی(ره) در ۱۳۴۱ ش، بخشی از دانشجویان با گرایش به این نهضت، جنبه‌های مذهبی جنبش دانشجویی را تقویت کردند. دانشجویان چند بار به دیدار امام رفتند و در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به پشتیبانی از امام خمینی(ره) شرکت کردند؛ اما پس از تبعید معمار کبیر انقلاب در اعتراض به تصویب قانون کاپیتولاسیون، ارتباط مستقیم دانشجویان با ایشان قطع شد و دانشجویان از طریق ارسال و دریافت پیام و اعزام نماینده، ارتباط خود را با امام خمینی حفظ می‌کردند. در همین سال‌ها تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام(ره) ۱۲۸ پیام برای دانشجویان داخل و خارج از کشور صادر کردند. همین ارتباط، گرایش جنبش دانشجویی را به امام خمینی بیش از پیش حفظ کرد و روز به روز افزایش داد. ارتباط و همکاری با نهضت امام خمینی سبب نزدیکی دانشجویان به مردم شد. در این دوران یاران حضرت امام(ره) و بزرگانی، چون استاد شهید مرتضی مطهری، مرحوم دکتر علی شریعتی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر شهید مفتح و دیگر روحانیون و استادان دانشگاه انقلابی نیز ارتباط تنگاتنگی با جنبش دانشجویی داشته و در هدایت ایشان اثرگذار بودند.

دانشجویان در روند پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نیز فعال بودند، هرچند در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ ش به دلیل تعطیلی دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی فعالیت منسجمی نداشت و دانشجویان با بازگشت به شهرهای خود در کنار دیگر اقشار جامعه علیه حکومت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن فعالیت کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد شکوفایی جنبش دانشجویی به معنای واقعی کلمه هستیم. از آنجا که دانشجویان در پیروزی انقلاب اسلامی در کنار دیگر اقشار جامعه نقش کلیدی داشتند و از آنجا که ارتباط تنگاتنگی میان جریان دانشجویی و رهبران انقلاب اسلامی از سال‌ها قبل وجود داشت، دانشگاه و جنبش دانشجویی خیلی زود توانست فضای لازم را برای فعالیت سیاسی خود در فضای اجتماعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی فراهم آورد. نقش دانشجویان در تشکیل نهادهای گوناگون انقلابی، اعم از سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب، جهاد سازندگی، بسیج مستضعفین و...، سپردن بخشی از امور اجرایی در سطح محلی و کشوری به دانشجویان حاصل این اعتماد و نقش‌آفرینی بود. تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ را می‌توان سرآغاز فصلی نو، پیش روی جنبش دانشجویی در ایران دانست که رهبر بزرگ نهضت اسلامی آن را «انقلاب دوم، انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول» دانستند.

همین فضای مناسب برای فعالیت سیاسی موجب شد تا جریان‌های چپ و لیبرال نیز تسخیر دانشگاه را در اولویت کاری خود قرار دهند! تا اینکه دانشگاه به مرکزی برای فتنه‌گری علیه انقلاب بدل شود، که راه مقابله با آن انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه برای چندین ماه بود!

با تسویه دانشگاه از گروهک‌های مسلح برانداز در دهه ۱۳۶۰، جنبش دانشجویی با محوریت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در فضایی کاملاً باز فعالیت‌های خود را تداوم بخشیدند و حتی در دور دوم و سوم انتخابات مجلس نیز نقش مؤثری داشتند. با پایان جنگ تحمیلی و با نظر حضرت امام خمینی(ره)، بسیج دانشجویی نیز در دانشگاه‌ها آغاز به کار کرد که این تولد، سرآغاز پویایی ویژه‌ای در جنبش دانشجویی بود.

جنبش دانشجویی در دهه ۱۳۷۰ تاکنون همواره مورد علاقه و حمایت رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار داشته و حرکت‌های دانشجویی با استقبال ایشان همراه بوده است. بهترین زمان‌ها و طولانی‌ترین دیدارهای رهبری در طول سال‌های اخیر که معمولاً با تریبونی برای پرسش و پاسخ‌های صریح و انتقادی همراه بوده، به جنبش دانشجویی اختصاص داشته است! این در حالی است که امروزه ده‌ها تشکل دانشجویی با نشریات و تریبون‌های متعددی که در اختیار دارند، در دانشگاه‌های کشور در حال فعالیت هستند و آمار دانشجویان کشور رکورد چهار و نیم میلیون نفر را نیز پشت سر گذاشته است.

در آیینه تاریخ

عملیات «صلح برای الجلیل»

روایت سعید قاسمی از تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان و واکنش جمهوری اسلامی

□مهدی حسن‌زاده/ در روز پنجم ژوئن ۱۹۸۳ برابر با پانزدهم خرداد ماه ۱۳۶۱ و درست ۱۲ روز پس از فتح عظیم خرمشهر در عملیات «الی بیت‌المقدس» که از نظر استراتژیست‌های جهانی به مثابه شکسته شدن ستون فقرات ارتش بعث صدام حسین تکریتی تلقی شد، رژیم صهیونیستی طی عملیاتی با عنوان «صلح برای الجلیل» خاک لبنان بی‌دفاع را از زمین، هوا و دریا مورد هجومی سراسری و همه‌جانبه قرار داد. حمله‌ای تهاجمی که بر اساس دکترین نظامی ارتش فاشیستی نازی‌ها در جنگ بین‌الملل دوم تحت عنوان «حمله برق‌آسا» طراحی شده بود. راهبرد نظامی که اساس آن بر دو ستون «آتشباری پر حجم و سنگین» و «حملات گسترده و برق‌آسای زمینی» استوار بود.

جالب آنکه رژیم صهیونیستی از نظر زمانی، هنگامی حمله را آغاز کرد که جهانیان سر تا پا سرگرم خیمه شب‌بازی‌های جام جهانی فوتبال در اسپانیا بودند و از این رو این رژیم از این غفلت جهانیان به خوبی سود جست.

لبیک ایرانِ خمینی

«الیاس سرکیس» رئیس‌جمهور لبنان در پیامی به همه دولت‌ها و مجامع جهانی درخواست امداد نظامی، غذایی، دارویی و دیگر اقلام حیاتی کرد و هیچ‌کس جز ایرانِ خمینی به این فریاد امدادخواهی لبیک نگفت. جمعی از بلندپایه‌ترین مسئولان سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران برای بررسی اوضاع مظلومان منطقه در حالی وارد کشور سوریه شدند که پایتخت لبنان به طور مستقیم زیر بارش گلوله‌های توپخانه صهیونیست‌ها قرار داشت و وضعیت فوق‌العاده، تمام شهر را در برگرفته بود.

اعضای این هیئت عبارت بودند از: دکتر «علی‌اکبر ولایتی» وزیر خارجه، سرهنگ «سلیمی» وزیر دفاع، «محسن رضایی» فرمانده سپاه پاسداران، «محسن رفیق‌دوست» مسئول تدارکات سپاه پاسداران، سرهنگ «علی صیادشیرازی» فرمانده نیروی زمینی ارتش و «احمد متوسلیان» فرمانده تیپ ۲۷ حضرت رسول(ص) که در معیت حجت‌الاسلام «علی‌اکبر محتشمی‌پور» سفیر ایران در سوریه قرار داشتند. هیئتی که بر حسب دستور امام(ره) و ابلاغیه «شورای عالی دفاع» جمهوری اسلامی ایران به ریاست رئیس‌جمهور وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سوریه اعزام شده بود.

هیئت جمهوری اسلامی ایران که در روز یک‌شنبه ۱۶ خرداد ۶۱ (یک روز پس از تهاجم) به سوریه اعزام شده بود، پس از بررسی اوضاع سوریه و لبنان در جلسه مربوطه شورای عالی دفاع که در دفاتر امام(ره) در پنج‌شنبه ۲۰ خرداد ۶۱ تشکیل شد، گزارش نهایی خود را ارائه داد و اعلام کرد: «اسرائیل بر اکثر نقاط جنوب لبنان مسلط شده است و سوریه نمی‌تواند وارد جنگ شود.»

پس از این گزارش، شورای عالی دفاع تصمیم گرفت در قالب اعزام نیرو به جبهه لبنان و سوریه کمک کند؛ به این ترتیب، با تأیید امام نیروی نظامی به جبهه سوریه و لبنان اعزام شد. گفتنی است، اولین گروه در ۲۱ خرداد ۶۱ اعزام شدند و اولین هواپیمای ایران عازم سوریه شد که در بین آنها حاج‌احمد متوسلیان و نیروهای وی قرار داشتند که در فرودگاه دمشق مورد استقبال هیئتی از مقامات بلندپایه سوریه قرار گرفتند.

راه قدس از کربلا می‌گذرد

امید مبارزه با رژیم صهیونیستی اما خیلی زود رنگ باخت؛ زیرا نیروهای ایرانی و مقامات سیاسی تهران دریافتند که سوری‌ها قصد جنگ نداشته و با آوردن بهانه‌های گوناگون وقت‌کشی می‌کنند.

در این زمان بود که وضعیت جبهه سوریه- لبنان چند شاخصه کلی را به نمایش می‌گذارد:

۱- پی بردن رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران به نیت رژیم صهیونیستی از حمله به لبنان. در واقع، هدف اصلی از این اقدام دور کردن ذهن تهران از جبهه‌های جنگ و مشغول داشتن آن به جبهه لبنان بوده است.

۲- گرفتن زمان و فرصت مناسب برای بازسازی ارتش بعث عراق که در فتح خرمشهر به کلی نابود شده بود.

۳- نبود اراده به جنگ در دولت سوریه.

۴- بسته شدن دالان هوایی ترکیه بر روی پروازهای نظامی تهران و از بین رفتن امکان ارسال نیرو و تجهیزات.

این همه موجب شد تا حضرت امام(ره) در جلسه‌ای با حضور رئیس‌جمهور (آیت‌الله خامنه‌ای) و رئیس مجلس (هاشمی‌رفسنجانی) اعلام کند که «با حضور ما در آن جبهه با شرایط موجود مخالفت دارند و معتقدند که عرب‌ها جنگ جدی نخواهند کرد و درگیری بیشتر ما باعث می‌شود که در جبهه جنگ با عراق دچار وقفه شویم و در آنجا هم به جایی نرسیم.» در نهایت ایشان با این امر موافقت کردند که «اگر به طور جدی از طرف سوریه جنگ شد، شرکت کنیم.»

حضرت امام(ره) در بیاناتی راهبردی در روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ در جمع بسیاری از علما و ائمه جمعه از طرح شیطانی دشمن پرده برداشته و چنین فرمودند:

«... آمریکا می‌دانست که ما و ملت ما نسبت به لبنان حساسیت داریم و نسبت به اسرائیل هم از آن طرف حساسیت داریم. این دام را آمریکا درست کرد... این نقشه این است که «بگین» را وادار کند به اینکه تو حمله کن به لبنان، لبنان که تو حمله کردی، ایران حساسیت نسبت به او دارد و همه قوایش را متمرکز می‌کند در اینکه تو را از بین ببرد و اگر ایران از جنگ عراق غافل بماند، عراق کار خودش را انجام می‌دهد و ایران در اینجا هم نمی‌تواند کاری بکند. نقشه این است!»

حضرت امام(ره) با فراست و زیرکی خویش با طرح راهبرد «راه قدس از کربلا می‌گذرد» با تأکید بر اولویت جبهه جنگ با عراق و مقدم داشتن آن و درک این مهم که ایران توان جنگ هم‌زمان در دو جبهه را ندارد، دستور بازگشت نیروهای بلاتکلیف از سوریه را صادر فرمودند.

رویش

مصداق مسلمان غیور!

□مهدی دنگچی/ فتوای امام(ره) درباره حکم ارتداد سلمان رشدی در بهمن ماه سال ۱۳۶۷، بازتاب‌های رسانه‌ای گسترده‌ای یافت و اقدامات بسیاری در عمل به این فتوا انجام شد. در حکم امام(ره) آمده بود:

«بسمه‌تعالی/ إنا لله و إنا إلیه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد؛ ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته/ روح‌الله الموسوی الخمینی»

اولین کسی که برای اجرای این فتوا تلاش کرد، مصطفی محمود مازح، بود. این جوان لبنانی‌الاصل که تبعه فرانسه هم بود در ۱۴ مرداد ۱۳۶۸، یعنی حدود شش ماه پس از صدور فتوای امام(ره) به محل اختفای سلمان رشدی وارد می‌شود.

مصطفی با شناسایی هتل محل اقامت سلمان رشدی، قصد اقامت چهار روزه در آن هتل می‌کند. در روز سوم پس از آنکه از یک زن خدمتکار درباره رفت‌وآمدهای سلمان رشدی سؤالاتی می‌پرسد، مورد سوءظن قرار می‌گیرد و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی انگلستان وارد هتل می‌شوند. او اگرچه به دلیل انفجار زودهنگام بمب موفق به اجرای فرمان امام(ره) نشد؛ اما حرکتی را در جهت مبارزه همه‌جانبه مسلمانان جهان با توهین به اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن آن آغاز کرد و سبب شد موج ممنوعیت انتشار آیات شیطانی، کشورهای دیگری، همچون کنیا، تایلند، تانزانیا، اندونزی، سنگاپور و حتی ونزوئلا را هم در بر بگیرد.

مصطفی محمود مازح چند بار به ایران سفر کرده بود و به حضرت امام(ره) عشق می‌ورزید. وصیت‌نامه مازح به خوبی می‌تواند این شیفتگی و شیدایی را نشان دهد: «هرگز روزهای مقدس زندگی با تو را فراموش نخواهیم کرد. دستورات تو را در هر زمان و مکان اجرا خواهیم کرد. شجاعت تو در برابر دشمنان را همیشه به یاد خواهیم آورد. در روز برگزاری نماز در قدس شریف، تو را به یاد مردم جهان خواهیم آورد.»

آنچنان که از سنگ قبر مصطفی پیداست، یک روز پس از شهادت ۲۲ ساله می‌شده است. خانواده او پس از هشت ماه تلاش و پیگیری توانستند پیکر او را از انگلستان به خاک لبنان منتقل کنند. مصطفی در سال ۱۳۶۹ شمسی و مصادف با دوم ماه مبارک رمضان در یکی از روستاهای جنوب لبنان در حالی به خاک سپرده شد که پیش از شهادت با دختری از اهالی جبل عامل عقد ازدواج بسته بود؛ عقدی که تنها ۱۵ روز طول کشید.

روایت یار

اصحاب انقلاب-۲

مقدمات قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲

□سید مهدی حسینی/ در این مبحث ضمن اشاره به روند شروع نهضت و قیام امام خمینی(ره) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به طور فشرده و با نگاهی گذرا، سیر وقایع تا قیام ۱۵ خرداد به اختصار به بحث گذاشته می‌شود.

در سال ۱۳۴۰ جامعه ایران دچار یک تحول روحی و معنوی و مذهبی عمیقی شده بود و جامعه و محیط اجتماعی در التهاب و انقلاب به سر می‌برد.

در سال ۱۳۴۱ دستگاه‌های رژیم شاه این زمان را بهترین فرصت دیدند که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در دستور کار قرار دهند. مواد این لایحه شرکت زنان در انتخابات و حذف قید قسم به قرآن در سوگندنامه نمایندگان بود؛ یعنی در واقع، توطئه علیه اسلام بود. با این قانون هر جریانی به خصوص بهائیت می‌توانست در حاکمیت ایران نفوذ کند. هنگامی که خبر این لایحه به آیات عظام رسید، نسبت به آن واکنش نشان دادند و با صدور اعلامیه مخالفت خود را اعلام کردند و جنبش مخالفت با این اقدام توطئه‌گرانه شروع شد که در نهایت به شکست رژیم شاه انجامید و لایحه لغو شد و به این طریق پیروزی بزرگی نصیب جنبش مخالف با لایحه شد.

شاه که دید اسدالله اعلم نمی‌تواند برنامه مورد نظر وی و آمریکا را عملی کند، او را برکنار کرد و با ترفندی خودش به موضوع ورود پیدا کرد و لوایح شش‌گانه و انقلاب سفید را مطرح کرد. این لایحه هم از سوی آیات عظام و مراجع تقلید بایکوت و بیانیه‌های متعددی در رد آن صادر شد و اعتراضات مردمی توسعه یافت. شاه در چهارم بهمن ۴۱ راهی قم شد تا سند تقسیم اراضی را به کشاورزان آنجا واگذار کند. در اینجا هم حضرت امام اعلام کردند که کسی نباید برای استقبال شاه بیرون بیاید؛ بنابراین سفر شاه با عدم استقبال روحانیت و مردم قم روبه‌رو شد، به طوری که او در سخنرانی خود در جمع کارمندان دولتی روحانیت را «ارتجاع سیاه» نامید و ابراز تنفر کرده نیروهای امنیتی رژیم دنبال فرصت برای انتقام‌گیری بودند تا اینکه به مناسبت شهادت امام جعفرصادق(ع) برابر با دوم فروردین ۴۲ از طرف آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی مجلس عزاداری در مدرسه فیضیه برگزار شد و سخنران آن آقای انصاری‌قمی بود که مأموران ساواک با تکرار صلوات مجلس سخنرانی او را به هم زدند و زد و خوردی در گرفت. در این فرصت نیروهای امنیتی و شهربانی به حجره‌های طلبه‌های مدرسه هجوم بردند و به مدت چند روز پی در پی طلاب را مورد ضرب و شتم قرار دادند؛ رفتاری که موجب خشم و غضب مردم شد و روز به روز نفرت عمومی علیه رژیم شاه را بیشتر برمی‌انگیخت. به این طریق اهرم‌های فشار علیه روحانیت شدت گرفت. ایام که مصادف با ماه محرم شد، بلندگوها و منابر مراسم عزاداری سمت و سوی سیاسی پیدا کرد، عزاداران حسینی در نوحه‌خوانی‌ها با محتوای مخالفت و ابراز تنفر، شاه را یزید زمان تلقی می‌کردند، به طوری که طی یک مقطع دو ماهه شور و هیجان و التهاب سیاسی علیه رژیم شدت گرفت. امام خمینی(ره) به مناسبت چهلم روز واقعه مدرسه فیضیه اطلاعیه‌ای دادند و عزای عمومی اعلام کردند. در عصر عاشورای آن سال برابر با ۱۴ خرداد امام خمینی(ره) بر مبنای دفاع از اسلام سخنرانی تحلیلی و افشاگرانه‌ای را ایراد کردند که برای رژیم شاه تحمل‌ناپذیر بود، به همین دلیل نیروهای امنیتی گارد و ساواک به سرعت راهی قم شدند و در نیمه شب، یعنی اول بامداد روز ۱۵ خرداد امام خمینی(ره) را در منزلش دستگیر کردند و به تهران منتقل کردند.

هنگامی که خبر دستگیری امام در صبح روز ۱۵ خرداد در قم، تهران و ورامین و دیگر شهرها پخش شد، مردم قیام کردند و فریاد آنها برای آزادی امام خمینی(ره) در خیابان‌ها بلند شد و اینگونه قیام خونین ۱۵ خرداد رقم زده شد، به طوری که در هر شهری روند تکوین قیام و مخالفت با دستگیری امام خمینی(ره) به همراه تعدادی شهید و مجروح و زندانی شدن‌ها فرایندی را طی کرد. تمامی کسانی که در این روز برای دفاع از امام با شعار «یا مرگ یا خمینی» به صحنه آمدند، یک خط سرخ ممتدی را با خون خود در تاریخ برجا گذاشتند که جملگی از توده‌های مردم محروم و زحمت‌کش و رنج‌کشیده‌ای بودند؛ که فقط به اعتقادات دینی خود پایبند بودند؛ یاران حقیقی انقلاب اسلامی که تا پایان عمر شریف و پربرکت امام(ره) با ایشان همراه بودند.

رمضان ماه متقی شدن

حجت‌الاسلام والمسلمین فاطمی‌نیا گفت: آنچه باید از ماه رمضان حاصل شود، تقواست. این‌گونه نباشیم که فقط در ماه رمضان اطاعت خدا را بکنیم و در غیر آن ترک طاعت کنی! بعضی‌ها فقط در ماه رمضان نماز می‌خوانند، خوش‌اخلاق هستند، دل نمی‌شکنند! یا مثلاً فقط در این ماه با حجاب مناسب هستند! عزیزان من قرآن که فرمود «کتب علیکم الصیام»؛ برای این است که در این ماه ملکه تقوا بر ایمان حاصل شود، نه اینکه فقط یک ماه رمضان عبادت کنیم و مابقی ایام را به حال خودمان باشیم!

آیینه خواص

عثمان‌بن‌حنیف-۴
تقدیم اغنیا بر فقرا!

سخن از نامه مهم، کاربردی و راهبردی حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به عثمان‌بن‌حنیف بود که شهرتش در تاریخ قابل کتمان نیست.

این نامه با این فرازها آغاز می‌شود: «اما بعد، ای پسر حنیف به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به سوری فرا خوانده و تو نیز بدانجا شتافته‌ای. سفره‌ای رنگین برایت افکنده و کاسه‌ها پیشت نهاده. هرگز نمی‌پنداشتم که تو دعوت مردمی را اجابت کنی که بینوایان را از در می‌رانند و توانگران را بر سفره می‌نشانند.»

کلمه به کلمه حضرت امیر(ع) حساب شده و دقیق است. نکته اساسی و مهم این است که در این ماجرا عثمان به یک مهمانی اشرافی رفته و زندگی خودش اشرافی و تجمل‌گرایانه نبوده است. او در سبک زندگی شخصی خود، رفاه‌طلب و مال‌اندوز نبوده است و این در حکومت علوی یک پیش‌فرض و امر بدیهی است که مدیر جامعه باید در زندگی شخصی خود ساده‌زیست و زاهد باشد.

نکته دیگر اینکه مسئول جامعه اسلامی نباید در هر جلسه و مجلسی که دعوت می‌شود، بدون تحقیق و آگاهی حضور یابد. در کلام حضرت امیر(ع) آمده است، شخص جوانی از آن شهر، عثمان را به مهمانی دعوت کرده است و این شاید به معنای آن است که آن فرد شناخته شده نبوده است و مدیر علوی نباید بدون شناخت به این مجلس می‌رفت.

به یقین با این سخن حضرت امیر(ع) راه هر گونه توجیه سد می‌شود که برخی عنوان دارند نمی‌دانستم و نمی‌شناختم و این را دستمایه‌ای برای فرار از پاسخگویی خود قرار دهند! اینکه مدیر جامعه دینی به هر مجلسی برود، هر هدیه‌ای را قبول کند، به هر کسی روی خوش نشان دهد و پس از چندی غرض افراد از این‌گونه اقدامات فاش شود و او بگوید شناختی از آن شخص نداشتم، خود یک امتیاز منفی است؛ افزون بر امتیاز منفی دیدار و ملاقات و حضور و قبول چنین جلسات و هدایایی!

حضرت با عبارت نمی‌پنداشتم دعوت اینان را قبول کنی، اولاً به جایگاه والای عثمان اشاره می‌کنند که از چنین شخصی، مانند او چنین رفتاری در همین حد هم توقع نمی‌رفته است که در چنین مجلسی حاضر شود.

ثانیاً زشتی و قبح کار را نشان می‌دهند که چنین عملی می‌تواند از سوی عثمان چنان قبیح باشد که حتی در پندار حضرت امیر(ع) هم نگنجد. این عمل قبیح که حضرت این‌گونه درباره آن موضع گرفته است، چیست؟

در ادامه نامه حضرت بیان می‌دارد که در این مجلس، صاحبان مهمانی اغنیا را بر فقرا ترجیح داده و نه تنها فقرا را به مجلس دعوت نکرده‌اند؛ بلکه بدتر از آن کسانی را که قصد ورود به مهمانی داشته‌اند هم درجه‌بندی کرده و فقرا را از در راه نمی‌داده‌اند! احتمالاً عثمان در بدو ورود با چنین صحنه‌هایی مواجه شده و گویا برایش مهم نبوده است؛ اما احتمال دیگر این است که ممکن است عثمان از این تفکیک مطلع نبوده است که همین موضوع نیز برای مدیر جامعه اسلامی نقص محسوب می‌شود. در واقع، توقع امیرالمؤمنین علی(ع) از کارگزار خود این است که در چنین مجلسی سراغی از فقرا و بینوایان بگیرد و مطمئن باشد صاحبان مجلس تبعیضی بین فقیر و غنی قائل نشده‌اند و چه بسا فقرا را بر اغنیا مقدم داشته‌اند.

اگر در اندیشه علوی تقدیم پولداران بر فقیران موجب عتاب است، آنگاه هم‌پیالگی و دوستی و همدستی با زراندوزان و غارتگران چه جایگاهی دارد؟ اگر مدیر علوی که تنها با حضورش ممکن است موجبات تأیید برخی افراد را فراهم آورد با هشدار حضرت امیر مواجه می‌شود، آن مدیری که با گفتار و رفتار خود علناً از مفسدان و دست‌اندازان به مال مردم حمایت و طرفداری می‌کند، شایسته چه برخوردی است؟

گزارش صبح صادق از شنبه‌های انقلاب در ایستگاه نمایشگاه قرآن
انقلاب اسلامی قرآن را وارد عرصه زندگی مردم کرد

□حسن فلاح/ نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشورمان به شمار می‌رود که هر سال در ماه مبارک رمضان میزبان مردم قرآن‌دوست کشورمان است. نمایشگاه امسال به ایستگاه بیست‌وششم رسید و با توجه به حضور عبدالهادی فقهی‌زاده، معاون قرآن و عترت ارشاد به نظر می‌رسد این دوره از نمایشگاه به بخش‌های محتوایی و عترت(ع) توجه بیشتری داشته باشد؛ چرا که وی پس از استقرار در معاونت قرآن و عترت ارشاد، کمیته تحول را به منظور ارتقای برنامه‌ها به ویژه فعالیت‌ها در حوزه عترت(ع) تشکیل داد. ماه مبارک رمضان نیز امسال از ۲۷ اردیبهشت ماه آغاز شد و بر اساس تصمیم مسئولان، بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم یک روز پیش از اولین روز ماه مبارک رمضان، یعنی چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه آغاز شد و ۱۲ خرداد مصادف با ۱۷ ماه مبارک رمضان در شب‌های قدر به کار خود پایان داد. برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با توجه به اهمیت و مخاطبان بسیاری که دارد، می‌تواند نقش مهمی در ترویج فرهنگ قرآنی و همچنین آشنایی بیشتر مردم ایران و دیگر نقاط جهان با دستاوردهای قرآنی کشورمان داشته باشد؛ بر همین اساس بهتر است متولیان برگزاری نمایشگاه پیش از اعلام رسمی زمان برپایی بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم تدابیر لازم را برای آماده‌سازی غرفه‌ها در نخستین روز برگزاری نمایشگاه اتخاذ کنند تا دیگر شاهد غرفه‌بندی و آماده‌کردن سالن برای حضور بازدیدکنندگان در هفته‌های نخست نمایشگاه نباشیم و نمایشگاهی با محتوای مناسب و درخور جمهوری اسلامی ایران برپا شود. یکی دیگر از موضوعات مهم، توجه به بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن کریم است که در سال‌های گذشته ضعیف برگزار شد؛ امیدواریم مسئولان نمایشگاه قرآن کریم برای این بخش نیز فکری کنند تا افزون بر تأثیرگذاری لازم، محتوای غنی نیز برای بازدیدکنندگان داشته باشد.

شنبه‌های انقلاب در نمایشگاه قرآن

نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در حالی به استقبال مخاطبان رفته که برنامه‌های متفاوت فرهنگی هم در حاشیه آن برگزار می‌شود. یکی از این برنامه‌ها، «شنبه‌های انقلاب» است که امسال کار خود را آغاز کرده و در هر ایستگاه (هر شنبه) دستاوردی از انقلاب اسلامی را معرفی می‌کند و این بار به دستاورد تأثیرگذاری قرآن کریم در انقلاب و نمایشگاه قرآن رسیده است.

معرفی دستاوردها به جشن‌های انقلاب منتهی می‌شود

حسین امان‌لو، رئیس کمیته اطلاع‌رسانی جنبش مردمی پاسداشت چهل سال انقلاب اسلامی با اشاره به فلسفه وجودی این جنبش، گفت: «انقلاب اسلامی در حالی به ظهور و بروز و امروز به اوج دستاوردهای داخلی و جهانی می‌رسد که هیمنه استکبار در کل عالم پیچیده بود و چهل سال است این هیمنه ترک برداشته و به هم ریخته است و آن استحکام قبلی خود را ندارد. رمز آن شکنندگی هیمنه، در وجود و توسعه انقلاب اسلامی است. با این اوصاف، انقلاب اسلامی این مسیر پرحادثه را با قدرت ادامه می‌دهد و بدون توجه به توطئه‌چینی‌ها راه دست‌یابی به موفقیت‌ها و دستاوردها را طی می‌کند.»

وی با بیان اینکه جنبش مردمی پاسداشت چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی با حضور خانواده‌های شهدا، فرهیختگان، دانشجویان، هنرمندان و ورزشکاران راه‌اندازی شد، گفت: «دشمنی‌ها علیه انقلاب اسلامی بسیار است و بوق‌های شیطنت‌آمیزی از بی‌بی‌سی و رسانه‌های غربی و حتی مغرضان داخلی به گوش می‌رسد و سیاه‌نمایی‌ها و بدگویی‌های فراوانی وجود دارد؛ از این رو این جنبش به این میدان پرهیاهو آمده تا از خوبی‌ها، موفقیت‌ها، دستاوردها، پیشرفت‌ها و ارزش‌های انقلاب بگوید. خدمات و توانمندی‌هایی که طاغوتیان هیچ‌گاه قادر به اجرای آن نبودند.»

امان‌لو با تأکید بر رسیدن به ایستگاه قرآن کریم، خاطرنشان کرد: «این کمیته و جنبش برنامه‌ریزی کرده تا این گزارش‌ها را در چهل موضوع به سمع و نظر مردم برساند. کار را از اول اردیبهشت ماه با عنوان شنبه‌های انقلاب آغاز کرده‌ایم. حالا چرا شنبه‌ها؟! زیرا ما به دنبال متبرک کردن هفته‌های خودمان به معرفی یک دستاورد از انقلاب اسلامی بودیم. تاکنون گزارش سلامت، تعلیم و تربیت، کتاب و شعر و ادبیات داده شد و در ایستگاه پنجم هم به دستاورد قرآن کریم رسیدیم که همزمان با نمایشگاه قرآن تقدیم مردم شد.

وی خاطر نشان کرد: «قرآن دستاوردهای بسیاری به مردم ارائه داد؛ این دستاوردهای قرآنی در یک کلام به انقلاب قرآنی و فرهنگ قرآنی منتهی شد؛ زیرا انقلاب اسلامی قرآن را زنده کرد و آن را از پستوی خانه‌ها به محیط اجتماعی و زندگی مردم آورد. انقلاب اسلامی کاری کرد که دشمنان و همان‌هایی که علیه نظام هر خباثتی را به کار بستند و توطئه‌چینی می‌کردند، از بس احساس خطر کردند به انتشار کتاب آیات شیطانی و قرآن‌سوزی روی آوردند. ما در شنبه‌های انقلاب این اهداف بصیرت‌گونه و آگاهانه برای جامعه را دنبال می‌کنیم. ان‌شاءالله این چهل هفته انقلاب ادامه دارد تا به جشن‌های انقلاب اسلامی در بهمن ماه ختم بشود. طلیعه این شنبه‌های انقلاب همان فرمایش رهبر معظم انقلاب است که فرمودند دستاوردهای انقلاب را به تدریج به مردم بگویید.

توجه جدی به قرآن کریم بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی

ولی یاراحمدی، دبیر کمیته قرآن کریم جنبش مردمی پاسداشت دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی نیز درباره دستاوردهای قرآنی انقلاب اسلامی گفت: «بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی توجه جدی به قرآن است که آن را در سه محور «عمل به قرآن»، «تعمیق مبانی و مفاهیم قرآنی» و «ترویج جهانی این کتاب الهی» نهادینه کرده ایم.»

وی افزود: «امروز شاهدیم که انقلاب اسلامی قرآن را از مجالس ختم و کنج خانه‌ها به عرصه زندگی وارد کرده و تأثیرات جهانی این کتاب مقدس موجب ترس دشمنان شده است.»

دبیر کمیته قرآن کریم جنبش مردمی پاسداشت دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی گفت: «پس از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران به علمدار جریان ترجمه و تفسیر در جهان تبدیل شد و قرآن را به پرشمارترین کتاب جهان تبدیل کرد.»

این فعال حوزه قرآن در مقایسه جایگاه قرآنی کشور، پیش و پس از انقلاب گفت: «عملکرد ضعیف رژیم پهلوی در حوزه قرآن، کشور را مورد هجمه افکار انحرافی قرار داده بود و این‌گونه تلقی می‌شد که شیعیان از قرآن فاصله گرفته‌اند، اما انقلاب اسلامی به این شبهه وهابیت پاسخ داد و از پیروان اهل‌بیت(ع) رفع اتهام کرد.»

یاراحمدی افزود: «پیش از انقلاب، قرآن در عرض امور قرار داشت، اما پس از انقلاب در رأس قرار گرفت، به طوری که امروز شاهد رشد چشمگیر تعداد حافظان قرآن در کشور هستیم. نگاه ویژه انقلاب به عرصه قرآن موجب افزایش قاریان و حافظان رتبه‌دار در مسابقات بین‌المللی شده است.»

دبیر کمیته قرآن کریم جنبش مردمی پاسداشت دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی همچنین در تبیین فعالیت‌های قرآنی کشور پس از انقلاب گفت: «برگزاری ۳۵ دوره مسابقه بین‌المللی قرآن کریم، ۴۰ دوره مسابقه کشوری، ۲۶ نمایشگاه بین‌المللی و صدها نمایشگاه استانی از دستاوردهای انقلاب در حوزه قرآن کریم است.»

وی افزود: «پس از انقلاب، قرآن به ۱۳۰ زبان زنده دنیا ترجمه شد و در حال حاضر شمارگان این کتاب الهی به ۲۰۰ میلیون جلد رسیده است. چاپ ۳۷ هزار عنوان کتاب قرآنی نیز از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی است.»

یاراحمدی گفت: «در راستای پوشش فعالیت‌های قرآنی، سازمان‌ها و نهادهای متعددی در سطوح سیاست‌گذاری و اجرایی تأسیس شده‌اند که می‌توان به تشکیل ۴۰۰ سایت قرآنی، چهار شبکه رادیویی و یک شبکه اختصاصی قرآنی اشاره کرد. راه‌اندازی رادیو قرآن، رادیو تلاوت، رادیو ترتیل و رادیو معارف ازجمله برکات قرآن درطول حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی است.»

وی در پایان گفت: «انقلاب اسلامی ایران در جهت گسترش فعالیت‌های قرآنی در سطح منطقه و جهان، ۵۰ شعبه جامعه المصطفی العالمیه را در سایر کشورها ایجاد کرد. اعزام مبلّغان و روحانیون به ۶۰ کشور مختلف در راستای هدف جهانی‌سازی مکتب قرآن و معرفی دین اسلام از توفیقات قرآنی انقلاب است.»

گفتنی است، در این نشست «شنبه‌های انقلاب» که به معرفی دستاوردهای انقلاب در موضوع قرآن کریم اختصاص داشت، نخبگان، مسئولان و قاریان برتر بین‌المللی قرآن کریم حضور یافتند و هر یک، این دستاوردها را شرح دادند.

یار مهربان

زندگی موفق

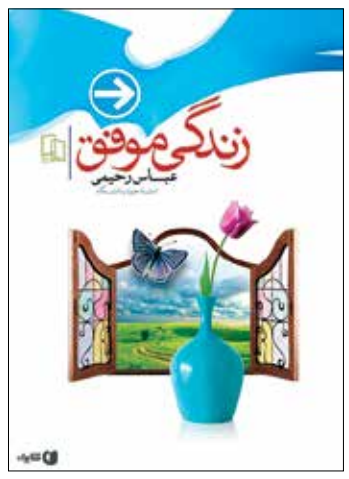

عقل، ویژگی آدمی و شاخصه تفاوت انسان با دیگر موجودات زنده است. به راستی عقل چیست؟ آیا عقل همان درک یا شعور است؟ آیا عقل همان مغز یا مخ است؟ مغز چیست؟

خداوند در وجود انسان، امانتی قرار داده که همه زیبایی‌های معنوی و کمال‌ها و پیشرفت‌ها مرهون همان است که نامش «عقل» است. حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «لا جَمالَ اَزْیَنُ مِنَ العَقْلِ»؛ هیچ زینتی همچون خرد نیست.

در مسائل زندگی، علاوه بر عقل طبیعی، باید دارای عقل زندگی نیز بود که از راه‌های گوناگون به دست می‌آید؛ مانند به‌کارگیری عقل طبیعی، بهره‌گیری از تجربه‌های خویش یا دیگران، مشورت و بهره‌گیری از رهنمودهای انبیا و اولیای خدا(علیهم‌السلام) و دستورهای ارشادی ادیان الهی.

کتاب «زندگی موفق» به قلم عباس رحیمی در ۱۹۶ صفحه به کوشش انتشارات نشر جمال به بازار نشر عرضه شده است. این کتاب در شش فصل به موضوع زندگی موفق پرداخته است.

تفاوت اساسی این کتاب با دیگر کتبی که با عناوین موفقیت منتشر می‌شوند، تأکید و تکیه نویسنده بر موفقیتی است که مبنای آن دین مبین اسلام و سیره ائمه(علیهم‌السلام) است. در فصل اول نویسنده به خردگرایی و خودشناسی می‌پردازد. فصل دوم به نقش عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی در رسیدن به موفقیت در زندگی اشاره دارد. در فصل سوم هم معاشرت نیکو در موفقیت ارائه می‌شود. فصل چهارم؛ رفتارهای اشتباه، فصل پنجم؛ عوامل رشد و خردورزی بهتر و فصل ششم آسیب‌ها و آفت‌های اخلاقی دستیابی به موفقیت را بررسی می‌کند.

در این کتاب سعی شده است راهی پیش روی جوانانی که در آغاز زندگی هستند و به عقل زندگی نیاز دارند، گذاشته شود. این مجموعه بایدها و نبایدها را بیان می‌کند که از موارد عقل زندگی است و در این مسیر از بهترین مدیران و خردمندان عالَم (راهنمایی امامان و اهل‌بیت علیهم‌السلام) بهره جسته و مصادیق و موارد را بیان می‌کند.

شکستن مرزهای حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی
زندگی خانوادگی را پشت ویترین به نمایش نگذاریم

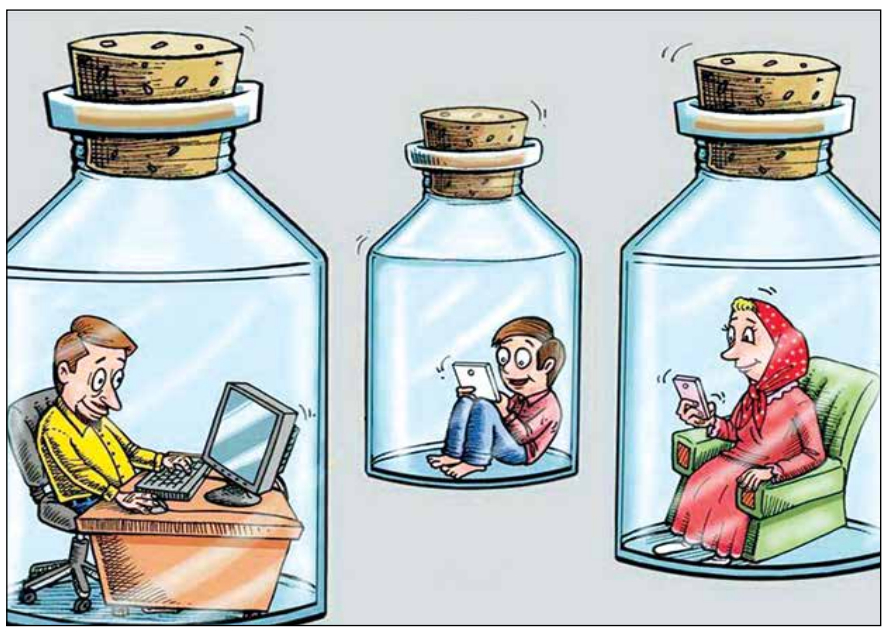

□کبری فرشچی/ این روزها با اضافه شدن یک عضو جدید به خانواده‌های کشورمان در عمل مرزهای حریم خصوصی خانواده‌ها جابه‌جا شده و گویا افراد مرز بین حریم خصوصی خود و خانواده و حریم عمومی را گم کرده‌اند. این عضو جدید کسی نیست جز شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و فضای مجازی که ورودش به جمع خانواده‌های ایرانی موجب شده اعضای این شبکه‌ها فراموش کنند تصاویر و نوشته‌های منتشر شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در اختیار همه افراد و کاربران این شبکه‌ها قرار دارد و همین هم موجب می‌شود گاهی عکس‌ها و اطلاعاتی را از خود و خانواده‌شان به اشتراک بگذارند که بعدها ممکن است عاملی برای سوءاستفاده افراد سودجو شود و هم آنها را به دردسر بیندازد و هم کانون خانواده را با چالش مواجه کند.

خانواده ایرانی زیربنایی‌ترین واحد و مقوم جامعه است، پس اگر بنا باشد جامعه‌ای همچون جامعه ایرانی به سمت و سوی آسیب‌های اجتماعی سوق داده شود، کافی است سبک زندگی خانواده‌ها و به خصوص طرز تفکر و جهان‌بینی زنان و دختران جامعه را تغییر دهند. این اتفاقی است که در پی فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه به خصوص شبکه‌های مبتنی بر تصویر همچون اینستاگرام اتفاق افتاده است و موجب شده در برخی موارد، هم مرز حریم خصوصی و عمومی از میان برود و هم چالش‌هایی برای خانواده ایجاد شود.

چالش فضای مجازی و حریم خصوصی

هیچ کس مخالف مزایای فضای مجازی و فرصتی که برای جامعه بشری از جمله خود ما درست کرده نیست. اشکال اینجاست که استفاده از فضای مجازی پیش از فراگیر شدن فرهنگ آن در جامعه ما فراگیر شد و افرادی که در شبکه‌های اجتماعی عضو می‌شوند و در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند از قوانین حاکم بر این دنیای به ظاهر بی‌قانون بی‌خبرند. از این مهم‌تر آنکه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی یک فرهنگ وارداتی را به ما تحمیل کرده و مانند هر کالا و خدمات غیر بومی دیگری پیامدهای فرهنگی خاص خود را دارد که برای پیشگیری از چالش‌زا شدن این پیامدها لازم است پیوست‌های فرهنگی لازم را برای آن در نظر گرفت. اما غفلت از همین ماجرا موجب شده فضای مجازی برای برخی افراد و خانواده‌ها چالش‌زا شود.

حریم خصوصی چیست؟

حریم خصوصی تعاریف متعددی دارد. «آلن ویستن» آن را حق افراد برای مشخص کردن اینکه اطلاعات شخصی‌شان چه زمانی، چگونه و به چه میزانی به دیگران منتقل شود، تعریف کرده است.

حریم خصوصی گاهی مربوط به ناشناس بودن، یعنی تمایل به گمنامی یا دور ماندن از عرصه عمومی است. در واقع، حریم خصوصی یعنی افراد دارای حقی باشند که بتوانند خود یا اطلاعات مرتبط با خود را از دیگر افراد مجزا کنند. حق انسان بر حریم خصوصی، یک حق اجتماعی و مدنی است، حتی نوعی از حقوق شهروندی و حقوق بشری هم قلمداد می‌شود. انواعی از حریم خصوصی داریم که حریم خصوصی جسمانی و اطلاعاتی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی به شمار می‌رود.

خانواده ایرانی زیربنایی‌ترین واحد و مقوم جامعه است، پس اگر بنا باشد جامعه‌ای همچون جامعه ایرانی به سمت و سوی آسیب‌های اجتماعی سوق داده شود، کافی است سبک زندگی خانواده‌ها و به خصوص طرز تفکر و جهان‌بینی زنان و دختران جامعه را تغییر دهند. این اتفاقی است که در پی فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه به خصوص شبکه‌های مبتنی بر تصویر همچون اینستاگرام اتفاق افتاده است

حریم خصوصی جسمانی به حق سلامت جسمی و روحی فرد مربوط می‌شود. منظور آن است که جسم و حتی روح و روان افراد هم دارای حریمی است که باید از تعرض در امان باشد؛ برای نمونه انجام آزمایش‌های پزشکی و ژنتیک و افشا نکردن آن از جمله حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.

منظور از حریم خصوصی اطلاعاتی و ارتباطاتی، محرمانه باقی‌ماندن اطلاعات شخصی، مکاتبات و نامه‌ها، پست‌های الکترونیک، مکالمات، حساب‌های کاربری اشخاص در شبکه‌های مجازی و دیگر اشکال ارتباطات است که امروزه با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی سخن از این نوع از حریم خصوصی در فضای مجازی بسیار مطرح است. یکی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی افراد، حق بر عکس و تصویر افراد است. دستیابی به عکس و فیلم‌های شخصی و خانوادگی افراد از طریق رمزگشایی و هک کردن رایانه و انتشار آن، یکی از مهم‌ترین موارد نقض حریم خصوصی است که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود.

اشتراک‌گذاری حریم خصوصی!

چنانچه حریم خصوصی شخصی نقض شود و در نتیجه آن خسارت‌هایی اعم از مادی یا معنوی به آن شخص وارد شود، زیان‌دیده می‌تواند طبق قواعد مسئولیت مدنی، تمامی خسارت‌های مادی و معنوی خود را مطالبه کند. اما در فضای مجازی شاهد آن هستیم که برخی افراد و خانواده‌ها خودشان حریم خصوصی خود را نقض کرده و تصاویر و اطلاعات خصوصی‌شان را به اشتراک می‌گذارند! این رخداد اغلب به دو دلیل عمده اتفاق می‌افتد؛ نخستین و مهم‌ترین دلیل، ناآگاهی فرد از قوانین و ویژگی‌های فضای مجازی است و دومین دلیل عادی‌سازی انتشار تصاویر خصوصی در فضای مجازی با الگو گرفتن از افرادی است که اغلب‌شان مغرضانه در حال تغییر مرز حریم خصوصی خانواده‌ها در فضای مجازی هستند.

در این میان برخی از سلبریتی‌ها نقش مهم و پر رنگی دارند تا جایی که شاهد اشتراک‌گذاری عکس‌های خانوادگی و خصوصی آنها در صفحات شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام هستیم؛ عکس‌هایی که جای‌شان در آلبوم خانوادگی است، نه صفحات شبکه‌های اجتماعی!

ویترینی برای زندگی خصوصی

اما چالش‌های این چنینی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تنها برای ما نیست و حتی در کشورهای غربی که خود مهد این شبکه‌ها به شمار می‌روند و قانونگذاران و مالکان اصلی آنها هستند نیز چالش‌هایی را در بر داشته است. این چالش‌ها برای خانواده ایرانی با ویژگی‌های خاص خود گاهی بسیار گران تمام می‌شود. مطابق گزارش‌های پلیس فتا کم نیستند افرادی که با سوءاستفاده از تصاویر و اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی برای اخاذی و اهداف شوم خود موجب شده‌اند کانون خانواده‌ای از هم بپاشد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به خانواده‌ها وارد شود. هسته اولیه این چالش‌ها هم یک موضوع است؛ اینکه برخی از ما فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را به ویترینی برای نمایش زندگی خصوصی‌مان تبدیل کرده‌ایم!

دریچه

مقدس بمان

سهیل کریمی با انتشار تصویری از دختر محجبه نماینده اتحادیه دانشجویی دانشگاه سوربن فرانسه در صفحه اجتماعی‌اش نوشت:

همه غیرت‌ورزی‌های تا به امروز در مقابل غیرت تو سوءتفاهم بوده

خواهرم مریم! مقدس بمان

(مریم پوژِتو، نماینده اتحادیه دانشجویی دانشگاه سوربن فرانسه که به دلیل داشتن حجاب در هفته گذشته مورد حمله شدید وزرای دولت فرانسه تا نشریه هتاک شارلی ابدو قرار گرفت.)

راه نرفته

قرص شب امتحان!

چند سالی است که مصرف قرص شب امتحان یا ریتالین برای دانشجویان و حتی دانش‌آموزان برای بیدار ماندن در این شب به موضوعی خطرناک و چالش‌برانگیز تبدیل شده است. با توجه به اینکه در فصل امتحانات قرار داریم، خانواده‌ها باید درباره این قرص و خطرات مصرف آن در فرزندان دانش‌آموز یا دانشجوی خود اطلاعاتی داشته باشند.

مصرف قرص ریتالین در فصل امتحانات در حالی میان دانشجویان و دانش‌آموزان گسترش یافته که این قرص خطرناک‌تر از مواد مخدر شیشه و کراک است و آثار سوئی به دنبال دارد.

قرص «ریتالین» با نام شیمیایی «متیل فندایت» برای اولین بار برای درمان افسردگی و خواب‌آلودگی در طول روز در آمریکا مورد استفاده قرار گرفت و سپس با توجه به آثار درمانی آن برای درمان نداشتن تمرکز حواس و بیش‌فعالی در کودکان مورد استفاده قرار گرفت. «ریتالین» دارویی شیمیایی است که برای درمان اختلال توجه در کودکان تولید شده است و تنها با تجویز روانپزشکان قابل دستیابی است. تحریک‌پذیری، افسردگی، کاهش اشتها، بی‌خوابی و گاهی کاهش رشد از جمله عوارض مصرف این قرص است. متأسفانه در کشور ما براساس تبلیغات غلط، دانش‌آموزان و دانشجویان برای بیدار ماندن در شب امتحان به جای قهوه یا چای از آن استفاده می‌کنند. به دلیل فعل و انفعالات پیچیده‌ای که «ریتالین» بر روی مغز دارد، ترک آن دشوارتر از کراک و هروئین است. بنابراین شایسته است والدین هوشیار بوده و نظارت کافی بر فرزندان خود داشته باشند و آنها را تشویق کنند وقتی نیاز به بیدار ماندن در شب دارند، با استراحت کوتاهی در روز و استفاده از قهوه و چای نیاز خود را برطرف کنند.

دکترمجید ابهری، رفتارشناس
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

گروه «زندگی» صبح صادق آماده است تا پلی بین شما خوانندگان با مشاوران خبره و امین ایجاد کند.
سؤالات خود را از طریق سامانه پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ برای ما ارسال کنید.

مدیریت جهادی را باور کنیم

سردار سپهر جانشین سازمان بسیج در ضیافت افطاری پیشکسوتان جهادی و دانشجویان جهادگر گفت: امروز بر پایه شعار «ما می‌توانیم» تمام کشورهای منطقه به امنیت و اقتدار ایران اذعان دارند. امروز ایران اسلامی با قدرت و توانمندی نیروهای مردمی، در اوج اقتدار و عزت قرار دارد. ما هم‌اکنون در یک نقطه عطف راهبردی قرار گرفته‌ایم. مدیریت جهادی یک توصیه نیست؛ بلکه یک راهبرد است و مردم و مسئولان باید باور کنند که کلید حل مشکلات کشور مدیریت جهادی است.

یادداشت

نقش سپاه در جنگ اقتصادی

□ علیرضا جلالیان/ جنگ ارزی یکی از اساسی‌ترین ابعاد نبرد تمام‌عیار اقتصادی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران است. فرمانده معظم کل قوا(مدظله‌العالی) در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۹۵ مطالبه‌ای را خطاب به فرماندهان این نهاد انقلابی داشتند. معظم‌له با اشاره به «نقش الگو و آینده‌ساز ملت ایران در تحولات جهانی»، فرمودند: «اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.»

در این سخن رهبر معظم انقلاب چند نکته نهفته است؛ ابتدا اینکه ایشان در دیدار با فرماندهان سپاه چنین مطالبه‌ای را بیان می‌کنند و در جای دیگر و از مسئولان دیگری در آن زمان مطالبه نمی‌کنند. در واقع، معظم‌له موضوع الگوسازی و آینده‌سازی را بین فرماندهان سپاه پاسداران مطرح می‌کنند و با اشاره به موضوع توجه ویژه به «اقتصاد مقاومتی» یکی از مهم‌ترین ابعاد آن را خلاص کردن کشور از جادوی مالی و پولی دشمن می‌دانند. ایشان در این دیدار با صراحت از حاضران می‌خواهند تا تلاش کنند به آقایی و ارزش دلار آمریکا پایان داده شود.

ماجرای دلار و تبدیل آن به ارز اول در مبادلات جهانی به جای طلا و نیز قرار گرفتن آن به منزله پشتوانه پول عمده کشورهای جهان خود داستانی طولانی دارد. در واقع، آنچه به منزله قدرت آمریکا در جهان مطرح می‌شود، نه نیمی از تسلیحات و قوای نظامی آمریکا مستقر در روی زمین است و نه کلاهک‌ها و تسلیحات هسته‌ای آن، بلکه همه قدرت آمریکا در موضوع دلار خلاصه می‌شود. بر همین اساس است که این کشور می‌تواند به راحتی بدون پشتوانه پول چاپ کرده و تورم ناشی از این عمل ربوی را در همه کشورهایی که مبانی پول آنها دلار است، تقسیم کند و با وجود بی‌سابقه‌ترین بدهکاری طول تاریخ عالم، یعنی ۲۰ تریلیون دلار، کماکان سر پا باشد.

«سنتزو» استراتژیست بزرگ چینی نکته جالبی دارد و آن، اینکه به جای حمله مستقیم به دشمن باید به راهبرد او حمله کرد؛ نکته‌ای که خداوند در قرآن نیز به وفور به آن اشاره کرده است.

بر اساس آنچه گفته شد، رهبر حکیم انقلاب در مقابل دشمن بزرگ انقلاب، یک راهبرد را به فرماندهان اصلی مواجهه با این دشمن، یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گوشزد کردند و آن، اینکه بقای آمریکا در گرو بقای ارزش و آقایی دلار (به مثابه پول پر قدرت و بدون پشتوانه) است که این ابزار امروز در جنگ تمام‌عیار اقتصادی آمریکا علیه انقلاب اسلامی، اصلی‌ترین سلاح دشمن به شمار می‌آید. ایشان به خوبی به این نکته اشاره داشتند که اتاق فرماندهی این جنگ تمام‌عیار اقتصادی در وزارت خزانه‌داری آمریکا است نه پنتاگون، از این رو به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دشمن در صحنه نظامی علیه ما ناکارآمد شده، اولویتش به سمت ابزار مالی رفته است؛ به همین دلیل اصلی‌ترین راه مقابله با این دشمن، جنگ تمام‌عیار با دلار است؛ جنگی که به نظر می‌رسد رهبر معظم انقلاب سربازان و خط‌شکنان آن را پاسداران انقلاب اسلامی می‌دانند.

نقطه سرخط

شهید باید خودش بخواهد

خیلی دنبال نوشتن خاطرات شهید فرامرز بود. شهید فرامرز از شهدای مسجد بود و ظهر عاشورای سال ۵۹ شهید شده و پیکرش هم برنگشته بود. خیلی مظلوم بود؛ چرا که از قبل از انقلاب تمام خانواده‌اش با او مخالف بودند، ولی او یک انقلابی مسجدی پر و پا قرص بود. هر موقع اقدام می‌کرد برای مصاحبه یا نوشتن، نمی‌شد. حتی در چاپ نوشته‌های قبلی هم به مشکل برمی‌خورد. یک روز به او گفتم تو تلاش خودت را کردی، ولی فکر کنم این شهید که خودش خواسته پیکرش برنگردد، نمی‌خواهد فعلاً درباره او هم چیزی نوشته شود، باید خودش بخواهد.

سردار سلامی در مراسم افتتاح مسجد امام حسن(ع) دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

هیچ کس نمی‌تواند قدرت موشکی ما را نابود کند

□ حسن ابراهیمی/ در آستانه میلاد امام حسن مجتبی(ع) مسجد دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) با حضور فرماندهان، پیشکسوتان، دانشجویان و خانواده معظم شهدا افتتاح شد. در این مراسم سردار حسین سلامی، سخنران اصلی و عالی‌ترین مقام حاضر ضمن افتتاح مسجد از لوح یادبود آن پرده‌برداری کرد.

عکس: سید محمد موسوی منش

لباس جهاد و لباس عزت

سردار سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه در این مراسم با بیان اینکه شهدا برای دفاع از کشور و حریم ولایت و امامت جان خود را فدا کردند، گفت: «جوانان ما به پیروی از شهدا لباس جهاد پوشیدند تا بر تن ملت ما لباس عزت بپوشانند.»

وی با اشاره به اینکه در این فضای ملکوتی بسیاری از مجاهدان راه خدا شرف حضور دارند، افزود: «با حضور خانواده شهدا، این فضا سرشار از رایحه دل‌انگیز و عطر با طراوت لاله‌های شهید شده است، همان‌هایی که چشم و چراغ امت اسلامی هستند و خانه‌های‌شان محل معراج جوان‌های‌شان بوده و نقطه اتکای معنوی ملت هستند.»

سردار سلامی با بیان اینکه دانشجویان دانشگاه افسری امام حسین(ع) جوانان نورانی هستند که دیدن آنها امید را در قلب‌ها زنده می‌کند، افزود: «این جوانان مسیر نورانی جهاد را انتخاب کرده‌اند؛ اما این انتخاب این جوانان نیست؛ بلکه انتخاب خداوند است. جهاد به تصریح آیات قرآن گزینشی الهی است. شما امروز سپرهای محکم دفاع از شرافت، عزت، اقتدار و آبروی مسلمان و به خصوص ملت ایران شده‌اید.»

پیوند نسل‌های مجاهد

سردار سلامی افزود: «امروز و در زیر این گنبد فیروزه‌ای پیوند بین نسلی که جنگید، بر پیمان خود ایستاد، عقب ننشست، متزلزل نشد، قلبش مستحکم بود و هر چه به میدان خطر نزدیک می‌شد، شادتر بود، با نسلی که آمده است تا این منش و این فضیلت و این خصوصیت جاودانه را ادامه دهد، رقم خورده است.»

وی با اشاره به شکوه و عظمت مسجد امام حسن(ع) گفت: «واقعاً شکوه این بنای با عظمت نشان‌دهنده این است که جلوه‌های تمدن نوین اسلامی به تدریج در حال گسترش است و ما آمده‌ایم تمدنی بی‌پایان را بنا نهیم و از مسجد که نماد اصلی تمدن نوین اسلامی است، شروع کرده‌ایم.»

فرمانده آسمانی و بهشتی

وی با تقدیر از دست‌اندرکاران ساخت این مسجد در سطوح فرماندهی و مهندسی گفت: «باید از سردار صفاری فرمانده وقت دانشگاه، مهندس هوش‌السادات معاون مهندسی سپاه و فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، فرمانده آسمانی و بهشتی ما حاج‌علی فضلی در تکمیل این بنا تقدیر و تشکر کنم.»

سپاه بر ذات تقوا بنا شد

سردار سلامی با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب، تصریح کرد: «سپاه مثل مسجدی است که از ابتدا بر ذات تقوا بنا شده است. تأسیس سپاه معجزه ذهن الهی امام خمینی(ره) بود و در زمان رهبر معظم انقلاب اسلامی شکوفا شد و تأثیر و قدرتش در افق‌های دوردست شرق و غرب عالم دیده شد.»

جانشین فرمانده کل سپاه در ادامه با اشاره به جنگ تحمیلی، گفت: «دشمنان به داخل مرزهای ما نفوذ کرده و همه جهان علیه ملت ما بسیج شدند. حالا ببینید جنگ چه شد و دشمنان ما کجا هستند. در این کشور از اسلام دفاع شد، ایمان جان گرفت، زنان به حجاب بازگشتند، جوانان به مساجد رفتند، روح جهاد به ملت دمیده شد، جایی که تسلط قدرت‌های شیطانی بود، به میدان جهاد تبدیل شد و شهادت برای جوانان آرزو شد.وی افزود: «دشمنان آمده بودند تا ما را از جغرافیای عالم محو کنند؛ اما می‌بینند جغرافیایی از قدرت شکل گرفته و همه در مقابل‌شان ایستاده‌اند و در بلاد اسلامی قدرت مانور ندارند.»

سیاست‌های دشمن متلاشی می‌شود

سردار سلامی با اشاره به اقدامات گروه‌های تروریستی در سوریه و تشکیل داعش با حمایت آمریکایی‌ها گفت: «آنها به سوریه حمله می‌کنند؛ اما سیاست‌های‌شان متلاشی می‌شود یا به پایگاهی حمله می‌کنند؛ اما چند روز بعد سرزمین‌های اشغالی به آتش کشیده می‌شود.»

وی افزود: «در حالی که ترامپ از برجام خارج می‌شود و فکر می‌کند کار بزرگی کرده، روز بعدش سرزمین‌های اشغالی به آتش کشیده می‌شود. این واقعیت رخ داده است، بماند که برخی امروز سعی می‌کنند یأس را در جامعه پخش کنند، اما جامعه ما شبیه کشورهای تحریم شده نیست.»

جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به برخی مشکلات اقتصادی در کشور، اظهار داشت: «اگر ما مشکل اقتصادی داریم، مشکل آنها بیشتر از ما است. فرانسه که یک کشور مدرن غربی است، در روزهای گذشته شاهد خبرهای زیادی بود. در آمریکا ۴۱ میلیون انسان گرسنه هستند؛ اما آیا در کشور ما هم چنین است؟!»

چون دشمن نمی‌تواند...

سردار سلامی در ادامه اظهار داشت: «در کشور ما مشکل هست؛ اما می‌دانیم که نباید به دشمن تکیه کرد. پس هر چه زمان گذشته، شجره سپاه قدرت گرفته و امروز به درجه‌ای از قدرت رسیده که وزیر خارجه آمریکا در ۱۲ شرط می‌گوید ایران باید به حضور خود در منطقه پایان دهد، این یعنی آنها نمی‌توانند چنین کاری کنند و از ما می‌خواهند خودمان این کار را انجام دهیم. چون نمی‌توانند ما را مجبور کنند، از ما می‌خواهند خودمان چنین کاری کنیم.»

وی ادامه داد: «آنها در حالی که کشور را تحریم می‌کنند، تصور این را دارند که ایران خود را خلع سلاح می‌کند؛ در حالی که امروز قدرت و نظام ایران بخش‌هایی از جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار داده، آنها تصور می‌کنند ایران این قدرت و حضور و نفوذ را کنار می‌گذارد، اما نمی‌دانند که این نفوذ فیزیکی نیست بلکه باور اسلام است و این نفوذ وجود دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از بین ببرد و فقط می‌توانند در برابر گسترش آن تسلیم شوند.»

اگر می‌ترسید به پناه‌گاه بروید

جانشین فرمانده کل سپاه در پایان با تأکید بر اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت موشکی ما را نابود کند و اگر می‌ترسند، به پناهگاه بروند، گفت: «حداکثر کار آنها تحریم کردن است؛ اما ایران غنی است و تحریم‌پذیر نیست، ایران قوی است پس خواب آشفته نبینند.»

یار صدیق امامین انقلاب

سردار علی فضلی، فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) نیز در ابتدای این مراسم ضمن تقدیر و عرض خوش‌آمد به همه حاضران به ویژه فرمانده سابق دانشگاه سردار صفاری اظهار داشت: خطبه این مسجد را حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی، امام جمعه موقت تهران خوانده‌اند و امروز با دست با کفایت سردار سلامی یکی از یاران صدیق امامین انقلاب اسلامی و دانشمند مجاهد فی سبیل‌الله که در عرصه‌های گوناگون آزمون‌های متعدد را پشت سر گذاشته است، به طور رسمی افتتاح می‌شود.»

سردار فضلی در پایان افزود: «این بنای مقدس اسلامی با عنایت فرمانده کل سپاه و نماینده محترم ولی‌فقیه در سپاه به نام نامی آقا امام حسن مجتبی(ع) نامگذاری شده است.»

پاسداران خورشید

همسر شهید مدافع حرم محمود نریمانی

بدحجابی‌ها خیلی مکدرش می‌کرد

□ احسان امیری/ شهید «محمود نریمانی» متولد ۱۲ دی سال ۱۳۶۶ و اهل روستای دروان کرج، دهم مرداد ۹۵ در حماء سوریه به شهادت رسید. «سارا عجمی» همسر این شهید بزرگوار از دوران زندگی مشترک‌شان چنین می‌گوید: «همزمان با اتمام فارغ‌التحصیلی دانشگاهم آقا محمود به خواستگاری‌ام آمد. چند دقیقه‌ای با هم صحبت کردیم. از نحوه کار و فعالیت‌هایش، از مأموریت‌های طولانی‌مدتش که اغلب ممکن است شب‌ها در منزل نباشد با این مضمون که «شاید بروم و برگردم، یا بروم و برنگردم» صحبت کرد.

من هم گفتم که آسمانی شدن مختص آقایان نیست، خانم‌ها هم می‌توانند آسمانی بشوند، ایشان سکوت کرد. بعد از جلسات متعدد هنوز تصمیم‌گیری برایم سخت بود. یادم آمد چند روز قبل از خواستگاری شهادت امام هادی(ع) بود که به حضرت متوسل شده بودم و از ایشان مدد خواستم و گفتم هرکسی را که شما برای من مصلحت می‌دانید شریک زندگی‌ام قرار دهید. با یاد این جمله دلم آرام گرفت و نسبت به تصمیمم مصمم شدم. من تا قبل از شب بله‌برون به چهره آقا محمود نگاه نکرده بودم، تازه آن شب بود که چهره ایشان را دیدم و همان لحظه انگار شهادت ایشان را جلوی چشمانم دیدم و حس کردم او انسانی زمینی نیست.

سال ۱۳۹۰ عقد و سال ۱۳۹۱ ازدواج کردیم، مراسم ازدواج‌مان خیلی ساده برگزار شد، چند ماه بعد از عقدمان به کربلا رفتیم و با یک ولیمه ساده به اقوام، زندگی مشترک‌مان را آغاز کردیم. بعد از مدتی خداوند به ما محمد هادی را عنایت کرد. آقا محمود پدرانه به محمّدهادی عشق می‌ورزید. خیلی مهربان و باگذشت بود نقطه قوت اخلاقی‌اش احترام خاص او به پدر و مادر و تمامی اعضای خانواده بود. صله رحم و رفت و آمد با اقوام را هیچ وقت قطع نمی‌کرد، بعضی وقت‌ها فشارهای زندگی آرامش را از وجودم می‌گرفت، واقعاً تکیه‌گاه محکمی بود. تنها موضوعی که ایشان را خیلی آزرده‌خاطر می‌کرد وضع نامناسب پوشش خانم‌ها در سطح جامعه بود. اکثر مسافرت‌هایی که با آقا محمود می‌رفتیم، سفرهای زیارتی بود، که خیلی برایم خاطره‌انگیز و جالب بود. خصوصاً حرم حضرت معصومه(س) که علاقه و ارادت خاصی نسبت به خانم داشتند، بیشتر به قم سفر می‌کردیم. سال ۹۱ کم‌کم زمزمه‌های رفتنش به مأموریت‌های طولانی‌مدت را می‌شنیدیم، از نحوه چیدن ساکش متوجه می‌شدم که این سفر نمی‌تواند کوتاه باشد. اولین باری که آقا محمود به سوریه رفت سال ۹۲ بود، دو ماه طول کشید. از مأموریت که برگشت، وقتی ساک را باز کردم عطر خوشایند حرم حضرت زینب(س) را استشمام کردم، با وجود اینکه خودم یک‌بار به زیارت حضرت رفته بودم حسم را به آقا محمود گفتم که شما از سفر سوریه بازگشته‌اید؟ بهت‌زده سکوت کرد و با خنده‌ای که بر لب داشت، گفت: «جای شما هم زیارت کردم.» برای بار دوم سال ۹۴ به فاصله چند ماه، دو مرتبه به سوریه رفت. من روز قبل از شهادت با ایشون صحبت کردم، همیشه شب‌ها زنگ می‌زد. ولی آن روز، برعکس همیشه ظهر زنگ زد. روز بعد، دهم مرداد طی انفجار مواد منفجره در حماء به شهادت رسید.»وقتی برادر شوهرم خبر شهادتش را داد، بند دلم پاره شد. بدنم می‌لرزید. به مادر مرتضی می‌گفتم؛ «مامان من مرتضی را می‌خواهم!...» بعد از شهادتش واقعاً از او راضی شدم. حالا جای مرتضی خالی است، اما من و دخترانم به داشتن «مرتضای شهید» افتخار می‌کنیم.

گلی از باغ

سید آماده رفتن شده بود

هفتمین جلد از کتاب «راه ستاره» با زیر عنوان زندگی‌نامه و مجموعه خاطرات شهید سیدحمید طباطبایی‌مهر، این شهید مدافع حرم را معرفی می‌کند؛ شهیدی که در دورانی به شهادت رسید که شاید هنوز سخنی از مدافعان حرم نبود. کتاب در قطع پالتویی به همت سیدمحمود امینی نگارش و بازنویسی شده و به همت مؤسسه حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس معاونت فرهنگی نیروی زمینی سپاه منتشر شده است. نویسنده سعی کرده با رعایت تقدم و تأخر تاریخی، مجموعه‌ای از خاطرات مربوط به شهید را در بخش‌های کوتاه بیاورد. در مجموع، کتاب زندگی‌نامه‌ای همراه با خاطرات شهید است. یکی از ویژگی‌های کتاب وجود متن‌های کوتاه آن است، این ویژگی به همراه ویژگی دیگر کتاب که یک صفحه عکس و یک صفحه متن است می‌تواند خواننده را ترغیب کند در یک بار خوانش تمام کتاب را به پایان برساند و یک شمای کلی از زندگی شهید را به دست بیاورد.

در بخشی از کتاب به روایت همسر شهید چنین می‌خوانیم: «این اواخر، بیشتر از قبل احساس دلتنگی می‌کرد، در همان عملیات شمال غرب وقتی پیکر شهدا را از ارتفاعات جاسوسان به پایین آورد حالش دگرگون شده بود؛ غصه می‌خورد و می‌گفت: خیلی عجیب است که پیکر شهدا را می‌بینم و آن وقت من خیلی راحت قدم می‌زنم، اینها یکی‌یکی شهید می‌شوند و من هنوز مانده‌ام... گیر کارم کجاست که خدا مرا نمی‌برد و توفیق شهادت در راهش را نصیبم نمی‌کند؟!...

من فکر می‌کنم آقا سید در سفر حج نشانه‌ای دیده بود و شهادتش را در همان حال از خدا خواسته بود. سید بعد از آن سفر، مدام سراغ تربت کربلا و کفنی را که از مکه آورده بود، می‌گرفت. سید آماده رفتن شده بود... در حالی که من چیزی نمی‌دانستم...»

قبیله عشق

حین آموزش‌های تکاوری روزه مستحبی می‌گرفت

در دوره آموزشی ۲۰ روزه تکاوری بودیم. آن روز قرار بود پیاده‌روی ۷۰ کیلومتری داشته باشیم. محمد پرسید که این ۷۰ کیلومتر طوری هست که بتوانیم نمازمان را سر وقت و کامل بخوانیم؟ گفتم بله با گرای مشخصی دور می‌زنیم و از حد ترخص خارج نمی‌شویم. این سؤال در ذهنم بود که چرا او این پرسش را مطرح کرد تا اینکه بعداً فهمیدم محمد و دوست و برادر همیشگی‌اش شهید صفری‌تبار حین آموزش‌ها روزه مستحبی می‌گیرند و می‌خواهند روزه‌شان با مشکل مواجه نشود.

به نقل از همرزمان شهید محمد محرابی‌پناه

محمد ۲۰ شهریور ماه سال ۱۳۶۴ در شهرستان آران و بیدگل کاشان متولد شد. پدرش از رزمندگان دفاع مقدس بود. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در محل تولدش به پایان رساند. در ورزش‌های رزمی و فوتبال هم موفق بود. در دوران دبیرستان عضو فعال بسیج دانش‌آموزی شد و در پایگاه بسیج بقیه‌الله(عج) فعال بود. حدود چهار سال در گردان ۱۸۱ عاشورا فعالیت کرد و یک سال هم مسئول دسته ویژه بود. علاقه فراوانی به کارهای نظامی داشت. دانشگاه آزاد کاشان رشته مهندسی رایانه قبول شد، اما از محیط دانشگاه ناراحت بود؛ لذا ترک تحصیل کرد و به دانشکده فنی و حرفه‌ای کاشان رفت و دوره برق خانگی و صنعتی را گذراند. در این مدت به کار کشاورزی هم مشغول بود. در آزمون دانشگاه امام حسین(ع) شرکت کرد و وارد سپاه شد. بعد از دوره‌ها وارد تیپ صابرین شد و در آموزش‌های سخت تکاوری شرکت کرد. او در این خلال به خواستگاری رفت و عقد کرد. این مجاهد نستوه که جزو یگان پیشرو بود سرانجام شب ۲۲ ماه رمضان سال ۱۳۹۱ در حالی که نیروی زمینی سپاه عزمش را برای مقابله جدی با گروهک‌های تروریستی منطقه شمالغرب از جمله پژاک جزم کرده بود. در حین پاکسازی ارتفاعات جاسوسان به شهادت رسید.

گزارش خبری

مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در ستاد فرماندهی کل سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

فعالیت‌های ما الگوی رده‌های دیگر می‌شود

حجت‌الاسلام فخری گفت: «ستاد فرماندهی کل سپاه نقش الگو را برای دیگر رده‌های سپاه دارد؛ از این رو ما کار خود را چه در حوزه بنا، تجهیزات و تأسیسات مربوط به نمازخانه‌ها و برنامه‌های دیگر عقیدتی و سیاسی و چه در حوزه محتوا و شکل برگزاری برنامه‌ها الگو می‌دانیم و سعی داریم به بهترین شکل این کارها را انجام دهیم.»

حجت‌الاسلام عبدالله فخری، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در ستاد فرماندهی کل سپاه در گفت‌وگو با خبرنگار صبح صادق با اشاره به اینکه ستاد فرماندهی کل سپاه و رده‌های تابعه آن بزرگ‌ترین پادگان در مجموعه سپاه است که بیشترین تعداد نیرو را هم دارد، اظهار داشت: «بر اساس وسعت ستاد فرماندهی کل سپاه، مجموعه نمایندگی ولی‌فقیه اهمیت بسزایی دارد و اوج فعالیت‌های نمایندگی در طول سال هم در ماه مبارک رمضان رقم می‌خورد.»

وی افزود: «در ماه مبارک رمضان تنها در مجموعه خود ستاد ۴۰ کلاس نور مبین برای نیروهای پایور و ۹ کلاس برای نیروهای وظیفه و در رده‌های تابعه ۳۰ کلاس برای پایوران و ۲۲ کلاس برای نیروهای وظیفه برگزار می‌شود که این خود به تنهایی نشان از وسعت کار دارد.»

حجت‌الاسلام فخری برگزاری ۱۹۰ جلسه اخلاقی با محوریت دعای مکارم اخلاق صحیفه سجادیه را از دیگر برنامه‌های ماه مبارک رمضان در سطح ستاد و رده‌های تابعه عنوان کرد و ادامه داد: «۴۰ محفل انس با قرآن نیز در این مجموعه‌ها در روزهای پنج‌شنبه ماه رمضان برگزار می‌شود که در آن از قاریان ممتاز بین‌المللی که تعدادی از آنها عضو سپاه هستند، استفاده می‌شود.»

وی افزود: «تنها در سطح ستاد فرماندهی کل سپاه که شامل معاونت‌های تخصصی و رده‌های وابسته در یک پراکندگی جغرافیایی در سطح تهران قرار دارند، ۲۷ مسجد، نمازخانه و مکان برای نماز جماعت در نظر گرفته شده است. این در حالی است که در مجموعه‌هایی که شبانه‌روزی هستند، نماز صبح و مغرب نیز به صورت جماعت برگزار می‌شود. در بین نماز ظهر و عصر نیز قاریان نیم صفحه از قرآن را تلاوت می‌کنند. گفتنی است، تلاش‌مان این است که افرادی که توان قرائت قرآن به صورت ترتیل را دارند، به صورت کامل شناسایی کرده و در این اقدام شرکت دهیم.»

مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در ستاد فرماندهی کل سپاه ادامه داد: «در ماه رمضان بنا به مأموریت نمایندگی ما از ۷۱ نفر روحانی تبلیغی بهره می‌بریم که یا اعزامی از قم هستند یا اینکه از بیرون دعوت شده‌اند و در غیر این صورت از طلاب رسمی سپاه یا طلاب وظیفه هستند. مسابقات کتابخوانی و دیگر برنامه‌های جانبی هم در این ماه برگزار می‌شود.»

وی درباره اثربخشی برنامه‌های نمایندگی که مطالبه اصلی نماینده ولی‌فقیه در سپاه است، توضیح داد: «بر اساس این موضوع ما جلساتی را با کارشناسان و صاحب‌نظران برگزار کردیم و نتایج را به دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه و معاونت دانش و پژوهش سپاه فرستادیم.»

حجت‌الاسلام فخری افزود: «بنای ما این است که با اهتمام ویژه‌ای که روی کمیت و تعداد برنامه‌ها داشتیم، به همان اندازه و بیشتر روی کیفیت هم اهتمام داشته باشیم تا اثربخشی برنامه‌ها افزایش پیدا کند. این را هم بگویم که نتایج را از طریق نظارت و خوداظهاری مخاطبان کسب و همان زمان در برنامه‌ها اعمال می‌کنیم.»

تریبون

جمع‌بندی تریبون چهارم

چرا جامعه اسلامی به انس با قرآن نیاز دارد؟

در گذر از نیمه ماه مبارک رمضان پرسش تریبونی این شماره را به موضوع قرآن و چرایی نیاز جامعه اسلامی به انس با این نسخه الهی اختصاص دادیم که در ادامه جمع‌بندی نظرات ارائه می‌شود. در این میان با دو نگاه حداقلی و حداکثری در رابطه با تأثیر انس با قرآن مواجه شدیم.

قرآن کتاب هدایت/ عده‌ای معتقد بودند قرآن کتاب هدایت بشر است. «مرتضی امیری‌نژاد» از بوئین زهرا، «حیدربکاء عین‌الدین» از بستان‌آباد، «محسن میثاقی» از قوچان، «علی شعبان» از بروجرد، «محمد کرمی» از کرمانشاه، «محمد فرهنگیان» و «شیرزاد صحرایی» از صحنه، «مهدی امیری» از اهواز، «مرتضی عابدین» از بندرانزلی، «لیلی امانی‌نژاد» از ساری، «سیدمجتبی مرتضوی‌آبباران» و «فرامرز الیاسی» از سنقر، «مصطفی اکبری» از داران، «ناهید شهریاری» از اهواز، «آیت‌اله احمدی‌راد» از ایوانغرب و «میثم دکامی» از نهاوند چنین نظری داشتند.

قرآن کتاب سعادت بشر/ «غلام رسول کریمی» از گرگان، «سلیمان غفاری» و «پاک» از تبریز و «سیدفرشاد شکیبا» از دهدشت قرآن را کتاب سعادت بشر دانسته‌اند.

قرآن نسخه به تکامل رسیدن جامعه/ همچنین «زهرا وثوقی» از تهران و «حجت عبدی» از بروجرد قرآن را نسخه به تکامل رسیدن جامعه می‌دانند.

قرآن بنیان جامعه اسلامی است/ اساس، شالوده و بنیان جامعه اسلامی قرآن است. این نگاهی است که «سهراب اکبری» از تبریز و «یوسف صبحانی‌نسب» از بوشهر به آن معتقدند.

قرآن برنامه زندگی/ برنامه زندگی بودن قرآن را هم «یزدانی» از میاندورود، «رؤیا خرمی»، «مرضیه قلیان»، «علی نصراله‌زاده» و «آسیه ثانوی» همگی از ساری به آن اشاره کرده‌اند.

دستورالعمل حکومت اسلامی/ «جزینی» از زاهدان، «ولی‌زاده» از ارومیه، «مهدی میرزازاده» از آذرشهر، «علیرضا صبحانی‌نسب» از بوشهر و «سیدسجاد هاشمی‌کیا» از گچساران قرآن را دستورالعمل حکومت اسلامی می‌دانند و «سید قادری» از قم قرآن را نسخه خالق برای زندگی مخلوق توصیف کرده است.

گذر از گرفتاری‌ها و مشکلات/ «عاطفه کوشکی» از خرم‌بید، «نوریانی» از الوند، «سیدمحمد خدایی» از اردکان، «ایرج حسن‌پور» از یاسوج، «اله‌قلی کوشکی» از خرمی، «فاطمه طالبی» از صفاشهر، «مالک بازدار» از سیرجان و «ابراهیم ملکی» از ملایر قرآن را وسیله گذر از گرفتاری‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی می‌دانند.

اتحاد جهان اسلام/ اما اتحاد جهان اسلام در پرتو قرآن نیز موضوعی بود که «جواد آبی» از همدان، «محمود مولوی» از شهرکرد، «مریم دهقان» از قشلاق، «امین فتاحی» از کرمانشاه و «رسول امیرخانی» به آن اشاره کردند.

قرآن مانع انحراف/ «زهره شهریاری» از اهواز، «خدادوست» از فریمان، «معصومه هراسانی» و «امیرپارسا بینایان» از دامغان قرآن را مانع انحراف دانستند و «روح‌اله احمدی» از قم عبرت‌آموزی قرآن را مهم دانسته است.

افزایش معنویت جامعه/ «احمد محمدی» از مهرشهر ، «علی مجیدی» از آذرشهر، «محمد زارعی‌برآبادی» از خواف، «موسی‌الرضا حیدری» از مشهد و «آبدونی» از بوشهر افزایش معنویت جامعه در پرتو قرآن را بیان کرده‌اند. «زهدی» از استان‌های غربی کشور معتقد است که دستورهای قرآن جامعه را به سمت ظهور امام زمان(عج) می‌برد.

«مراد ناظری» از قم و «مهدی پورکریم» از سروستان قرآن را کامل‌ترین و جامع‌ترین آیین‌نامه زندگی می‌دانند. «سیروس رضائی‌میرقائد» از لالی خوزستان معتقد است که اگر جامعه اسلامی می‌خواهد اوج بگیرد و تمدن‌ساز شود باید با قرآن مأنوس شود. «ابوذر خداجو» از هرمزگان هم گفته است: انس با قرآن و تدبر در آن جهل را از بین می‌برد.

برندگان تریبون چهارم

«سیروس رضائی» میرقائد از لالی خوزستان/ «جزینی» از زاهدان/ «زهرا وثوقی» از تهران

پرسش تریبون پنجم

چگونه به استحکام ساخت درونی نظام کمک کنیم؟

پیامک صبح صادق ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

صبح صادق
دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۷
۱۹ رمضان ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۵۰
۱۲ صفحه
Mon. 4 JUNE 2018
www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

صبحانه

حواس‌تان باشد...

بساط زرنگی‌های‌تان را
اطراف آدم‌های ساده و مهربان پهن نکنید،
انصاف نیست!
کاش آدم‌هایی که انتخاب کرده‌اند
خوب باشند را پشیمان نکنید...
دنیای‌مان به اندازه کافی آدمِ زرنگ دارد.
دســـت از سرِ این نسلِ اصیلِ رو به انقراض
بردارید!
باور کنید
حتی کوچک‌ترین ضربه به این
جور آدم‌ها تاوان دارد
یادم می‌آید مادرم همیشه می‌گفت
خدا بدجور پشت آدم‌های ساده ایستاده
حواس‌تان باشد...

صادقانه

برترین عبادت

امام علی(ع) فرمودند:
مهرورزی با مردم،
اساس خردمندی است...
اندیشیدن به نیکی، [آدمی را]
به عمل کردن به آن می‌کشاند.
صبورانه چشم داشتن به گشایش،
برترین عبادت است.
توبه، دل‌ها را پاک می‌کند،
و گناهان را می‌شوید.
زیبایی ظاهری، نیکوییِ صورت است،
و زیبایی باطن، نیکوییِ رفتار.

احادیث کوتاهی
از غررالحکم

بارش رحمت الهی

یادداشت

هنر متعهد در دو جبهه

□ **حســـین کارگر/** یکی از عواملی که ســـبب ایجاد معضلات و بحران‌هایی در برخی رشـــته‌های هنری ما شده، دوری از اندیشه‌های هنری امام خمینی(ره) است. برای نمونه، در ســـینما با مسائلی، چون حجم بالای ابتذال یا قهر عموم مردم با سالن‌های نمایش فیلم، بی‌توجهی آثار به مسائل روز کشور و... مواجه هســـتیم. پیام صریح و شـــورانگیز حضـــرت امام(ره) در ســـال ۶۷ که باید آن را مانیفست هنر رهایی‌بخش بدانیم و بنامیم، راه روشنی بود که برای هنر و هنرمندان نمایانده شد و برای رسیدن به منازل مقصود، باید این راه را طی کرد. پیامی که خودش یک اثر هنری است و از این رو، الگو و سرمشقی برای هنرمندان، مدیران، سیاستگذاران، منتقدان و مدرسان این عرصه است.

یکی از بخش‌هـــای مهم پیام امام(ره) بـــه هنرمندان، آینده‌نگری است؛ وجهی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گویی امام خمینی(ره) پیش‌بینـــی می‌کردنـــد در آینـــده نزدیک، «مدعیان هنر بی‌درد»، که در واقع پیاده‌نظام سیاســـتمداران و سیاست‌بازان مدعی و بی‌درد هستند، بـــا دو فرقه ســـینمای گیشـــه‌ای و شبه‌روشنفکری، خون فرهنگ اصیل را می‌مکند. بین این پیام که خطاب به هنرمندان صادر شد و آن پیام که برای قطعنامه پایان جنگ تحمیلی صادر شد، نسبت روشنی وجود دارد. در آنجا امام از آغاز جنگی دیگر سخن گفتند: «امـــروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است... .»

حضرت امـــام(ره) در این پیام، مسئولیت هنرمندان را در دو جبهه داخلـــی و خارجی نمایـــان کردند. امروز بیـــش از هر زمـــان دیگری در ایـــن دو جبهه دچار مســـائل و ابتلائات گوناگون هستیم. براساس بیانیه امـــام خمینی(ره) هنرمندان در مقابـــل جبهه داخلـــی موظف به «تجســـیم تلخ‌کامی گرســـنگان مغضوب قدرت و پـــول»، «صیقل دادن اســـلام تازیانه‌خوردگان تلخ و شـــرم‌آور محرومیت‌ها» و «کوبنده ســـرمایه‌داری و کمونیسم» شدند. «ترســـیم روشن عدالت و شرافت»، «نشـــان دادن نقاط کـــور و مبهم معضـــلات اجتماعـــی، سیاســـی و نظامـــی» و «نشـــان دادن تصویر زالوصفتانـــی کـــه از مکیدن خون فرهنگ اصیل اســـلامی و فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند»، از دیگر تکالیف هنرمندان ماســـت. از نگاه امام، هنرمنـــدان می‌توانند مردمان ما را به حیات جاودان برسانند، اگر زمانی که مطمئن شوند مردم بدون اتکا به غیر، در چارچوب مکتب‌شان زندگی کنند. همچنان که در عرصه بین‌المللی، هنرمندان موظف هستند تنها بـــه هنری توجه کنند که «راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب» را نشان دهد.

ترنم

آه زمین و گریه آسمان

آن شب ستاره‌ها غمگنانه به کوفه می‌نگریستند و ماه از شرم، خود را با ابرها پوشانده بود. بغض آسمان که باز شد، زمین به حال خود گریست. نه تنها امت، یتیم شده بود؛ بلکه انسان سند افتخار و برگ برنده خود را در برابر ابلیس گم کرده بود. از در و دیوارهای کوفه ناله می‌بارید و وحشت سراسر آن را فرا گرفته بود.

کوفه سراســـر سکوت است و خاک مرگ، روی شهر پاشیده‌اند. از آسمان غم می‌بارد. نگرانی در عمق زمان و لحظه‌ها موج می‌زند. علی(ع) در بستر مرگ آرمیده است.

گوش‌ها که ندای قُتِلَ امیرالمؤمنین را شنیدند، تن‌ها پای ایستادن نداشتند. مردم گیج و مبهوت شدند و ناباورانه خبر را زمزمه می‌کردند، همان مردمی که بارها امیر و امام‌شـــان، از بی‌وفایی و پیمان‌شکنی و سست عهدی آنان شکایت کرده بود، همان مردمی که درباره‌شـــان فرموده بود: «ای گروهی که جسم‌تان اینجا حضور دارد، اما عقل و خرد شـــما پنهان گشـــته اســـت. ای گروهی که فرمانروایان‌تان گرفتار شمایند، من که امیر و فرمانده شما هستم، خدا را اطاعت می‌کنم، در حالی که شـــما از من فرمان نمی‌برید و معاویه که فرمانروای اهل شـــام اســـت، خدا را نافرمانی می‌کند، اما مردم شام از او فرمان می‌برند. به خدا سوگند که دوست دارم معاویه، درباره شما مردم بی‌وفا و نافرمان، با من معامله کند. از من سکه نقره بستاند و به من دینار طلا بدهد. ده نفر از شما را بگیرد و یک نفر از شامیان را بدهد.»

آری، همان مردم اکنون سخت اندوهگین و افسرده‌اند و می‌دانند که روزهای سیاهی پیش رو خواهند داشت.

راستی، مگر علی(ع) چه کرد و چه گفت که مستحق شمشیر زهرآگین شد؟ پاسخ به این پرسش را باید در آن همه فضایل و مناقبی جست که رسول خدا، گاه و بی‌گاه، در سفر و حضر و به مناسبت‌های گوناگون درباره حضرت علی(ع) فرموده بود: «وَ ما ینْطِقُ عَنِ الْهَوی اِنْ هُوَ اِلاّ وَحْی یوحی.»

علی آرام می‌سوزد
علی امشب میان کوچه‌ها تنهاتر از ماه است
پریشان‌تر ز مرغان عزادار شبانگاه است
به روی ارغوانش عطر لبخندی شکوفا شد
علی آیا ز توفیقی که امشب دارد آگاه است؟
شتاب گام‌هایش بیشتر می‌گردد از نبضش
مسیر زندگی در چشم او امشب چه کوتاه است
خزیده در ردای شب تمام ناجوانمردی
و شمشیری که قصدش فرق خورشید سحرگاه است
علی آرام می‌سوزد علی آرام می‌جوشد
علی آرام می‌نوشد از آن جامی که دلخواه است
میان چشم‌هایش قطره اشکی شکوفا شد
میان چشم‌هایی که دلیل هر چه گمراه است
علی آرام می‌گرید ز داغ کودکانی که
فراق مهربانی‌ها بر آنها سخت جانکاه است
یتیمان کاسه‌های شیر را بر خاک اندازید
مجال دلنوازی با علی بسیار کوتاه است
صدایی آشنا می‌آید از اعماق تاریکی
نوای بغض نخلستان یا غم مویه چاه است
هنوز از مسجد کوفه پس از کوچ علی بینی
که ذکر دائم گلدسته‌هایش «فزتُ و الله» است

غلامرضا سازگار

گفت‌وگو با کوروش زارعی، بازیگر سریال «آنام»

هنر در معرفی شخصیت امام (ره) مسئولیت دارد

□ **آرش فهیم/ کوروش زارعی بیشتر به بازیگری و کارگردانی در حوزه تئاتر شناخته می‌شود؛ اما طی سال‌های اخیر در چند فیلم سینمایی و ســـریال هم بازی کرده است. سریال «آنام» آخرین تجربه بازیگری وی است و پیش از آن در آثاری چون «امپراطور شیطان» و «یوسف پیامبر(ع)» نقش‌آفرینی کرده بود. زارعی همچنیـــن مدتی دبیر جشنواره تئاتر بسیج بود و هم اکنون مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری است. به بهانه برگزاری همایش تئاتر مردمی خرداد با موضوع زندگی امام خمینی(ره) و همچنین حضور وی در سریال «آنام» با وی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.**

*** هنرهای نمایشـــی چه مسئولیتی در قبال وقایع انقلاب اســـلامی و به ویژه شخصیت امام خمینی(ره) دارند؟**

ما در آستانه ۴۰ ســـالگی پیروزی انقلاب هستیم و به طور قطع در این چهار دهه نسل‌های جدیدی به جامعه اضافه شده‌اند. نسلی که انقلاب کردند، رفته‌رفته رو به کهن‌سالی‌اند و از این دنیا می‌رونـــد و در آینده نه چندان دور دیگر حضور نخواهند داشـــت تا وقایع انقلاب را برای نســـل جدید نقل کنند. پس در اینجا رسالت هنرهای نمایشی این است که برای نشان دادن شخصیت شامخ و بزرگ امام خمینی(ره) و تثبیت اندیشه و باورهای این مرد بزرگ در جامعه وارد عرصه شود و نشـــان دهد که امام راحل با آن دل خدایی و دست خالی چطور توانست آن رژیم را که بسیاری از قدرت‌های بزرگ جهان، مانند آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی پشتش بودند، به یاری خدا سرنگون کند و نهال انقلاب را بکارد. باید بتوانیم با ابزارهای رسانه‌ای جذاب مانند تئاتر و با آثار خلاق و غیرشعاری، شخصیت و زندگی واقعی امام(ره) را معرفی کنیم. هر چند حضرت امام(ره) شخصیتی نبودند که از دل و ذهن مردم فراموش شوند؛ اما ما وظیفه داریم نسلی که انقلاب را ندیده و این شخصیت والا را کمتر می‌شناسند، از بسیاری از واقعیت‌ها آگاه کنیم. همایش تئاتر مردمی خرداد نیز چنین هدفـــی دارد و موضوعات آن انقلاب اسلامی و شخصیت امام خمینی(ره) است؛ به هر حال، انقلاب ما یک انقلاب مردمی است و رهبر آن هم مردمی بودند؛ به همین دلیل هم عنوان مردمی را روی این همایش گذاشـــته‌ایم. ضمن اینکه تئاتر هم می‌تواند مردمی باشد و اگر برای مردم نباشد، هیچ جایگاهی ندارد. در واقع، مردم ولی نعمت ما هنرمندان هستند. در این همایش سعی داریم در اجتماعات مردمی از جمله در حرم مطهر امام(ره) برای زائران و همچنین مردمی که در دیگر نقاط کشـــور هستند، آثاری را در قالب تئاتر خیابانی اجرا کنیم.

*** آیا آثار ایـــن همایش از نظر کیفی و محتوایی در شأن مقام امام خمینی(ره) هستند؟**

هیئت انتخـــاب و داورهای این همایش از آثار ارائه شـــده راضی بودند. خدا را شکر فرآیند برگزاری جشنواره به گونه‌ای پیش رفت که بیشتر هنرمندان حرفه‌ای تئاتر خیابانی در این جشنواره حضور دارند. برنامه ما در این راستا این است که نمایش‌ها فقط به این همایش محدود نشـــوند؛ بلکـــه پس از آن نیز اجرا شـــوند. به این ترتیب کـــه از ۸ تا ۱۲ خرداد که این همایش در تهران برگزار می‌شود، پس از آن تا ۱۵ خرداد گروه‌های شهرستانی در شهرهای خودشان اجرای عمومی خواهند داشـــت. تئاتر وقتی با چنین موضوعات خاصی به اجرای عمومی برســـد و مردم به طور مرتـــب آثاری را در خیابان ببینند، تأثیرش این است که هم موضوع و محتوا به خوبی در سطح جامعه منتقل می‌شود و هم خود تئاتر بین مردم بیش از پیش مقبولیت پیدا می‌کند.

*** یکی از مســـائلی که طی سال‌های اخیر آشکار شده، تلاش برای تحریف راه و شخصیت امام خمینی(ره) است، به نظر شما هنر و هنرمندان چگونه می‌توانند با این جریان مقابله کنند؟**

از رحلـــت امـــام(ره) هنوز زمـــان زیادی نگذشـــته و بسیاری از مردم واقعیت‌ها را درباره امـــام خمینـــی(ره) فرامـــوش نکرده‌اند. ضمن اینکه کتاب‌های بســـیار خوبی در زمینه زندگی و اندیشـــه‌های امام راحل تولید شـــده است. ما نیـــز هنرمندان این همایـــش را به این کتاب‌ها ارجاع داده‌ایم تـــا درباره موضوعات گوناگون به کتاب‌های مربوطه مراجعـــه کنند تا آثار دچار چنین مشکلاتی نشـــود. برخی از تولیدات نیز خاطرات و اتفاقاتی است که از امام خمینی(ره) در ذهن مردم سال‌هاســـت باقی مانده است و از طریق انتقال این خاطرات می‌توان مانع تحریف شـــخصیت این بزرگوار شد. برای نمونه یکی از موضوعات محوری همایش تئاتر مردمی خرداد که در فراخوان هم اعلام کردیم، عشـــق امام به رزمندگان اســـت. این موضوع مهمی است که باید تأکید شود، کسانی که از این سرزمین دفاع می‌کردند و نمی‌گذاشـــتند ذره‌ای از خاک ما به دست دشمن غاصب بیفتد، نزد امام(ره) جایگاه و ارزش والایی داشتند. به راستی، این موضوعات زیبا چه جایی بهتر از تئاتر، ســـینما و تلویزیون می‌توانند به تصویر کشیده شوند.

*** با توجه به اینکه شـــما در عرصه بازیگری سینما و تلویزیون فعال هستید، نظرتان درباره مسائلی چون نقش‌فروشی و لابی‌گری در این عرصه چیست؟**

این معضل همیشـــگی سینما و تلویزیون ما بوده و هســـت که متأسفانه به واسطه برخی دلال‌ها، نقش‌فروشی صورت می‌گیرد. آدم‌هایی نیز از طریق اسپانسر و حامی مالی به نقش‌هایی در برخی فیلم‌ها و سریال‌ها دست پیدا می‌کنند. برخی فیلم‌سازها یا برنامه‌سازان نیز به روش‌هایی متوسل می‌شوند که حرفه‌ای و اخلاقی نیست. متأســـفانه این معضل جامعه بازیگری ما را در برگرفته و نتیجه آن این اســـت که بســـیاری از هنرمنـــدان حرفه‌ای و توانمند ما خانه‌نشـــین شـــده‌اند یا کمتر کار می‌کنند و افرادی جلوی دوربین می‌روند که نـــه تنها روی صحنه تئاتر دیده نشده‌اند؛ بلکه حتی اطراف تالارهای تئاتر هـــم آنها را ندیده‌ایم! حتی در مراکز آموزشـــی بازیگری هم حضور نداشته‌اند! اگر این معضل به همین منوال پیش رود، سطح بازیگری در سینما و تلویزیون ما کاهش پیدا می‌کند و استعدادهایی که در عرصه بازیگری در اقصی نقاط کشور وجود دارنـــد، مهجور می‌مانند. یکی از اتفاقات مثبتی که در ســـریال «آنام» رخ داد، این بود که جواد افشار ضمن استفاده از بازیگران بومی تبریز، چند چهره توانمند جوان را به عرصه هنر معرفی کرد. به راستی، باید دنبال استعدادهای واقعی باشیم، نه اینکه افرادی ظاهر شوند که استعداد ندارند و به واسطه لابی‌گری و رفاقت به عرصه بازیگری پا می‌گذارند.

اخبار فرهنگی

طراحی جدیدترین پرتره امام(ره) و رهبر معظم انقلاب

جدیدتریـــن پرتـــره حضرت امـــام خمینی(ره) و حضرت امـــام خامنه‌ای(مدظله‌العالـــی)، به زودی رونمایی می‌شود.

غلامعلی طاهری، نقاش پیشکسوتی که پرتره‌های متعددی از حضرت امام خمینی(ره) خلق کرده است، درباره آثار جدیدش گفـــت: «جدیدترین پرتره‌هایی که از حضـــرت امام خمینـــی(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ســـفارش حوزه هنری نقاشی کرده‌ام، در اختیار این نهاد فرهنگی قرار داده‌ام تا با توجه به چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از آنها رونمایی شود.»

«ماجرای نیمروز ۲» ساخته می‌شود

قسمت دوم فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» که جنایت‌های منافقین و مقابله نیروهای امنیتی و نظامی کشورمان با آنها را روایت می‌کند، ساخته می‌شود.

فیلم‌نامه‌های «ماجرای نیمروز ۲» به تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی، کارگردانی محمدحسین مهدویان و نویسندگی مشترک حسین تراب‌نژاد و ابراهیم امینی در ژانر سیاسی و «نامت را به خاطر بسپار» به تهیه‌کنندگی پروانه مرزبان، کارگردانی محسن آقاخان و نویسندگی عباس طهماسبی در ژانر اجتماعی موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.

گفتنی است، قسمت اول «ماجرای نیمروز» در سال ۹۶ به نمایش درآمد و با استقبال نسبتاً خوب مردم و منتقدان مواجه شد.

یک انیمیشن درباره آیات قرآن

انیمیشن سه بعدی «قل الحمد» که یکی از اولین نمونه‌های به تصویر کشیدن آیات قرآن در قالب انیمیشن است، به زودی از شبکه‌های یک، دو، کودک، افق، امید و قرآن سیما پخش خواهد شد.

در ایـــن نماهنگ پنج دقیقه‌ای که با تکنیک سه بعدی ساخته شده، تصاویری از پرواز سه فرشته در آسمان بر فراز مناظر گوناگون زمین به تصویر کشیده شده است؛ مناظری که بیان‌کننده توصیفات صورت گرفته در آیات ۵۹ تا ۶۶ سوره نمل از جمله آیه شریفه «امن یجیب» است.

این انیمیشـــن ســـه بعدی قرآنی به کارگردانی رسول گورکانی و تهیه‌کنندگی اســـدالله دیانتـــی در مرکز تولید و نشـــر دیجیتال انقلاب اســـلامی (متنا) ساخته شده است.

انتقاد کارگردان «قصه‌های مجید» از جوایز غربی

کارگـــردان «قصه‌های مجید» هم از جوایز جشنواره‌های خارجی انتقاد کرد.

کیومرث پوراحمد بـــه یک تارنمای خبری گفت: «کسب جایزه‌های بین‌المللی هیچ کمکـــی به داخل و ســـینمای ایران نمی‌کند. هیچ وقت نگفتم و نخواهم گفت که جوایـــز بین‌المللـــی می‌تواند موقعیت ســـینمای ما را بهتر کند. عقیده دارم که فضای داخلی سینمای ایران به حدی مخرب و بد شده است که جایزه‌های بین‌المللی نیز نمی‌تواند به ما کمک کند. البته این جایزه‌ها ارزش خاصی ندارند؛ زیرا واقعی نیستند و به خاطر مسائل دیگر، آن را به فیلمسازان ما می‌دهند. این نخل‌های طلا به کارگردانانی که آن را دریافت می‌کنند، کمک می‌کند تا پول بیشتری به دست بیاورند و زندگی بهتری را برای خود به وجود بیاورند.»

روابط پشت پرده فوتبال در یک مستند

مجموعه مستند «دریبل»، از تولیدات خانه مستند انقلاب اسلامی به مناسبت آغاز جام جهانی فوتبال به زودی از شـــبکه سه سیما به نمایش درمی‌آید.

این مجموعه در ســـه قســـمت ۲۶ دقیقـــه‌ای تولید شـــده و نگاهی به روابط پنهان و دست‌های پشت پرده‌ای دارد که در حوزه فوتبال نقش دارند.

عطا پناهی، تهیه‌کننده این اثر با بیان اینکه در این سه قسمت فوتبال از دریچه اقتصاد، قضاوت و رســـانه نقد و بررســـی می‌شـــود، از ادامه ســـاخت این مجموعه مســـتند در محورهای دیگر خبر داد. این مجموعه مستند، نگاهی اقتصادی و سیاسی به روابط پنهان موجود در مســـتطیل سبز است و به‌همین دلیل علاقه‌مندان می‌توانند با زاویه دیگری از فوتبال آشنا شوند.

تیتراژفروشی در تلویزیون

یک ترانه‌ســـرا از ماجرای رابطه بین تهیه‌کننـــدگان برخی آثـــار تلویزیونی و خوانندگان خبر می‌دهد که سبب می‌شود تیتراژ ســـریال‌ها و مجموعه‌ها به‌ویژه آثار مناسبتی خرید و فروش شود.

علیرضا بدیـــع به مهـــر گفت: «طی ســـال‌های اخیر، به‌دلیل روابـــط برخی از تهیه‌کننده‌های ســـریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی با جامعه موســـیقی شاهد فروش تیتراژها هســـتیم؛ یعنـــی تهیه‌کننده برای تأمین بخشـــی از هزینه‌های خود اقدام به فروش تیتراژ می‌کند که خریدار نیز در بیشتر موارد برخی خواننده‌ها هستند. خواننده‌ای که دســـت به چنین اقدامی می‌زند، وقتی می‌بینـــد با خریداری یک تیتـــراژ به اندازه پخش چندین تک آهنگ در فضای مجازی مشهور می‌شود، از موضوع استقبال می‌کند.»

کتیبه سبز

سوگواره‌ای برای امام خمینی (ره)

رفتی...

رفتی و با غروب تو قرآن غریب شد
رفتی و عطر یاد تو در روزگار ماند
یعنی که از تو خاطره بی‌شمار ماند
رفتی و در فراق تو این ملت بزرگ
خون گریه کرد و تا به ابد اشکبار ماند
رفتی و با غروب تو، قرآن غریب شد
اسلام ناب، در غم تو، سوگوار ماند
رفتی تو و حماسه سرخ حسینی‌ات
تا نهضت امام زمان(عج) برقرار ماند
رفتی تو و بنای برومند انقلاب
با این شکوه و جذبه پر اقتدار ماند
رفتی تو و نرفت ز دل شوق زندگی
در حیرتم از او، که برای چه کار ماند
مردی و زنده گشت ز تو، دین احمدی
تاریخ را، به نام تو این افتخار ماند
دست امام عصر نهد مرهمی مگر
این سینه را، که در غم تو سوگوار ماند
«آتش» گرفت جانم و تن شعله‌وار سوخت
اما به جای، این غزل آبدار ماند

جواد محقق (آتش)

گریستیم...

ای آفتاب! بی تو چه شب‌ها گریستیم
چون ابر تیره، در شب یلدا گریستیم
آتش گرفت خیمه گردون ز آه ما
با آنکه در عزای تو دریا گریستیم
بی‌سایبان دست تو در غربتی عظیم
امروز تا همیشه فردا گریستیم
ما در غروب چشم تو ای آفتاب خاک
با قدسیان عالم بالا گریستیم

نصرالله مردانی

حسن ختام

دعا کن آقا...

مهدی(عج) جان!
در گرماگرم شب‌های تسبیح و سجاده و دعا
می خوانمت
در التهاب اشک‌های جاری بی‌اختیار
به تمنا می‌خواهمت
مولای من!
این روح خســـته بی‌نگاه شما پالایش نمی‌شود
این دل غبارگرفته بی‌التفات شما صاف نمی‌شود
بی‌حاشیه بگویم آقا:
این خلوت‌نشـــین ســـجاده‌های نیاز بی‌دعای شما آدم نمی‌شود
نور دیدگانم!
این پلک‌ها، سنگین خواب نیست!
سنگین اشک است
سنگین استغاثه...
آقاجان!
در این شب‌های دو قدمیِ تا آسمان
دعای خیرتان را بدرقه راهم کنید
من هم یادتان را زینت خاطر می‌کنم
و در «اللّهـــم انـــی اســـئلک»های دعـــای ســـحرم ظهورتـــان را از خدا می‌خواهم...